

# ویژه نامه

کارگران همه کشورها متحد شوید!

## گزارش فشرده‌ای از روند اعتراضات کادرها، اعضا و هواداران سازمان نسبت به اقدامات سرکوبگرانه و انشعاب طلبانه فراکسیون حاکم بر سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

### مقدمه

بدون قید و شرط بر سر مسئولیت‌های خویش ابقا گردد ۲- نوشته خورفوق بسد و ن سانسور مقداتی و بطور عینی انتشار یابد ۳- طی مدت ۳ ماه کنفرانسی سراسری فراخوانده شود که در آن اختلافات دور اخیر مورد بررسی قرار گرفته و کمیسیون ویژه‌ای انتخاب، تاکنگره‌ای دمکراتیک را تدارک دیده و فرا بخواند ۴- تا مقطع کنفرانس هیچ رفیقی بدلیل اختلافات دور اخیر جابجا نگردد بده و همگی بر سر مسئولیت‌های خود باقی بمانند ۵- برای روشنتر شدن قضایا، ر- باباعلی و نماینده‌های از جانب رفقای مرکزیت در جلسه واحد شرکت نمایند ۶- قطعنامه اکثریت واحد ها نوفر به اطلاع کلیه واحد ها برسد ۷- ک- م بقاصله ۱۰ روز پاسخ خواسته‌های مزبور را بدهد . اکثریت واحد ها نوفر ارائه راه حل و باتصمیم بعدی خود راد رعین انجام تمامی وظائف تشکیلاتی خود ، به بعد از دریافت پاسخ موکول نمود . پس از صد و این قطعنامه ، نماینده دفتر سیاسی با حضور یکطرفه در جلسه واحد (که اکثریت واحد غیرم مخالفت با حضور یکجانبه در آن شرکت نموده بود ) در همین محکم کردن ر- باباعلی ، خواسته‌های رفقای ها نوفر را مردود دانست . پس از ۱۲ روز از تاریخ صد و قطعنامه رفقای واحد ها نوفر ، ک- م با صد و اطلاعیه‌ای پتاریسنگ ۱۱ بهمن ماه ۶۷ کلیه رفقای امضا کننده قطعنامه را توبیخ نمود و قطعنامه آنان را رد یگر واحدها نیز توزیع ننمود .

(نامه‌های درون سازمانی)

### متون نامه‌های رفیق باباعلی به دفتر سیاسی

#### نامه شماره ۱

رفقای عزیز دفتر سیاسی )  
اکنون بیش از سه سال ونیم از انتشار بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت میگذرد . این دو سند موازین وحدت تشکیلاتی ما محسوب می شوند . بدین معنا که تا زمان تصویب برنامه ویک اساسنامه جدید ، معیار وحدت تشکیلات ما همان بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت می باشند که درین حال حکم فراخوان ما را برای متحد شدن کلیه کمیونتهای انقلابی دارا هستند . مهیذا یکی از موارد اساسی توافقات حاصله در جمع بندی مباحثات وحدت پیرامون حق مباحثه و انتقاد آشکار از تصمیمات مرکزیت در تشکیلات ما سکوت مانده و به حالت پلاکتیف و معلق باقی مانده است . تصدیق بلا قید و شرط و بی چون و چرای این حق در بند ۴ "درباره برخورد با مهمترین اصول حاکم بر تشکیلات کمونیستی" در جمع بندی مباحثات وحدت با صراحت قید شده (۱) و با اصل مطرحه در بیانیه وحدت مبنی بر ایجاد تشکیلات پریایه "الکولنیستی" انطباق دارد . اجزای این اصل برای نائق آمدن برتشتت ، پیراکندهی و روحیات فرقه ای - محلی حاکم بر سازمان ما و گل جنبش چپ و ایجاد یک حزب کمونیستی و تودهای ضروری گریز ناپذیر است ، زیرا به قسول لنین : " هیچ حزب توده ای ، هیچ حزب یک طبقه ، بدون آشکاری کامل سایه روشن های اساسی ، بدون یک مبارزه عینی بین گرایشات متوجه بدون مطلع کردن توده ها درباره این که کدام رهبران فکد ام سازمانهای حزبی این یا آن شی را تعقیب می کنند نمی تواند وجود داشته

(۱) بند ۴ : "سانترالیزم دمکراتیک معنای وحدت در عمل و آزادی در انتقاد، درین حال بمعنای پذیرش حق "اقلیت" برای مخالفت اصولی با تصمیماتی است که توسط "اکثریت" در تذکره ها ، کنفرانس ها یا بیکره های سازمانی اتخاذ می گردد . مخالفت اصولی به چه معناست؟ این بمعنای با جراگذاشتن اراده اکثریت در عین تعمیم از دسیسهای و انضباط معمول توسط مرکزیت ، و عدم ایجاد فراکسیون از یکطرف و پذیرش حق ابراز مخالفت و انتقاد آشکار در مطبوعات و ارگانهای سازمان ، تبلیغ و ترویج نظریات اقلیت توسط اکثریت است . اقلیت حق دارد از طریق ارگانهای مطبوعاتی تشکیلات و ترویج نظرات خود را سازمان دهد ، این شیوه اصولی سازمان دادن مبارزه نظری اقلیت با اکثریت می باشد . (جمع بندی مباحثات وحدت ، راه کارگر شماره ۴ تیرماه ۱۳۲۲) .  
بقیه در صفحه ۳

رفقا و دوستان !  
بمنظور آشنائی ووقوف هرچه بیشتر یاروند حرکتی که توسط محترمین و پرچمداران حزبی کردن تشکیلات در سازمان ما صورت گرفته و بمنظور معرفی هرچه بیشتر برخورد های سرکوبگرانه توسط مرکزیت کسه انواع پیشنهادات و اشکال متنوع برخورد ها در واحدها و رفقا را تشبها بیک سیاست (سرکوب و قلع و قمع) پاسخ داده است ، باید آنکه درج بیرونی برخی از زوایای بی تدبیری و بی کفایتی و سیاست فاسد سانسورلیستی مرکزیت سازمان ما بسم خود اقدامی برای معرفی و زدن هر نوع فوق سانسورلیسم و محکومیت اقدامات مشابه در جنبش چپ کشورمان باشد . مسئله‌ای که هرروزه توسط چپها جدی تر گرفته می شود . اقدام به تدوین گزارشی فشرده از روند حرکتان من کنیم ، کسه در رأس آنها نامه‌های درونی رفیق باباعلی به دفتر سیاسی و مرکزیت سازمان که در دوره تشن های درونی نوشته شده قرار دارد .  
در این گزارش سعی شده تا واکنش ها و اعتراضات واحدها بر اساس تقدم زمانی حرکات آنان انعکاس یابند . بویژه آنکه دفتر سیاسی در دفاع از اقداماتش هیچگونه ابائی ندارد تا قضایا را بگونه ای دیگر جلوه دهد از جمله آنکه " تشبها عددهای از رفقای " راه فدائی " بودند که بعلت اختلافات رفقای و قومی یا " راه کارگرهای قدیمی و اصولی " درگیر شده بودند . و جنگ بر سر دیدگاه تشکیلاتی (حزبیت یا محفلیم) نبوده و نیست . تشبها برای ختنی کردن برخورد های ناصداقانه و اپورتونیستی مرکزیت قبل از کزاست که اتفاقاً اولین حرکت جمعی و بی شکل مجموعه اعضا " نه در محفل استقزار واحدی که رفقای سابق " راه فدائی " در آن حضور داشتند ، بلکه اتفاقاً توسط واحدی که رفقای قدیمی و اصلیل راه کارگری (۱) در آن حضور داشتند ، آغاز شد . ثانیاً در " ترکیب " نیروهای محترمین و اخصابین تعداد رفقای با اصطلاح " راه کارگری قدیمی " چندین برابر تعداد رفقای سابق " راه فدائی " می باشند . ثالثاً برعکس از همان فرقای و عقب مانده باید بگوئیم اگر چنین " اجنبی " هائی (که البته امروز اجنبی شده اند ) در تشکیلات ما از مناسبات حزبی دفاع کرده و می کنند ، ما کل نیروهای محترمین به چنین " اجنبی گزائی " درود می فرستیم .  
در مقابل افکار فرقه‌ای و بیمار دفتر سیاسی ، که نیروها را به " راه کارگری " و " راه فدائی " قدیم و جدید ، اجنبی و خودی ، شکجه شده و اطمینان رانشکرو . . . تقسیم می کند ، ما نیروهای محترمین تشبها به یک تقسیم بندی معتقدیم .  
مدافعان حزبیت تشکیلاتی و مخالفان آن .

★ **هانوفر** : در پی آخرین موضع گیری ک- م در مورد ر- باباعلی که رأی بر اخراج رفیق داده و بازگشتش را مشروط به پذیرش کلیه انتقادات طرح شده از جانب ک- م گردانیده بود ، اکثریت واحد ها نوفر طی صد و قطعنامه‌ای درونی بتاريخ ۹۹ / ۱ / ۱۹ خواسته‌های خویش را که محتوی نکات زیر بود صادر نمودند : ۱- ر- باباعلی

بد نبال پخش اطلاعیه که مبنی بر اخراج ر. باباعلی د رمنازای هانوفر، چند تن از رفقای معترض این واحد اقدام به پخش موضعگیری مشترک ر. باباعلی و ر. غلام در رمناز نمودند که این رفتار بلافاصله از جانب دبیرخانه اخراج گردید و بقیه رفقای معترض نیز که از اقدام رفقای اخراجی حمایت کرده و بر موضع خود پهای میفشارند شامل همان سیاست گردیدند. از اینرو اکثریت واحد هانوفر با صدور اطلاعیه علنی خود (۱) بتاريخ ۹/۲/۸۹ به اخراج خود اعتراض کرده و با اعلام حمایت علنی از ر. باباعلی سیاستهای سرکوبگرانه و تحمیل انشعاب از جانب دفتر سیاسی و کمیته مرکزی رامحکوم نمودند، و از این تاریخ سیاست مستقل خویش را (که تحمیل کمیته مرکزی بدلیل اخراج بوده) آغاز نمودند. دومین اطلاعیه اکثریت واحد نیز در پاسخ به دبیرخانه واقلیت واحد هانوفر (۲) بتاريخ ۱۶/۲/۸۹ در رمناز هانوفر پخش شد.

★ با شروع سیاست سرکوبگرانه توسط دفتر سیاسی و کمیته مرکزی علیه ر. باباعلی و کلیه نیروهایی که برای حزبی کردن تشکیلات بمقابله برخاسته بودند، رفیق غلام پسا ارسال نامه‌ای درونی به رهبری تشکیلات بتاريخ ۱۰/۷/۳۰ ۱۷/۱۰/۸۹ (۲۰/۱/۸۹) ضمن محکومیت فوق سانترا لیس و سیاستهای راستروانه رهبری سازمان، خواسته‌های خویش را رسماً اعلام می‌نماید. (۳) پس از انقضای مهلتی که رفیق غلام برای دریافت پاسخ نامه‌اش مشخص نموده بود، دبیرخانه سازمان با صدور اطلاعیه‌ای درونی "جرائم" رفیق غلام را چنین عنوان می‌نماید:

- ۱- توسل به التیماتوم به کمیته مرکزی توسط نامه مورخ ۱۷/۱۰/۳۰
  - ۲- عدم حضور در واحد حزبی و ترک مسئولیت سازمانی
  - ۳- عدم پذیرش هر نوع تماس و مذاکره با دبیرخانه سازمان و مشروط نمودن آن
  - ۴- فعالیت گسترده فراکسیونیستی
  - ۵- ضمیمه اسناد سازمان به شیوه مغایر با حداقل پرنسیپهای کمونیستی
  - ۶- اقدام توطئه‌گرانه برای کسب تلفن داخل کشور از یکی از رفقای سازمان و انقباض شکنجی خطرناک امنیتی؛
- از سازمان اخراج می‌شود. بررسی ضمیمه مجدد وی مشروط به انتقاد از کلیه موارد فوق می‌باشد.

در پاسخ به اتهاماتی که دفتر سیاسی به رفیق غلام نسبت داد - بود - بویژه اتهام راجع به اقدامات "خطرناک امنیتی" - رفیق غلام با صدور اطلاعیه دیگری بتاريخ ۱۹/۱۱/۸۹ به این اتهامات بی‌اساس پاسخ می‌دهد. (۴) (جالب توجه است که بعد از این اتهام در نشریه شماره ۵۹ راه کارگر به رفیق باباعلی نسبت داده شد.)

★ پاریس: پس از موضع گیری که م. در رابطه با اخراج ر. باباعلی رفقای واحد پاریس با برگزاری نشست فوق العاده به موضع گیری حول مسئله پرداختند. پس از بحث و برخورد، اکثریت واحد پاریس با صدور قطعنامه‌ای درونی بتاريخ ۹/۱۸/۸۹ خواستار تحقق بند های زیر شد: ۱- ابقای بدو قید و شرط ر. باباعلی ۲- انتشار علنی نوشته اخیر ر. باباعلی بدو سانورمقد ماتی ۳- فراخوان کنفرانسی برای بررسی اختلافات در اخیر و انتخاب کمیته مرکزی موقت برای تدارک و برگزاری یک کنگره دمکراتیک. همچنین رفا بمظنور اعتراض به اقدامات کمیته مرکزی بدت. ۱۰ روز ست از کار کشیده و در این فاصله خواستار پاسخ به قطعنامه خویش گردیدند. کمیته مرکزی در تاریخ ۱۰ بهمن ماه با صدور اطلاعیه‌ای درونی در زمین پافشاری بر تصمیمات خود اکثریت واحد پاریس را توبیخ نمود، و اعلام داشت در صورتی که طرف یکپخته از اقدامات "فراکسیونیستی!!" انتقاد بعمل نیآورند تصمیمات مقتضی را در باره آنها اتخاذ خواهد کرد!! اکثریت واحد پاریس، در تاریخ ۹/۲/۸۹ با صدور وراولین اطلاعیه بیرونی خود (۵)، اقدامات کمیته مرکزی و دفتر سیاسی را در برخورد های سرکوبگرانه و تحمیل انشعاب محکوم نمود و فعالیت خویش را مستقل از مرکزیت فوق سانترا لیست سازمان (بدلیل تحمیل انشعاب و اخراج) آغاز نمود.

★ دو تن از رفقای (A و B) که در یکی از حوزه‌های تشکیلاتی وابسته به سازمان مرکزی کار میکردند، در طی بروز اختلافات در اخیر و پس از بحث مفصل درون حوزه ای هر کدام اقدام به صدور قطعنامه های درونی مستقل نموده و طرف ۱۰ روز خواستار پاسخ آن از جانب رفقای مرکزیت گردیدند. قطعنامه رفیق A شامل نکات زیر بود:

قطعنامه رفیق A: برای جلوگیری از انشعاب و حل اصولی قضایات کنگره پیشنهاد میشود:

- ۱- نهایتاً تا یکماه طرفین اختلاف، از این حق برخوردار باشند تا بشکل شفاهی و کتبی نظراتشان را در واحد ها طرح نمایند.
- ۲- با انتخاب نمایندگانی از جانب طرفین و تشکیل هیئتی به جمع‌آوری نظرات واحد ها در خارج پرداخته شود و نظرا اکثریت آراء واحد ها (در مورد ابقا یا عدم ابقا) رفیق باباعلی در مرکزیت وطنی شدن نوشته رفیق باباعلی به شکلی که رفقای مرکزیت میگویند (با حذف نکات) و یا خود رفیق باباعلی میگوید (بدون حذف نکات) اجرا گردد.

۳- تاروشن شدن نتیجه آراء (تا یکماه) نظر رفقای مرکزیت اجرا گردد. پس از این مرحله میبایست یک کنفرانس برای تاملت ۳ ماهه فرخوانده شود، وظایف کنفرانس، قضاوت در مورد این اختلاف معین و انتخاب یک هیئت ویژه برای کنگره باشد. این رابطه لازم است:

- ۱- طرفین کماکان حق داشته باشند در رد و تشکیلات نظراتشان را جاری نمایند
  - ۲- کسانیکه از این پس عضوگیری می‌شوند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای کنفرانس نداشته باشند (منظور اعضا آزمایشی که در این دور عضویشان قطع می‌شود نیست)
  - ۳- بنحیاز رفقای دفتر سیاسی، همه رفا (از جمله رفقای مرکزی) میبایست منتخب واحد ها و حوزه‌های حزبی باشند
  - ۴- طرفین نمایندگانی داشته باشند تا در این روند بر سر چگونگی انتخابات نظارت داشته و گزارششان را به کنفرانس بدهند.
- قطعنامه رفیق B با مضمون زیر ارائه شد:

۱- ابقای ر. باباعلی ۲- برگزاری کنفرانس سراسری (همراه با فرانس و ام از مناطقی که امکان حضور رکنفرانس را دارند ولی امکان تماس برقرار است.) زمانبندی سه ماهه

با وظایف و حقوق: تصمیم گیری روی جزوه مورد بحث - روشن کردن شیوه مبارزه ایدئولوژیک تا کنگره سازمانی - حق برکناری اعضای ازک - م که نسبت به آنها اعتراض وجود دارد.

- ۳- توقف اخراج و تصفیه و نقل و انتقال تا برگزاری کنگره سازمانی ۴- توقف عضوگیریهای جدید تا کنگره ۵- برگزاری کنگره با زمانبندی یکساله
- پاسخ مرکزیت به رفیق A بدو اینکه جواب خواسته ها و بند های قطعنامه را بد هد بتاريخ ۱۱ بهمن ماه ۶۷ بد یقرا بود: "بر اساس تصمیمات کمیته مرکزی شما بطر چند اقدامات فراکسیونیستی مورد توبیخ قرار میگیرد". این رفیق چند روز بعد با طر چند سئوال تلفنی از جانب نمایندده دبیرخانه و دریافت پاسخ منفی، اخراج میگردد!! رفیق B بنابه ملاحظات و مصلحتهای هیچگونه برخوردی از جانب مرکزیت صورت نمیگیرد و تنها گفته میشود که به رفیق انتقادی داریم که شفاف مطرح می‌کنیم. انتقاد رفا شفافاً توسط نمایندده دبیرخانه همکاری در اقدامات فراکسیونیستی مطرح میشود. وزمانیکه رفیق B با نوشتن نامه‌ای مفصل (۶) بتاريخ ۱۲/۲/۸۹ به سیاستها و اقدامات فوق سانترا لیستی و سرکوبگرانه مرکزیت بطور عام و بیرونده سازی و افترا زنی آن بطور خاص برخورد میکند، مورد غضب مشابه دیگر رفا واقع میشود، و شرط شرکت وی در نشست بعدی قبول انتقاد از بروز از جانب وی عنوان می‌شود.

★ هامبورگ: پس از بروز اختلافات در اخیر و در مراحلی که دفتر سیاسی و مرکزیت میرفت تا سیاست اخراج، توبیخ و تصفیه را به اصلی ترین حربه خود در مقابل معترضین تبدیل نماید، تنی چند از رفقای واحد هامبورگ با صدور قطعنامه‌ای درونی خواهان ابقای ر. باباعلی، انتشار نوشته اخیر رفیق بدو سانورمقد ماتی و برگزاری کنفرانسی دمکراتیک گردیدند. این رفا بنا بر حکم نمایندده دبیرخانه بلافاصله اخراج گردیدند. در مراحل بعدی اعتراضات ۲ تن دیگر از رفقای اعتراض به اقدامات کمیته مرکزی و اخراج اعضای این واحد استعفاداد و حمایت خود را از موضع رفقای معترض اعلام داشتند. بدین ترتیب اکثریت واحد هامبورگ نیز در موضع اقلیت نظری تشکیلات و در مقابل سیاستهای فوق سانترا لیستی و سرکوبگرانه دفتر سیاسی و مرکزیت شکل گرفت. در مراسمی که در روز ۲۱ بهمن ماه (سالروز سیا هگل) از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق - اقلیت در هامبورگ برگزار شده بود، پیام مشترک رفقای معترض واحد هامبورگ و هانوفر در این مراسم خوانده شد. رفقای اکثریت واحد هامبورگ در تاریخ ۱۵/۲/۸۹ با صدور وراولین اطلاعیه علنی خود (۷) اقدامات و سیاستهای کمیته مرکزی رامحکوم نمودند و همچنین بخشی از رفقای هوادار مستقر در این شهر نیز پس از مطالعه و بررسی اسناد راجع به اختلافات در اخیر، با صدور وراولین اطلاعیه‌ای بتاريخ ۱۰/۳/۸۹ عمل دفتر سیاسی و کمیته مرکزی را در مورد اخراجها و تحمیل انشعاب محکوم نمودند.

★ فرانکفورت: در مراحل اولیه برخورد های درونی در واحد فرانکفورت حول اختلافات در اخیر، که با حضور توغیحات یکی از رفقای رهبری و نمایندده دفتر سیاسی صورت گرفته بود رفقای معترض به برخورد حول مسئله پرداخته و نقطه نظرات خویش را در شیوه برخورد دفتر سیاسی و کمیته مرکزی، اخراجها و توبیخهای در اخیر اعلام داشتند. در این مقطع که اطلاعیه اخراج ر. باباعلی از جانب کمیته مرکزی بطور علنی پخش شده بود، ۲ تن از رفقای معترض اقدام به پخش اطلاعیه علنی رفا باباعلی و غلام نمودند که در محل پخش حکم اخراجشان به طور شفاهی به آنها ابلاغ گردید. پس از آن جلسه دیگری که از سوی رفقای معترض سازماندهی شده بود

و با حضور اعضا و هواداران معترض و شرکت ر. باباعلی برگزار شد که در این جلسه چند نفر از رفقایی که از نقطه نظرات کمیته مرکزی دفاع میکردند نیز در آن شرکت جسته و به دفاع از نظرات خود پرداختند که بجز این رفا، بقیه اعضا و هواداران ضمن حمایت از موضع ر. باباعلی حول اختلافات در اخیر، موضع دفتر سیاسی و کمیته مرکزی، سیاستها و شیوه‌های برخورد سرکوبگرانه آنها رامحکوم نمودند. پس از

این مراحل، در جلسه واحد فرانکفورت که بمنظور تصمیم گیری و اعلام موضع اعضا واحد صورت گرفته بود، رفقای معترض ضمن فرمولبندی خواسته های خود، مهلتی تاتاریخ ۲۸/۲/۸۹ برای دریافت پاسخ قطعنامه خود از جانب مرکزیت تعیین نمودند (که خواسته های رفقاد را اطلاعیه شماره ۱ آنبادرج است (۹) . در این فاصله با اعلام پیوستگی ۲ تن دیگر از رفقاهای نیروهای معترض این واحد، با اضافه شدن ۲ تن از رفقائی که در مراحل اولیه اخراج گردیده بودند، نیمی از رفقائی واحد فرانکفورت در موضع مخالف سیاستها و تصمیمات کمیته مرکزی قرار گرفتند و باعث وراولین اطلاعیه خود (۹) بتاريخ ۲/۳/۸۹ بموضع خود رسمیت بخشیدند. همچنین بخشی از رفقائی هوادار مستقر در این شهر که قبلا خواسته های خود را طی نامه ای برای تشکلات فرستاده و تاتاریخ ۱۲/۳/۸۹ پاسخ خواسته بودند با اضافه ای بتاریخ ۱۷/۳/۸۹ (۱۰) موضع خود را اعلانی نمودند.

★ **هلند:** نمایندگان کمیته مرکزی که برای جلب حمایت رفقای مستقر در هلند در چند نوبت، سفرو میآحشائی بارفقائی مستقر را ایجاد داشتند، حاصل برخورد ها - ایشان در جلب حمایت آنها بی نتیجه میماند. رفقای هلند پس از این دیدارها به تدوین موضع مستقل خویش حول اختلافات اخیر میپرد ازند. رفیق مسؤل مستقر در هلند طی نامه ای که برای ر. با باغلی و رفقائی مرکزیت مشترکا ارسال داشمسست موضع و نقطه نظرات خود را که حاوی انتقاداتی مودی به ر. با باغلی و محکومیت فوق سانترا لیسیم، تحمیل انشعاب و سیاستهای سرکوبگرانه در وراخیر کمیته مرکزی و اعلام حمایت خود از موضع ر. با باغلی حول اختلافات در وراخیر بود را برای آنسان ارسال میدارد (۱۱). از آنجا که مرکزیت در پیشبرد سیاست غیرمسئولانه اش کماکان پای میفرد پاسخ آنها به رفقائی هلند بغیر از آنچه که به واحد های دیگر گفته میشد نبود. از اینرو کلیه رفقائی مستقر در هلند طی صد ورا اطلاعیه ای (۱۲) بتاریخ ۲۶/۲/۸۹ بموضع گیری آشکارو محکومیت سیاستهای کمیته مرکزی پرداختند. همچنین یکی از رفقائی عضو یک رفیق هوادار که بتازگی در هلند مستقر گردیده بود نیز به حمایت از موضع رفقائی معترض حول اختلافات اخیر میپرد ازند.

★ **آلمان:** چند تن از رفقائی مستقر در شهرهای مختلف آلمان که به انحصار مختلف، اختلافاتی باتشکلات حول مسائل مناسباتی و تشکلاتی داشته و بهمین خاطر رابطه خود را باتشکلات فیراگانیک نموده بودند با اعلام نزدیکی به موضع معترضین حول مناسبات تشکلاتی، در سطوح مختلف همکاری و ارتباط خود را با آنان برقرار نمودند.

★ **آمریکا:** رفقائی هوادار مستقر در رلس آنجلس، کالیفرنیا، شیکاگو و واشینگتن، طی تماسهای مستقیمی که در اوایل ماه مارس از جانب رفقائی معترض با آنان گرفته شد، همبستگی و حمایت خود را از موضع رفیق با باغلی و رفقائی معترض حول اختلافات در وراخیر اعلام نمودند. در شهرهای یاد شده تاکنون هیچ هواداری از موضع معترض سیاسی و کمیته مرکزی اعلام موجودیت و حمایت نکرده اند.

★ **انگلستان:** در تاریخ ۱۵/۳/۸۹ چند تن از رفقائی که قبلاً از فعالین طیف سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) بوده و مدتی بشکل فعالین منفرد طیف ۲ در تشکلهای دمکراتیک فعال بودند، بهیوستن و همکارهای خود را بارفقائی معترض اعلام نمودند.

★ **هلند:** نمایندگان کمیته مرکزی که برای جلب حمایت رفقای مستقر در هلند در چند نوبت، سفرو میآحشائی بارفقائی مستقر را ایجاد داشتند، حاصل برخورد ها - ایشان در جلب حمایت آنها بی نتیجه میماند. رفقای هلند پس از این دیدارها به تدوین موضع مستقل خویش حول اختلافات اخیر میپرد ازند. رفیق مسؤل مستقر در هلند طی نامه ای که حاوی انتقاداتی مودی به ر. با باغلی و محکومیت فوق سانترا لیسیم، تحمیل انشعاب و سیاستهای سرکوبگرانه در وراخیر کمیته مرکزی و اعلام حمایت خود از موضع ر. با باغلی حول اختلافات در وراخیر بود را برای آنسان ارسال میدارد (۱۱). از آنجا که مرکزیت در پیشبرد سیاست غیرمسئولانه اش کماکان پای میفرد پاسخ آنها به رفقائی هلند بغیر از آنچه که به واحد های دیگر گفته میشد نبود. از اینرو کلیه رفقائی مستقر در هلند طی صد ورا اطلاعیه ای (۱۲) بتاریخ ۲۶/۲/۸۹ بموضع گیری آشکارو محکومیت سیاستهای کمیته مرکزی پرداختند. همچنین یکی از رفقائی عضو یک رفیق هوادار که بتازگی در هلند مستقر گردیده بود نیز به حمایت از موضع رفقائی معترض حول اختلافات اخیر میپرد ازند.

★ **هاید لبرگ:** کلیه اعضای واحد های هاید لبرگ پس از نشست سرگذاشتن مراحل

## نامه های درون سازمانی

# متون نامه های رفیق باباعلی به دفتر سیاسی

دنباله از صفحه ۱

مفهوم وضمون این مفاد مربوط می شوند، اجتناب نماید، بهرحال، بدون یک مبارزه واقعی، همه جانبه، توده ای و ملی حول میانی سبک کار فرقه ای، محظی و پوپولیستی، و معرفی اسلوب فعالیت کمونیستی، اساسنامه "گلات مرده ای" پیش نخواهد بود و فرمولهای حقوقی تنها وسیله ای برای آشتی دادن ضامین گنه یا اشکال توین خواهند بود. از اینرو شرکت خود را در کمیسیون اساسنامه، بدون یک مبارزه مقداتی حول سبک کار و بدون قطعیت دادن به موازین وحدت فکلی تشکلات ما ناصحیح می دانم.

باتوجه به اینکه پلاتکلیفی در روشن شدن مسئله مذکور نباید پیش از این ادامه یابد و باتوجه به اینکه این پلاتکلیفی یا تاخیر جردی در مبارزه با خصوصیات فرقه ای - محظی تشکلات ما پیوندد مستقیم دارد و باتوجه به اینکه در پلنوم شهریورماه مرکزیت اصلاح تشکلاتی و وظیفه فوری سازمان ما در شش ماهه جاری محسوب شده است، من خواهان انتشار غنی این مقاله حد اکثر طی دو ماه آتی می باشم.

عدم انتشار غنی این مقاله و تدوام پلاتکلیفی یعنی موکل نمودن این مسئله به آینده، از نظر من بمعنای عدم تعهد رهبری تشکلات ما به توافقات حاصله در بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت خواهد بود. تقاضای پاسخ فوری رفق را دارم.

باید... همچنین واضح است که بدون تحقق این اصل هیچ دوگرایی در یک تشکلات واحد قادر به همزیستی نمی باشند. بدین لحاظ من تاکنون در چند نوبت بطریق شفاهی و کتبی، موضوع حق میاحص و انتقاد غنی از تصمیمات مرکزیت را با رفقائی مشؤل تشکلات و نیز در سازمانهای گوناگون تشکلاتی مطرح نموده ام و بر اجرای آن پافشاری کرده ام. میخوایم سکوت در قبال این مسئله ادامه یافته و کفرانس شهریورماه ۱۶ جلسه مرکزیت همان ماه که امر انتشار از اسلوبهای فعالیت پوپولیستی و فرقه ای - محظی را بعنوان یکی از محورهای کار خود قسرار داده بود، معلوم شد که توافق مذکور نه تنها سکوت مانده بلکه کما اساساً توافق در کسار نبوده است. [ کفرانس مذکور و جلسه مرکزیت شهریورماه ۱۶ بروشنی ثابت نمود که مبارزه حصول نقد شیوه حیات فرقه ای - محظی در تشکلات مانده تنها خاتمه نیافته بلکه هنوز در سطح محظی تشکلات آغاز نیز نشده است، بویژه آنکه رژیم تشکلاتی ما (یعنی رژیم فق سانترا لیسیتی و فرقه ای - محظی) از تأمین شرایط لازم برای گسترش این مبارزه ناتوان است و محافظه کاری عمیق از خود بروز می دهد یعنی از هرگونه توده ای کردن و غنی کردن مبارزه حول مسائل تشکلاتی اجتناب می نماید.

با آرزوی موفقیت برای رفقائی دفتر سیاسی اخطای مورخ دوشنبه ۱۴ ادی ماه ۱۶ برابر با ۴ آذرماه ۱۹۸۸

از اینرو همراه با یادداشت حاضر مقاله ام را تحت عنوان "یادآوری مباحثات وحدت و تأکید مجدد بر ضرورت مبارزه با پوپولیسم و فرقه ای" بر اعشما ارسال می نمایم تا در اسرع وقت بطریق غنی انتشار یابد. واضح است که طرح درخواست انتشار غنی این مقاله یکی از حقوق بی چون و چوهری من محسوب می شود و به موجب صوابت تصمیمی مباحثات وحدت رهبری تشکلات لازم به تأمین این حق می باشد. اما چرا در اسرع وقت؟ اولاً بدین خاطر که سه سال و نیم از انتشار موازین وحدت تشکلاتی ما می گذرد و این مسئله همچنان پلاتکلیفی مانده است و پراتیک تشکلات ما برخلاف این امر جریان یافته و هم اکنون فراموشکاری در مورد آن رواج یافته است. ثانیاً بدین خاطر که قبل از تهیه یک اساسنامه نوین، مبادی وحدت تشکلات ما استناد مذکور می باشد.

## نامه شماره ۲

... عزیز سلام. امید وارم خوش و سرحال باشی. یاد داشتیهات بدستم نرسیده بودند و از اینرو سوخته آن را از... دریافت کردم. البته پس از بازگشت از سفر یاد داشت توهمراه یاد یگر چیزهایی که فرستاده بودی رسید. و اما در باره یاد داشتها!

قبل از هر چیزی باید بگویم که یاد داشتهای رفق، باعث تعجب جدی من شد؛ زیرا یاد داشتها توصیه های رفیقانه نبودند بلکه حکم سانسورهای الزامی را داشتند. من هیچ از این شیوه برخورد رفق که مغایر با ابتدائی ترین اصول رعایت تعهدات و قراردادهای تشکلاتی است، متأسفم. گویا تقاضای من از رفق که در نامه مورخ ۴ آذرماه ۱۹۸۸ بروشنی تشریح شده و توافقات حاصله در جلسه

ثالثاً قبل از تهیه اساسنامه ای نوین، باید مبارزه حول نقد اسلوب فعالیت پوپولیستی و فرقه ای - محظی در سطح توده ای وطنی گسترش یابد. بدین لحاظ نیز من تزهائی خسود را پیرامون این مسئله ارائه نمودم، ام و خواهان یک مبارزه گسترده حول کلیه نکات آن می باشم زیرا همانطوریکه بر نامه بر اصول معینی متکی است و از طریق نقد اصول پوپولیستی شالوده هسانی خود را تحکیم می نماید، اساسنامه نیز بر اصول معینی متکی است (و این اصول پیش از هر چیز در رژیم تشکلاتی؛ سانترا لیزیم دمکراتیک متیلور می شوند) و قوام یافتن این اصول منوط به انجام یک مبارزه واقعی با سبک کار رایج فرقه ای - محظی ما می باشد. بدون این امر تلاش برای تهیه یک اساسنامه نوین از یاد اخله واقعی، آگاهانه و خلاق یکایک اعضای تشکلات و عموم کارگران سازمان یافته جدا افتاده و به یک کار "تخصصی" تقلیل خواهد یافت. بعلاوه اساسنامه فرمولهای حقوقی معینی را ارائه می دهد که بنابه طبیعت اساسنامه باید از ذکر بسیاری از مسائل که به تشریح

بعدهی مشترکمان یک سو تفاهم ساده بوده است.

...عزیز هم تو هم دیگر قفا بخوبی می دانید که اگر منظور این انتشار یک مقاله در بولتن اساسنامه می بود، نه آن نامه، و نه آن جلسه هیچکدام معنی نمی داشتند. به علاوه کافیت، این نکته ساده را یادآوری تمام کرد. رجلسه مذکور، رقتا... " و... پیشنهاد می کردند که این مقاله مقدماً در بولتن داخلی و سپس بصورت علنی منتشر شود، هرچند که در ادامه مباحثات نیز برتبه شد که این مقاله انتشار علنی باید، اما نفس پیشنهاد رقتای مذکور مؤید این واقعیت بی چون و چراست که همگی بخوبی متوجه بودیم که بحث برسر انتشار این مقاله بخصوص است و نه مباحثات اساسنامه بطور کلی. چرا که در آن مورد، قرار تشکیلات از پیش ناظر بر طریقی کردن مباحثات بوده است. در آن جلسه، من نیز بدین ترتیب که مقاله حاضر را "مباحثات اساسنامه انتشاریاد" نامیدم. روال عادی فعالیت تشکیلاتی ما خارج نکرده دو خلصتیک بحث اضطراری و غافلگیرکننده را بخود نگیرد. در خاتمه نیز رفیق... مطرح کرد که برخی توصیه های رفیقانه را برای بهبود فضای مباحثه بهمین پیشنهاد خواهد کرد، والبتت توصیه های رفیقانه "با" ادیت" مقاله دو چیز است. بهر حال اگر این نقض خشن توافقات در کار نبود، تذکرای واقعیتدیدی نیز معنی نداشت. از جلسه مذکور به بعد، من تعهد خود را اجرا کردم. بدین معنا که منتظراندم و بشخصه تلاش کردم تا کار مباحثات اساسنامه فعلاً نه پیش رود و اصلاحات لازمه را در متن بعمل آوردم تا شکل و ظاهر مباحثات مربوط به اساسنامه بخود بگیرد. زمان اولیای را که برای انتشار مقاله تقاضا کرده بودم، نادیده گرفتم و کوشش نمودم تا این لحاظ نیز به پیشرفت کار تهیه اساسنامه لطمه نزنند. زیرا تصور این بود که رقتا واقعا به اهمیت مطلب از نظر من واقفند و توافقاتشان را جدی می گیرند. اما متأسفانه، رقتا بدترین شیوه یعنی شیوه "بیوفی" را در پیش گرفته اند و مجدداً بحث را به جای اول کشانده اند و با پیشنهادات متعدد خود شبهای بجا ننگاشته اند که "اخته کردن" کامل مقاله، تعدد انتشار آن را ندرند. املیزیز، رقتا با بدین طعنه من باشند که تقاضای من جنبه سو تفاهم راند است و خلاصه آن همه "قبل و قال" برای چاپ بک مقاله "اخته شده" در بولتن اساسنامه نبوده است!!

از اینرو، هیچکدام از اصلاحات الزامی "رانی پذیرم و تنها" توصیه رقتا را رد نمودم. قطعاً از مقاله که به قتل غاصهای استالین از حزب کمونیست ایران مربوط است پذیرم، آن همه این خاطر که فضای علمی بحث در این مورد خدشه دار نشود.

صرف نظر از اینک اصلاحات الزامی را بدلیل الزامی بودنشان ندادم، دلیل وارد نداشتن پیشنهادات اصلاحی نیز از این قسراً است که اصلاحات توجه "اخته کردن" مقاله هستند. زیرا دعوا را اینجا بر سر این نیست که "عدمی" نشنند و در باره این بحث می کنند و در تفصیلات آنجا می نویسند و این تفاسیر را با یکدیگر مقابله کرده اند. چنین بحث آکادمیکی بدرد یک مجادله سیاسی - تئوریک نمی خورد، و بهر حال تعویض یک بحث سیاسی با یک بحث آکادمیکی با چیزی بجز "ساده لوحی" مترادف نیست.

از آنجا که رقتا، توافقات را ناسدیده گرفتارند و یکبار دیگر بحث را به جای اول آورده اند، باید مجدداً تأکید نمایم که برای من توافقات مباحثات وحدت بگانه مبنای تبعیت از تصمیمات مرکزی است و لا غیر. بنابراین بیش از این سرشار در نمی آورم و منتظر جواب فوریتان هستم. سلام مرا به همه رقتا برسان.

نامه شماره ۳

بادرودهای گرم به رفقای عزیز کمیته مرکزی

رفقا! چهار سال و نیم پس از انتشار "بیانیه وحدت" در آستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک علنی در کلی تاریخ حیات سازمان ما، دفتر سیاسی تمامی تعهدات خود را بکار بسته است تا پیش از شروع مباحثات علنی "اقلیت" سازمانی را از بیان کامل نظریات خود محروم نماید. و بدینوسیله مبارزه ایدئولوژیک علنی را به یک امر "تشریفاتی" مدم بریده و تزیینی تقلیل دهد. این مسأله مبارزه ایدئولوژیک علنی فراموشی که قرار است به نمایشی برای نشان دادن سخاوت و کرامت دفتر سیاسی ما برای تحمل عقاید "اقلیت" سازمانی تبدیل شود، درین حال باید عقب ماندگی مسارا در رقابتهای فرقه ای با سایر سازمان ها، که "مبارزه ایدئولوژیک علنی" را پیش از ما شروع کرده اند، جبران کند و بدین ترتیب موجب برای ارضای "فرور فرقه ای" فراهم نماید. دفتر سیاسی طی نامه ای به اعضای کمیته مرکزی به شیوه خاص خود به حقیقت فوق اعتراض کرده است: "پس از اتمام کار کمیسیون اساسنامه رفیق اختای نوشته خود را با تغییرات جزئی برای درج در بولتن اساسنامه در اختیار د. من قرار داد. اما از نظر د. من اشکالات موجود در شیوه طرح مسئله همچنان در نوشته رفیق اختای بر سر جای خود باقی بود. در نتیجه د. من طی نامه ای از رفیق خولستان در آزمینه (۱) نقض توافقات وحدت توسط سازمان ما (۲) برررسی اشکالات داخلی سازمان در حوزه مبارزه ایدئولوژیک علنی نوشته رفیق اختای را اصلاح کند. د. من معتقد است که مورد اول یعنی نقض توافقات وحدت، نوشته از خصیت مبارزه ایدئولوژیک رفیقانه خارج شده و حالت نزاع بین راه کارگر و راه فدائی را القا می کند. این نحوه طرح مسئله اثرات نامطلوب بیرونی و درونی خواهد داشت. من این مباحثه را از مجرای اصلی خارج نموده و در محسوزه فری متزکی می سازد. در مورد محور دوم د. من معتقد است که این بخش از مباحثه باید در داخل تشکیلات به بحث نباشد و در وقت شدن آنرا بلحاظ تأثیرات بیرونی این مفید نخواهد بود. بنابراین مطابق با منطق دفتر سیاسی، مبارزه ایدئولوژیک علنی "مجاز" آن چنان مبارزه ایست که اولاً از خصیت مبارزه ایدئولوژیک رفیقانه خارج نشود. و اثرات نامطلوب بیرونی و درونی نداشته باشد. ثانیاً از نظر دفتر سیاسی بلحاظ تأثیرات بیرونی این مفید باشد. در صورت مبارزه ایدئولوژیک علنی غیرمجاز خواهد بود. مبارزه ایدئولوژیک علنی فراموشی، آری مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون رعایت ملاحظات دفتر سیاسی، نه! چنین نوع مبارزه ایدئولوژیک علنی که به شرط سانسور مقدّماتی دفتر سیاسی و پس از کسب جواز مشروعیت انطباق پذیر "مباحثه" یا سلیق و ملاحظات دفتر سیاسی "مجاز" تلقی شده باشد فقط وقت در ستن تشکیلاتی استالینیزم می تواند معنا و مفهومی داشته باشد، و آن را بر راستی باید دهن کچی به شیوه لنینستی سازماندهی مباحثات علنی پنداشت.

دفتر سیاسی که نمی توان آن را به خاطر ناتوانی در تشخیص قبح "مباحثات فراموشی" مورد ملامت قرار داد (چرا که اکثریت دفتر سیاسی بدلیل قابل فهم تعهداتش را در قبال "بیانیه وحدت" نقض کرده است)، با رنجیدگی خاطر اظهار می دارد که "مجموعه محورهای که باید شامل اصلاح می شدند، حد اکثر ۶ یا ۷ صفحه از نوشته ۵۰ یا ۶۰ صفحه ای اختای را تشکیل می داد."

چه لجباجتی از جانب رفیق اختای ( این همه مجادله برای ۷ یا ۸ صفحه ناقابل ) اما پرسیدنی است که چرا همین ۷ یا ۸ صفحه؟ تا این اندازه حساسیت دفتر سیاسی را برانگیخته است و سخاوت آن را به افلاس کشانده است؟ برای آنکه حقایق در حین و بیین مجادلات مخدوش نگردد، لازم به توضیح است که کل دستویس مقاله مذکور ۴۰ صفحه (و نه ۵۰ یا ۶۰ صفحه) و "اصلاحات" مذکور ۷ یا ۸ صفحه آن را تشکیل می دهند، و این ۷ یا ۸ صفحه تمامی بخشها یا حتی سطرهایی از مقاله هستند که تنها به شرح نظر و عمل حزب پلشویک نپرداخته بلکه دلایل واقعی و مقاصد مدافعین فسوق مرکزیت تشکیلات ما را در قبال پذیرش رهنشیم لنینی مبارزه ایدئولوژیک علنی آشکار کرده است. این ۷ یا ۸ صفحه نشان می دهند که بنایه کدام دلایل زبانی، اکثریت رقتای دفتر سیاسی ما مقاله لنینسن تحت عنوان "آزادی انتقاد و اتحاد در عمل" را بعنوان پلان رفیق حزب کارگر انگلیس مطالعه ننشیم می کند (۸) آری این ۷ صفحه بدین لحاظ "حساسیت" رقتای دفتر سیاسی ما را برانگیخته است که به نقد "حقوقی و ویژه" فوق مرکزیت در تشکیلات ما اختصاص یافته و از اینرو "تأثیرات" درونی و بیرونی اش، برای مدافعین و ملهمین این "حقوق ویژه" نامطلوب است (چنین روحیه ای البته هرگز مدافعین اصلی نظریه اکثریت کمیسیون اساسنامه (که بخشی از دفتر سیاسی ما را نیز تشکیل می دهند) را در مبارزه آشکار نظری با دیدگاه اقلیت کمیسیون اساسنامه نشان می دهد. نتیجه این ضعف، توسل به شیوه های زشت و مذموم تشکیلاتی است که در زیر به نمونه هایی از آن اشاره می نمایم.

دفتر سیاسی خود به برجسته ترین نمونه آن اذعان دارد: "د. من به این نتیجه رسیدم که برای حل و فصل این اختلاف ابتدا باید نظر رفیق اختای در مورد یک مسئله روشن شود و آن اینکه چنانچه نظریه اختای در اقلیت قرار گیرد وی حاضر به تبعیت از نظر اکثریت سازمان خواهد شد؟ هر کسی که اندکی با ضوابط یک تشکیلات کمونیستی آشنایی داشته باشد از موازین موجود در هیات فوق دچار حیرت می شود. مسئله مربوط به تبعیت اقلیت از اکثریت که یکی از ضوابط "مرکزیت" در تشکیلات کمونیستی است (و رفیق اختای چهار سال و نیم یعنی مدت برابر با نیم طول حیات سازمان بر مبنای آن رفتار کرده است) مدعی شده و در این موضوع عریض و بمبانی این تبعیت که همانا بر نامه و اساسنامه واحد است، طعنه ها می زند و در این صورت، مسئله تبعیت "اقلیت" باید از "اکثریت" کده آری، اما در صورتی که همگان (یعنی هم "اقلیت" و هم "اکثریت") بر مبنای یک بر نامه واحد و یک اساسنامه واحد توافق کرده باشند، در این صورت، طرح مسئله تبعیت "اقلیت" از "اکثریت" بهنگام مباحثه در باره خود این بر نامه و اساسنامه، چه بعد از آن است؟ اگر مبنای تبعیت "اقلیت" از "اکثریت" پذیرش بر نامه و اساسنامه واحد نباشد، در آن صورت باید پرسید که چه می توان مبنای این تبعیت باشد؟ اعتقاد های رفیقانه، بیانه های شخصی، توافقات محلی و مناسبات فردی مبتنی بر آشنایی های دیرینه و سنتهای مشترک، کدامیک؟ اگر مباحثات مربوط به بر نامه و اساسنامه را غلباً من گشایم، این بدان معناست که امکان عدم توافقات اصولی و جدی بر نامه ای و اساسنامه ای و نتیجتاً جداسی و انشعاب بخشی از تشکیلات از بخش دیگر را نیز می پذیریم؟ و دقیقاً خاطر آنکه وحدت نمایان نه بر مبنای تعهدات رفیقانه، محلی و شخصی بلکه بر مبنای بر نامه و اساسنامه واحد باشد باید شعار "ایدئولوژیک وحدت" را با "وحدت ایدئولوژیک" تمویض نمایم. این یک راه حکیم وحدتهای واقعی و اصولی و خاتمه دادن به وحدتهای فرقه ای - محلی است. دفتر سیاسی اما راه معکوس را در پیش می گیرد. او خواهد پیش از روشن شدن اختلافات اصولی و جدی ما در حوزه بر نامه و اساسنامه (و در واقع برای جلوگیری از روشن شدن این اختلافات) طمعش شود که به یک بر نامه و اساسنامه واحد دست خواهیم یافت! بر فراشتن پرچم "وحدت - طلایی" در دوره مباحثه حول بر نامه و اساسنامه با بدترین نوع عواطفی و ترویج بدترین نوع سازشکاری ایدئولوژیک مترادف است. زیرا طرح پیشاپیش تبعیت اقلیت از اکثریت (قبل از دستیابی به یک بر نامه و یک اساسنامه واحد)، روحیه عقب مانده و محلی - فرقه ای تشکیلات را مخاطب قرار می دهد، و روحیه ای که پیش از آنکه برسد، بر سر چه مسئله متحد می شویم، خواهد برسد. پس چه کسانی و با کدام افراد می خواهیم کار کنیم؟ آن کسی که پیش از روشن شدن نقاط وحدت و افتراق در مسائل بر نامه ای و اساسنامه ای بگوید "فولانده باشد که صرف نظر از "جزئیات" بر نامه ای و اساسنامه ای بخاطر وجود یک رشته توافقات کلی حول اهداف عمومی جنبش و پیروز به خاطر وجود رفیق فلان و رفیق بجهان و بخاطر فلان مدت سابقه فعالیت مشترک ما باید در یک تشکیلات با قسی بنایم؟ هفتاد و هشتاد مبارزه سوسیالیستی را بطور اتم و اهمیت بر نامه و اساسنامه را در یک تشکیلات کمونیستی بطوراً خص در نیافتست.

بی تردید، برای یک مبارزه پویا و پویا گریز کردن و انقلابیگری را در نقشه پارزشتن از مبارزه سوسیالیستی حساب می آورد؟ مسائل بر نامه ای و اساسنامه ای در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد و سخت گیری های کمونیستی در این موارد، "و سوسا های روشنگرانه" تلقی می شود. برای این دسته از انقلابیون مبنای کار مشترک، اعتقاد شخصی و توافقات عمومی مربوط به اهداف انقلابی جنبش است؟ یا سائل تئوریک به قلنن ها مربوط می شود که باید جویب مخالفین را بداند. اما برای یک کمونیست که شغرا انگس پیروی می کند، مهمنض مبارزه نیست، مهم مبارزه سوسیالیستی است. مسائل بر نامه و اساسنامه ای سنگ بنای فعالیت مشترک سوسیالیستی محسوب می شود، و تمامی مسائل مربوط به اعتقاد های شخصی و آشنایی های دیرینه نسبت به این مسئله از اهمیت درجه دوم برخوردار می باشند.

دفتر سیاسی ما، اما از عقب ماندگی تشکیلاتی و از روحیه فرقه ای - محلی آن غمناک می کند و نتیجتاً امر وحدت تشکیلات را بر امر توافقات بر نامه ای و اساسنامه ای مقدم قرار می دهد. جوهر شیوه "حل و فصل"، "اختلاف" از جانب دفتر سیاسی چنین است: آیا منافع مربوط به "وحدت تشکیلات" را بر "اختلافات بر نامه ای و اساسنامه ای" ترجیح می دهد؟ این که پرسش دفتر سیاسی است و هر آن کسی که باین پرسش پاسخ منفی دهد، "تشکیلات شکن" و "انشعاب طلب" است. "د. من معتقد است که ضمن آنکه این اختلاف در حوزه تشکیلاتی اختلاف مهمی می باشد اما این در نظر در چهارچوب وحدتهای سازمانی می گنجد. بنابراین در نظر اختای از این مسئله را نادرست میدانند، اما کسی که حاصلی جز "دامن زدن به فرقه گزایی و پاره پاره نمودن تشکیلات کمونیستی نخواهد داشت."

اما مگر دفتر سیاسی (و یا حتی کمیته مرکزی) مرجع تشخیص اهمیت اختلافات بر نامه ای و اساسنامه ای است؟ مگر بجز این است که بر نامه و اساسنامه را کلی سازمان باید به تصویب برساند و مگر بجز این است که دفتر سیاسی باید بنیانه قاعده تنها ارگان منتخب کمیته مرکزی می باشد که آن نیز به نوبه خود باید توسط نمایندگان کل پیگیره های سازمانی انتخاب شود؟ در این صورت چه کسی بجز کلی سازمان می تواند درباره اهمیت اختلافات وحدت و اختلافات تصمیم گیری نماید؟ البته اعضای دفتر سیاسی نظیر هر ضود دیگر تشکیلات حق دارند اعتقادات خود را بیان کنند. اما "لنینیسم راستین" آنها چیزی بجز استالینیزم نیست. (۸) آنان خود را "لنینیست" تراز لنین می دانند، زیرا که بزم خود از "لنینیسم راستین" جانبداری می کنند و اما "لنینیسم راستین" آنها چیزی بجز استالینیزم نیست.

را در مورد حدود و اهمیت اختلافات برنامه‌ریزی و اساسنامه‌ای اظهار دارند اما آنان هیچ‌گونه حدی دارند بعنوان دفتر سیاسی ...

رفقای عزیز کمیته مرکزی! شما باید قبل از هر چیز نظر خود را درباره این پرسش روشن کنید که مرجع تصمیم گیری درباره حدود اختلافات برنامه‌ریزی و اساسنامه‌ای کیست ...

دفتر سیاسی باید به این سؤال بطور واضح و صریح پاسخ گوید که مرجع تصمیم گیری درباره حدود اختلافات برنامه‌ریزی و اساسنامه‌ای کیست ...

چهار سال و نیم پیش از این "بیانیه وحدت" از جانب سازمان ما خطاب به "کلیه سازمانها" گروه‌ها و محافل و عناصر کمونیست برای یکپارچه کردن کوششهای منظم جهت متحد ساختن کلیه نیروهای کمونیست ...

بعلاوه مگر نظر رفیق اختی درباره حدود اختلافات اساسنامه‌ای می تواند مملاک تصمیم گیری "اقلیت" سازمانی در این خصوص باشد ...

چهار سال و نیم پیش از این "بیانیه وحدت" از جانب سازمان ما خطاب به "کلیه سازمانها" گروه‌ها و محافل و عناصر کمونیست برای یکپارچه کردن کوششهای منظم جهت متحد ساختن کلیه نیروهای کمونیست ...

بعلاوه مگر نظر رفیق اختی درباره حدود اختلافات اساسنامه‌ای می تواند مملاک تصمیم گیری "اقلیت" سازمانی در این خصوص باشد ...

چهار سال و نیم پیش از این "بیانیه وحدت" از جانب سازمان ما خطاب به "کلیه سازمانها" گروه‌ها و محافل و عناصر کمونیست برای یکپارچه کردن کوششهای منظم جهت متحد ساختن کلیه نیروهای کمونیست ...

بعلاوه مگر نظر رفیق اختی درباره حدود اختلافات اساسنامه‌ای می تواند مملاک تصمیم گیری "اقلیت" سازمانی در این خصوص باشد ...

چهار سال و نیم پیش از این "بیانیه وحدت" از جانب سازمان ما خطاب به "کلیه سازمانها" گروه‌ها و محافل و عناصر کمونیست برای یکپارچه کردن کوششهای منظم جهت متحد ساختن کلیه نیروهای کمونیست ...

بعلاوه مگر نظر رفیق اختی درباره حدود اختلافات اساسنامه‌ای می تواند مملاک تصمیم گیری "اقلیت" سازمانی در این خصوص باشد ...

چهار سال و نیم پیش از این "بیانیه وحدت" از جانب سازمان ما خطاب به "کلیه سازمانها" گروه‌ها و محافل و عناصر کمونیست برای یکپارچه کردن کوششهای منظم جهت متحد ساختن کلیه نیروهای کمونیست ...

بعلاوه مگر نظر رفیق اختی درباره حدود اختلافات اساسنامه‌ای می تواند مملاک تصمیم گیری "اقلیت" سازمانی در این خصوص باشد ...

گفته بود که چهارپیش‌اصلی در مقابل شما قرار دارد :

الف) مرجع تصمیم‌گیری درباره حدود اختلافات برناهی ای و اساسنامه ای چیست؟ دفتر سیاسی کمیته مرکزی یا کل تشکیلات؟ و اگر این مرجع کل تشکیلات است، دفتر سیاسی به چه چیزی به خود حق داده است که در این مورد با من یا هر رفیق دیگر ضوابط تشکیلات "تعمین و تکلیف" نماید؟

ب) آیا شیوه ای که دفتر سیاسی برای حل و فصل اختلاف برگزیده است، یعنی طسرح شتوال مربوط به "تبعیت اقلیت از اکثریت" در مورد برناهی و اساسنامه که هنوز به تصویب نرسیده است، صحیح است یا نه؟ بعبارت دیگر آیا در مصلحت مباحثات مربوط به برناهی و اساسنامه، مسئله ترسیم مرزهایمان درباره مسائل برناهی ای و اساسنامه ای یا بدین معنا قرار گیرد یا "وحدت تشکیلات" و "تبعیت اقلیت از اکثریت"؟

ج) آیا سازمان ما خواهان مباحثه غنی فرمایشی است یا مباحثه طنی جدی یعنی مباحثه‌ای بدون سانسور مقداتی از جانب دفتر سیاسی یا مرکزیت و بر مبنای حق هر رفیق تشکیلات برای ابراز تمامیت نظرات خود، بدون ملاحظاتی مربوط به تأثیرات "درونی و بیرونی" آن بر وحدت تشکیلات از جانب دفتر سیاسی یا هر مرجع دیگر؟ در صورت اخیر، هر چه مبتنی دفتر سیاسی به خود اجازه داده است که از انتشار کامل مقاله ای که نظریه "اقلیت" را در تشکیلات بیان می‌کند، جلوگیری نماید؟

د) آیا مسلاک تعیین و تکلیف درباره انتشار غنی و یا درونی مقالات، "روال مسووجود در کمیته مرکزی" است یا "بیانیه وحدت"؟ موضع کمیته مرکزی درباره مواد "میزور" بیانیه وحدت چیست و درباره تجدید نظر اکثریت دفتر سیاسی در این خصوص و در مورد جمهوری دمکراتیک خلق چه تصاویری دارد؟

تقاضای من این است که کمیته مرکزی سازمان ما در نشست خود، به پرسشهای مذکور کتباً پاسخ گوید. دیدگاه من در درباره این پرسشها به اندازه کافی روشن است: الف) از دیدگاه من، مرجع تصمیم‌گیری درباره حدود اختلافات برناهی ای و اساسنامه ای، تنها و تنها نظر کل تشکیلات مسی باشد و از اینرو دفتر سیاسی حق نداشته و ندارد در این مورد تصمیم‌گیری نماید و تصمیم خود را مبتنی "تعمین و تکلیف" یا هر یک از اعضای تشکیلات منجمله من قرار دهد. دفتر سیاسی بیا تصمیم‌گیری درباره این مسئله، از مقام خود سوء استفاده کرده و مرتکب نقض ضوابط تشکیلاتی شده است (یعنی من شیوه ای را که دفتر سیاسی برای حل و فصل اختلاف برگزیده است، بدلائلی خود در نامه حاضر تشریح نموده ام، و ناصحیح و از لحاظ علمی ضرتلقی می‌کند. بدون ذره ای تردید، در مصلحت مباحثات مربوط به برناهی و اساسنامه، امر ترسیم مرزهایمان درباره مسائل برناهی ای و اساسنامه ای باید مطلقاً بر امر "وحدت تشکیلات" رجحان داشته باشد و کل آنها وسیله‌ای برای توجیه سرکوب تشکیلاتی و سیاسی "اقلیت" توسط اکثریتی باشد. این شیوه، نه راهی بسرای "حل و فصل" اختلاف بلکه راهی برای وارد کردن "اقلیت" به تکلیف در محدوده مباحثات فرمایشی و تسلیم پیشاپیش در قبال نتیجه فرزندوم می‌باشد. ب) به نظر من در مباحثات طنی بطور عام و در مباحثات مربوط به برناهی و اساسنامه بطور خاص هر رفیق تشکیلاتی باید بتواند کسل نظرات خود را بدون هرگونه سانسور مقداتی از جانب دفتر سیاسی یا هر مرجع دیگر بگوشاود نماید و بنابراین دفتر سیاسی هیچ دلیل موجهی برای جلوگیری از انتشار مقاله مورد بحث ندارد. د) تصویب اساسنامه و برناهی سازمان، نظریه تشکیلات ما نظر مطروحه در "بیانیه و حسنصدد" و "جمعیندی مباحثات وحدت" خواهد بود و باید بر این مبنا "روال موجد" دیگر مسل شود. این امر چه در مورد شیوه طرح نظرات "اقلیت" و چه در مورد بلوک قدرت جمهوری دمکراتیک خلق و رابطه آن با دیکتاتوری پرولتاریا صادق است. از اینرو باید مطابق با منصوب بیانیه اکثریت در بخش نظرات "اقلیت" ملزم شناخته شود. در صورتیکه رفق ضرورت تجدید نظر در "بیانیه وحدت" را لازم می‌پندارند، ضرورتاً تا بظنطور آشنائی کل بدنه سازمان و تمامی نیروهای جنبش با مسائل مذکور، مباحثه غنی واقعی و نه فرمایشی در این مورد سازمان داده شود. پیش از آنکه به تشریح دلایل عدم حضور در این جلسه کمیته مرکزی مبادرت نمایم، لازم می‌دانم درباره دو نکته دیگر نیز که در نامه دفتر سیاسی به اعضای کمیته مرکزی تحریف شده اند، توجه رفق را جلب نمایم:

در ابتدای نامه رفقای نامه دفتر سیاسی گفته می‌شود که: "دس ضمون مباحثات مطرح شده در نوشته «اختاری» را در چهارچوب مباحثات اساسنامه میدانم و به رفیق اعلام کرد که این پلمیک می‌تواند در جریان مباحثات مربوط به اساسنامه بطور طنی منتشر شود. در دهان حال دس معتقد بود که شیوه طرح مطلب در برخی موارد از حالت پلمیک های رفیقانه خارج میشود و خواهان اصلاحاتی در این زمینه بود." این گزارشی ناصحیح از توافقات حاصل در جلسه مورد اشاره است. نخست آنکه من در جلسه نامبرده پس از پذیرش انتشار طنی مقاله توسط دفتر سیاسی، استفاده‌ای خود را از کمیسیون تدوین اساسنامه پس گرفتیم. دفتر سیاسی متوجه گردید که مقاله مورد بحث طناً انتشار یابد و تنها برای آنکه انتشار این مقاله برای نیروهای سازمان جنبه فالفکریرانه نداشته باشد، از "مهر اساسنامه" برخوردار باشد. اصلاحات جزئی من (که در نامه دفتر سیاسی نیز بیانها اشاره شده است) نیز صرفاً برای تغییر "مهر" مقاله مذکور که در دفاع از "بیانیه وحدت" و یادآوری مجدد نکات فراموش شده آن در خصوص مبارزه ایدئولوژیک طنی "نوشته شده بود، صورت گرفت. در آن جلسه رفقای دفتر سیاسی بهیچوجه تأکید می‌کنم مطلقاً بهیچوجه از مسئله الزامی بودن اصلاحات سخن نگفتم. در آن جلسه تنها رفیق... پس ضوان توصیه های رفیقانه (و خود رفیق با همین اصطلاح از آن یاد کرد) به ضرورت یکتسه اصلاحات در مقاله اشاره کرد فقط و فقط پس از انجام اصلاحات جزئی از جانب من برای تغییر "مهر" مقاله، و پس از خاتمه کمیسیون اساسنامه و صحبتهای شفاهی متعاقب آن طنی نامسه‌ای از جانب دبیر اول سازمان به تاریخ اکتبر ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) از الزامی بودن اصلاحات سخن پیمان آمد. من به این نامه طنی نامه ای در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۸ کتباً پاسخ دادم و تنها پس از آن بود که دفتر سیاسی برای "تعمین و تکلیف" با من مصم شد.

از نظر من، این شیوه نیز که دفتر سیاسی یکبار اصلاحات را درج "توصیه های رفیقانه" و بار دیگر یعنی پس از خاتمه کار کمیسیون اساسنامه و در آستانه انتشار مقاله "بمنوان السلام" معرفی می‌نماید، از زمره همان شیوه های نارفقانه است که بیشتر در باره آنها سخن گفتم. نکته دوم مربوط میشود به اصطلاح "مجمع صلاحیتد ارتد تشکیلاتی" برای "تصویب اساسنامه سازمان" که در انتهای نامه دفتر سیاسی قید شده است. بنده به ضوان یکی از اعضای کمیته مرکزی باید عرض کنم که تاکنون از چنین تدبیری بی‌خبر بوده ام که گویا قرار است، اساسنامه سازمان ما بوسیله یک "مجمع صلاحیتد ارتد تشکیلاتی" تصویب رسد. [تا آنجا که من می‌دانم، در کمیته مرکزی یکبار درباره این مسئله رای گیری بعمل

(۳) این نامه فاقد تاریخ روز بود اما تاریخ آن در حوالی ۱۲ اکتبر بوده است.

آمد و رفق با اکثریت آرا، فرزندوم را بعنوان شگل تصویب برناهی و اساسنامه تصویب کردند؟ هسر چند که رأی من مخالف این تصمیم بود و خواهان بررسی امکانات برگزاری کنگره سازمان بودم و در غیر اینصورت تصویب برناهی و اساسنامه را به ضوان برناهی و اساسنامه کمیته مرکزی صحیح می‌دانستم تا هنگامیکه کنگره سازمانی برگزار شود و برناهی و اساسنامه سازمان توسط کنگره به تصویب رسد. اما تاکنون حتی یکبار از "مجمع صلاحیتد ارتد تشکیلاتی" چیزی نشنیده بودم و در صورت جلسات کمیته مرکزی که می‌تواند برناهی و اساسنامه را به تصویب رساند، کنگره است که در عین حال باید کمیته مرکزی را نیز انتخاب کند، مگر آنکه مقصد رفق برگزاری "کنفرانس طنی" به شیوه "احزاب برادر" بسرای تصویب برناهی و اساسنامه بدون انتخاب کمیته مرکزی باشد. در آن صورت باید فایده چنین "مجمع صلاحیتد ارتد تشکیلاتی" را برای سازمان ما که در آستانه دهین سال تأسیس هنوز کنگره مؤسس "نداشته است، قویاً مورد تردید قرار داد.

اگر چه در تشکیلاتی که فاقد هرگونه کنگره و هرگونه "مجمع صلاحیتد ارتد تشکیلاتی" بوده است، طبعاً دفتر سیاسی اختیارات فوق العاده ای کتب می‌نماید (نیزاً حتی اعضای کمیته مرکزی را بنا به میل خود والی الاید به شیوه برگزیده تعیین می‌کند) اما قاعدتاً تعیین مرجع تصویب اساسنامه و برناهی برعهده کمیته مرکزی و بالاتر از آن برعهده کل سازمان است. با توجه به اینکه کمیته مرکزی شیوه رفتار و مقرر داشته است، رسیدنی است که دفتر سیاسی چگونه یکساره و بناگهان در فراخوان خود برای برگزاری جلسه اضطراری مرکزیت بیاید "مجمع صلاحیتد ارتد تشکیلاتی" افتاده است و وعده آن را داده است؟

رفقای عزیز کمیته مرکزی! درخاتمه ضروریست دلایل عدم حضور خود را در این جلسه مرکزیت تشریح نماید. مقدمتاً باید عرض نمایم که شرکت من در پلنوم اضطراری فعلی کمیته مرکزی سازمان ما که اساساً وظیفه تفسیر مجدد "بیانیه وحدت" را برعهده دارد، بیگانه نمی‌توانست از حد و نقشی که یک "ناظر" می‌تواند ایفا نماید، تجاوز کند. چرا که نمی‌توانم در رأی گیری مجدد دسما پیرامون "بیانیه وحدت" که یکبار با توافق نمایندگان دگروهیندی (راه فدائی و راه کارگر) تنظیم شده است و من نیز یکی از نمایندگان گروهیندی نخستین بودم، سهمیم باشم. البته این بدان معنا نیست که حتی در صورت رأی مثبت شما به تفسیر اکثریت دفتر سیاسی از این بیانیه، از حضور فعال خود در سازمان دست خواهم شست؛ ضوطیه اینکه امکان مباحثه غنی واقعی (و نه فرمایشی) پیرامون مسائل مورد اختلاف فراهم گردد. زیرا این امکان من دهد تا کل سازمان ما (و نه فقط کمیته مرکزی) بتواند پیرامون اختلافات مربوط به "بیانیه وحدت" بطور عام و اختلافات اساسنامه ای بطور اخص فعالانه شرکت نماید و تصمیم گیری کند.

معبداً بدلیل اعتراض به خلافتاری دفتر سیاسی و به دلیل سیاست او در "قرنطینه" تفسیر دادن من که ضباط و تفاوت مقداتی رفقای کمیته مرکزی درباره شیوه های ناصح رفقای دفتر سیاسی، ضعیف مطلوب برای حل و فصل واقعی "نه" تعیین و تکلیف" به شیوه اکثریت رفقای دفتر سیاسی (مسائل فراهم نخواهد گردید، در جلسه حاضر شما شرکت نمی‌کنم و خواهان پاسخ کتبی پلنوم شما به پرسشها و تقاضا هایم می‌باشم. در عین حال بظنطور آگاهی کل سازمان از اختلافات موجود و مداخله یکایک اعضا در حل واقعی اختلافات خواهان توزیع کلیه اسناد مربوط به این مسئله (از جمله نامه حاضر و پاسخ رفقای مرکزیت بدان) در سطح تشکیلات می‌باشم. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم شما را آرزو مندم و دستتان را بگری می‌فشارم.

باایمان به پیروزی راهمان  
اختاری، ۱۲ آذر ماه ۱۳۶۷

نامه شماره ۴

رفقای عزیز مسئول برگزاری کنگره انس مشورتی! (رفقای عزیز بیرخانه)!  
باد رود های گرم.

رفقای عزیز. از آنجاکه دفتر سیاسی شرط شرکت فعالانه مراد ریحیات سازمان بهیذ یرش اصل تبعیت اقلیت از اکثریت در مباحثات برنامهای و اساسنامه ای قرار داده است و تحت این عنوان انتشار مقاله مراد دفاع از مبارزه ایدئولوژیک طنی و مصوبات "بیانیه وحدت" به سانسور مقداتی در دفتر سیاسی مشروط گردید، و مشابهت تاریخ جلسه سخنرانی مرا مکلن و تاریخ برگزاری جلسه مرکزیت را تخمیر داده است؛ و از آنجاکه بدون پاسخ کتبی قبلی رفقای مرکزیت به پرسشها و تقاضاهای من، چه چاروب شرکت فعالانه من در ریحیات تشکیلاتی روشن نیست؛ بطوریم تلاش جدی من برای شرکت فعالانه در کنگره انس (که در سه مقاله ام برای تدارک کنگره انس منعکس است)، روشن رفقای دفتر سیاسی مانع از حضور من در کنگره انس مشورتی می‌باشد.

از اینرو بوسیله این یادداشت، عدم شرکت خود را در کنگره انس برای رفقای برگزارکننده کنگره انس مشورتی (زیرا مرجع کنگره انس مشورتی، نه سازمان های تشکیلات بلکه مرکزیت یا ارگان نایب مرکزیت است) (۱) اعلام می‌نارم. واضح است که هرگونه توضیح پیرامون عدم شرکت من برای رفقای شرکت کنند در کنگره انس باید توأم با قرار گرفتن کلیه اسناد و بدل شده فیما بین من و دفتر سیاسی و نظر کتبی رفقای مرکزیت و باآمادگی قبلی رفقای شرکت کنند در کنگره انس باشد. در غیر این صورت کنگره انس مشورتی قادر به قضاوت مستقلانه درباره موضوعات مورد مشاجره و خلافتاری تشکیلاتی رفقای دفتر سیاسی در مورد من نخواهد بود. من باکامل میل آماد نام تا اسناد در اختیار مجمع سازمانی از هر قبیل از جمله اعضای شرکت کنند در کنگره انس مشورتی فعلی قرار گیرد و این راد بر نامه خود برای اعضای کمیته مرکزی نیز ضنوان کردم (۲). (نامه مورخ ۲۸ آذر ۶۷). در صورت پذیرش این درخواست من توان اسناد را در اختیار اعضای تشکیلات قرار داد و کنگره انس با کنگره انس باشد. در غیر این صورت کنگره انس پاسخ کتبی رفقای کمیته مرکزی به نامه مورخ ۲۸ آذر ۶۷ خود می‌باشم و طلی این مدت مطابق بسا روال گذشته در رواد با به سلزمانی خود حضور خواهم داشت.

بقیه در صفحه ۲۰  
باایمان به پیروزی راهمان  
اختاری  
۱۲ آذر ۱۳۶۷

(۱) در این مورد رفقای دبیرخانه.  
(۲) در آنجا من خواهان آن شده ام که کلیه اسناد رد و بدل شده در اختیار کل اعضای سازمان قرار گیرد.

اعلامیه‌ها و نامه‌های واحدها و اعضا (درونی و علنی)

(۱)

اطلاعیه شماره ۱

خطابه به کادرها، اعضا، هواداران و کلیه مبارزان راه سوسیالیسم و دمکراسی

ریم فوق مرکزیت حاکم بر سازمان ما و تلاش مداومش در جلوگیری از افراط‌ها و کادری‌های سازمان بر بنیادهای تشکیلاتی و رهبری، زمینه ساز شکل گیری حدی از اعتراضات و تشبیه آشکار و نهان تشکیلاتی در دوره های گذشته بوده که در این سیستم ویژه امکان بروز میامات، اقدامات قهر جانی مرکزیت برای دمکراتیزه کردن تشکیلات، نه تنها جوابگوی نیازهای تشکیلاتی نبودند بلکه این اقدامات هفترانه هرچه بیشتر مرمز راخ مرکزیت را در حفظ و پهلای حقوق هزینش میان میساخت.

در آستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک طئی در تشکیلات ما رهبریت سازمان نشان داد که بسا آنچنان "مبارزه ایدئولوژیک" موافق است که طرف مقابل با زبان بریده سخن گوید. بدنیال تلاش صوبی برای لغو سانسور و قضامتی، مرکزیت به حره ارباب و انشمام و اخراج برای مقابله با معتزین توسل جست. این حرکت سرکوبگرانه که همزمان با پذیرش نکره از سوی مرکزیت همراه بوده است چیزی جز سیاست شلاق و شیرینی برای خفه کردن گرایش چپ درون سازمانی نیبد. گرایش که بر حقوق حزبی خویش در دفاع از حق اقلیت سازمانی برای بیان کامل نظراتش حول کلیه مسائل اساسی ای و برنامه‌های و تاکتیکی با فشار میگرد. گرایش که مبارزه ایدئولوژیک طئی بدون سانسور را از الزامات یک سازمان کمونیستی میسرد. گرایش که خواستار چنگ نظری به زیر آفتاب و در انتظار توده‌ها بود.

اکثریت کمیته مرکزی که ظرفیت پذیرش چنین سیستم و چنین چنگی را نداشت با در پیش گیری سیاست صغیه و طع و مخالفین، از پیش تصمیم میگرد که انشمام را بر اقلیت نظری تحمیل نماید. اخراج رفیق باباطی و رفیق غلام و چندین نفر دیگر از اعضا و کادرها و توبیخ و تهدید برخی دیگر و نتایج چنان سیاستی بوده است. رفقای اخراجی خواستار حق هستند که از نظر مرکزیت "بسه فضای رفیقانه مباحثات لحظه وارد میساخت". از اینرو مرکزیت تصمیم گرفت که با اخراج این رفیق "فضای رفیقانه" را حفظ کرده و از "لطمه" های وسیعتر پیشگیری نماید. مرکزیت نشان داد که بر اساس باور فرقه‌ها "مبارزه ایدئولوژیک طئی مبین گسست در اعمال اراده تشکیلات کمونیستی است" و بسا چنین باور است که بخش قابل توجهی از نیروهای تشکیلاتی که بر لغو سانسور و قضامتی پای میسردند به انضباط شکن و انشمام طلب طع گردیدند. در حالیکه بوضوح میان گشته است که مرکزیت با شمسار "و مدت تشکیلاتی" خواستار تحمیل انشمام و صغیه اقلیت نظری (گرایش چپ) بوده است تا نکره مورد نظری را بدون دغدغه برقرار نماید.

ما ضمن محکوم کردن چنین سیاستهایی و با اعلام حمایت از تمامی رفقای اخراجی و توبیخس از برگزاری کنفرانس دمکراتیک و سراسری پشتیبانی نموده و با تمام قوا در جهت بهایی آن تلاش خواهیم نمود.

پیش به سوی برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی  
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!  
اکثریت واحد هانوفر  
سازمان کارگران اتالیایی ایران (راه کارگر)  
۹ نوامبر ۱۹۸۹

(۲)

اطلاعیه شماره (۲)

چه کسانی در پشت فریادهای وحدت طلبی، انشمام را تحمیل کرده اند

چه کسانی از سنتهای لنینیستی تشکیلاتی

پاسداری میکنند

جواب من به سئوال "چه نباید کرد"؟ (بطور ام چه نباید کرد و بطور انصاف برای جلوگیری از یک انشمام چه نباید کرد) اول از همه عبارتست از: ظهور و رشد بالقوه یک انشمام را از حزب پنهان نکند، هیچکدام از شرایط و وقایع را که در شکل چنین طئی دخالت دارند مخفی سازند، و بالاتر از اینها، این طئی راه را نه تنها از حزب بلکه تا جائیکه مقدور است از مردم خارج از حزب نیز پنهان سازند. من میگویم "تجارتیکه خرد و راست" زیرا میدانم که در یک سازمان سوسیالیستی و جدی و وفادار که لزوما باید مخفی نگه داشته شود، اما در انشمامات ما این چیز هائقی مهمی را بازی نمیکند، بطور گسترده تبلیغ نکند. این مطمئن ترین و قابل اعتمادترین وسیله برای جلوگیری از انشمامات است که میتوان از آنها جلوگیری کرد و نتایجی ناشی از این انشمامات را که دیگر قابل جلوگیری نیستند، به حداقل کاهش داد. (لنین) در سراسر مناسبات اکثریت و اقلیت - تاکیدات (ماست)

کادرها، اعضا، هواداران سازمان و کلیه مبارزان راه سوسیالیسم و دمکراسی

همانگونه که در اطلاعیه شماره ۱ عنوان داشتیم، ریم فوق مرکزیت حاکم بر سازمان ما، و عدم امکان اعمال اراده نیروهای تشکیلاتی در جهت سازمان و رهبری آن، بعنوان منبع اصلی ناراحتی و اعتراضات، و جاری نبودن حق اقلیت نظری در برابر آزاد تعارض حول کلیه مسائل اساسی است.

برنامه ای و تاکتیکی بعنوان بستر فوران این ناراحتی، موجب انکشاف و بروز آشکار اختلافاتی گردید که نتیجه محتوم چنین سیستمی بود.

مرکزیت بعنوان هدایت کننده و پاسدار سیستمی که اجازه بخش فزاید و وسایه روشهای نظری را نداد. مرکزیتی که تا چند ماه پیش یک مبارزه ایدئولوژیک درون رانیز سازمان نداده بود. (گویا همه رفقای مرکزیت حول کلیه مسائل یک نظر داشتند) مرکزیتی که در گستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک طئی، اقلیت را ملزم میکند که بخشهایی از نوشته اش را با دلایلی توجیه گریزانه حذف کند. (که در زیر به نمونه هایی از آن میپردازیم) و اگر نتقد در نهایت بمعنای عدم تبعیت اقلیت از اکثریت است. (حتی در ابراز نظرات) مرکزیتی که تا دیروز برگزاری نکره را بدلیل مالی و فنی فریمن میدانست، اما در گستانه بروز طئی بحران "تصمیم" آنرا میدهد. و تصمیم آنرا نه در فراهم کردن ابزارهای لازم برای برخورداری اقلیت از حقوق حزبی خویش، بلکه در اعلام طئی تدارک آن میسرد. کمیته مرکزی که برای ناراضیان سازمان خاین اکثریت بدستی رهنمودهای ویژه را در یکسال میدهد (مدرج در نشریه شماره ۵ مقاله "حکومت نظامی باند نکره"...) اما برای ناراضیان خود گمان نمیدهد. تنها مسئول تحمیل انشمام میباشند. براسی اقلیتی که امکان بخش نظراتش را در درون و بیرون داشته باشد چرا باید خواستار انشمام باشد و براسی حقانیت و عدم حقانیت هر نظری برای اعضا، سازمان و نیروهای بیرونی چگونه باید روشن گردد؟ نظراتی که حتی امکان بخش درونی نیز نداشتند. و حتی قسمتهای از همین نوشته رفیق باباطی برای درون نیز "اثرات نامطلوب" داشتند.

سانسور و عدم کسانیکه خوب و بد اعضا را بیشتر از آن که تشخیص داده و بیشتر میدانند که چه چیزی را در محض رویت آنان بگذارند تا مخرج نگردند. نیروهای بیرونی هم که حسابشان جد است. (هر واضح است که گفته های لنین هم قابل اجرا برای سازمان ما با مرکزیتی فوق سانسور است) و نیست. (آنجا که میگوید "بگذار تمامی افراد متخلف درباره داد و بیداد های ما و درباره یک یادداشت و صوابت کنند یادداشتی که بعقد به بعضی ها تند است بنظر بعضی دیگر بسیار ملایم و بیفهمیده بقیه بسیار خشن" تنها از طریق مجموعه ای از چنین بخشهای آزاد است که میتوانی گروهی از رهبران واقعا همگون بدست آوردیم. تنها در چنین شرایطی است که برای کارگران فریمن خواهد شد که از درک ما عاجز میمانند. تنها آن زمان خواهد بود که "ستاد" ما واقعا توسط اراده آگاهانه و سودمند یک ارتش پشتیبانی خواهد شد. ارتشی که همانگونه که بدنیال میسرد همانطور هم ستادش را رهبری میکند. (لنین اسپرکا شماره ۵ - تاکیدات آزادیست) آیا در تشکیلات ما "ارتشی" که به بدنیال ستادش میاید. اگر بخواهد "ستادش را رهبری کند" فکر میسرت آیا از نظر مرکزیت ما "اراده آگاهانه و سودمند یک ارتش" آنگونه که لنین میگوید وجود میاید؟ یا مبرر "فراکسیونیس" و "انشمام طلب" مستحق هر چند به ایست که خواهد فکر مستقل و حق قضاوت مستقل را پس از شنیدن کالی اختلافات داشته باشد؟ فراکسیونیس در هر تشکیلات کمونیستی مفسرود و محکوم است. در مقابل آن و حکمگدان زینت های فراکسیونیس از چه طریقی ممکن است؟ خفه کردن نظرات و دست چشم و گوشها و مجاز کردن شنیدن آرای تنها ساری که نواخته میسود؟ یا با جاری کردن نظرات و فراهم کردن بیشترین امکانات که اعضا، نظرات کامل دیگران را شنوند؟ ندانیم؟ اقدامات قهر جانی مرکزیت و کارگزاران آن مبارزه ایدئولوژیک درونی که آنهم تنها در این اواخر شکل گرفته است نشاندهنده برتری راه اول توسط مرکزیت بوده و هست. اما جالب است تا احتیاج فراکسیونیس را بطور مشخص نیز بررسی کنیم در شرایطی که یکی از رفقای برجسته ضمو مرکزیت ما در گستانه اخراج قرار دارد و در شرایطی که اکثریت مرکزیت از تمامی امکانات و ابزارهای تشکیلاتی برای توجیه و توضیح یکطرفه از جانب خود (علاوه بر نوشته های مکتوب طرفین) استفاده میکند انتظار آن دارد که اعضا، واحد ما بدون رفع ابهامات و شنیدن کالی و هر چه بیشتر زوایای قضیه تصمیم خود را گرفته و تکلیفشان را روشن نمایند. (این هم یکی دیگر از اقدامات دیکتاتور-بانه مرکزیت و در واقع مصونیت حق سوال و پرسجو از طرف مقابل، حق فکر و امکان تمریم بود جانیه و مستقل واحد توسط مرکزیت، با شمار تبعیت از اکثریت رهبری بود همانیکه اکثریت واحد هانوفر یامدر و قطعنامه ای خواستار اقلی رفیق باباطی، لغو سانسور و قضامتی به سرت نوشته اش، برگزاری کنفرانس ویژه، بخش قطعنامه اش در دیگر واحدها و پاسخ به این خواسته ها در طئی یک هفته گردید. (در شرایطی که آمحور اول تنها خواسته هائی بودند و تصمیم اکثریت واحد و ارائه راه حل از جانب آن به بعد از پاسخ مرکزیت متوکل شده بود) مرکزیت نه تنها قطعنامه ضروری را در واحد هانوفر نکرده بلکه در مقابل بآن اکثریت واحد را توبیخ نمود. (در همین فاصله تعدادی از رفقای رهبری یا حضور در دیگر واحدها اعلام داشتند که اکثریت واحد هانوفر انشمام نموده است. پاسخ اکثریت اعضای واحد هانوفر به سئوالاتی که توسط اعضا، دیگر واحدها از آنها میشد این بود که "چنین مطلبی صحت ندارد ما انشمام طلب نیویده و تنها خواستار بخش قطعنامه مان در دیگر واحدها شده ایم" مرکزیت کاکتون با سخاو قضدی مبرر "انشمام طلبی" را بر ما میزند باید پاسخ دهد که انشمام طلب چه کسانی هستند - آنان کسه خواستار ابتدائی ترین حقوق تشکیلاتی شان بودند؟ یا آنان که شایعه انشمام ما را بخش کرده و انشمام را تحمیل نمودند؟ آنان که خواستار جاری شدن حقوق اقلیت در تشکیلات هستند - یا آنانکه ظرفیت تحمل کو چکرین مخالفان را ندارند؟ در فاصله ای که ما بعنوان انشمامیون معرفی شده ایم یکی از رفقای رهبری طئی سرتش، به واحد هانوفر دستور میدهد که جلسه گذاشته شود تا معترضین را "ارشاد" نماید. در حالیکه یکی دیگر از خواسته های برحق و مندرج در قطعنامه

اکثریت واحد هانوفر، حضور همزمان رفیق باباطی و نمایندگی اکثریت کمیته مرکزی در واحد هانوفر بوده، علیه مخالفت اکثریت این واحد با حضور یکجانبه نمایندگی نظری تشکیلات و غیرم آنکسه تشکیلات. این رفتار انشمامیون معرفی کرده بود. رفتار به این جلسه تن دادند. پس از این جلسه یکی این جلسه، و با رهنمود مسلم و قابل اثبات مرکزیت روابط محظی و غیر تشکیلاتی از دیگر واحدها برای "ارشاد" و "تاییدگری" یا بخشی از رفقای معترضین این واحد اعزاز شد. که آنهم نتیجه بسود اکنون رفقای مرکزیت باید پاسخ دهند که فراکسیونیس چیست - اعضای واحدی که در یکسانی حساسترین دوره حیات تشکیلاتی است. ۱- ۱۰ ساله شان میخوانند نظر و تصمیم خود را با شنیدن حرفها و استدلالهای دوطرفه تعیین نمایند. اعضای که از تشکیلات خواسته اند تا موافقت نماید، د و طرف دعوادر جلسه شان حضور یافته و امکان تصاویت نهائی را برایشان فراهم نماید. (آیا فراکسیونیس (آنهم در چنین تشکیلاتی خفه که از خود زمینه ساز و تولید کننده فراکسیون است) چنین ضامنی هستند و یا قادرترین و دسترسیماسی که بعنوان یک جمع ویژه که به هیچکس حساب پس میدهند و تنها از حقوق فوق ویژه خود پاسداری میسند؟ فراکسیونیس چنین اعضا، رزنده ای هستند یا رهبرانی که به نیروهای خودی دستور میدهند تا از همه امکانات و روابط خود (کاربرها و روابط ترمال تشکیلاتی نبوده و چیزی جز روابط غیر معمول و فراکسیونیس محسوب نمیشوند) و بساری تلاش گیری و برخورد با نیروهای معترضین بهره جویند؟ (آقای که به فورسورت گرفته و کسی نمیتواند آنرا توجیه و یا کتمان نماید) هنگامیکه در یک تشکیلات قوانین آهنین و بدون استثنا وجود نداشته باشد. فراکسیون واقعی برای حاکمان اجازه و "فراکسیونیس" تمبیری برای جریان معترض مزموم میسود. (اینها تنها گوشه هایی از اقدامات مرکزیت است که در رابطه با واحد ما اتفاق افتاده و اینها نمونه هایی از "فراکسیونیس" ماست که به ابلا غشده و ایشها عده ترین "جرائم" ما برای

اخراج بوده اند. البته این "محبتها" و "سرکشیهای رفیقانه" تنها شامل حال ما نگردد... آتشبار "سرکشی" و "آزاد" رفقای رهبری بناگهان و در عرض چند روز شامل حال بسیاری از واحدها شدند...

و اما ذکر چند نکته در مورد اطلاعیه ۱۰ آبان ماه اقلیت واحد هاتونو نیز خالی از لطف نیست. از اعتراضات و اتهامات این رفقا (که در انتهای اطلاعیه شان به پرهیز از آنها توصیه مسلمان میکنند) میگذریم و قضاوت نهائی در مورد "فراکسیونیم" اقدامات کودتاگرایانه و... و همچنین "عیب اموال و اسناد" (که متخاد رشکبازها ما را از جمله حقوق ویژه مرکزیت است و اقلیت تشکیلی ما را در این حقوق نظری، در این مورد هم حقوق ندارد) را پس از برخورد های خفیه ای به نیروهای تشکیلی و جنبش کمونیستی، دموکراتیک میپساییم...

و اما ذکر چند نکته در مورد اطلاعیه ۱۰ آبان ماه اقلیت واحد هاتونو نیز خالی از لطف نیست. از اعتراضات و اتهامات این رفقا (که در انتهای اطلاعیه شان به پرهیز از آنها توصیه مسلمان میکنند) میگذریم و قضاوت نهائی در مورد "فراکسیونیم" اقدامات کودتاگرایانه و... و همچنین "عیب اموال و اسناد" (که متخاد رشکبازها ما را از جمله حقوق ویژه مرکزیت است و اقلیت تشکیلی ما را در این حقوق نظری، در این مورد هم حقوق ندارد) را پس از برخورد های خفیه ای به نیروهای تشکیلی و جنبش کمونیستی، دموکراتیک میپساییم...

رفقای عزیز! بگذرید پس این امر را اعضا و هواداران تشکیلات و کلیه مبارزین را وسوسیالیسم و دمکراسی بدهند. که برجم داران شعار "چنگ نظری بجزیر آفتاب" خدمتگزاران پنهان مانسندن چپره ها در حمایت از فریستنها و اپورتونیستها و وسوسیال دمکراتها و خائنین هستند یا آنانی که نخواهند پرهیزان چرکیشان را در انتظار دولت ما آویزان کنند؟ هیچکس از شما نمیگذرد که در پشت شعارهای عوامفیبانه و در حمایت از کسانیکه با معترضین قانونی اکثریت خائنین نیستند و خود را مدافعین دآتشه مبارزه علیه این خائنین جلوه دهید...

نهائی آن چیزی جز دو شقه کردن تشکیلات با اخراج نیروهای معترض و با زپس گیری حاکمیت مجدد خود با مختصر تغییراتی در ترکیب آن از طریق یک کنگره از پیش سازماندهی شده نخواهد بود... دوشقه شدن تشکیلات و حاکمیت مجدد چنین مرکزیت فوق سانترالیستی دقیقا مکن منافع مرسوم تشکیلاتیست... آیا براساس اینگونه میتوان از تشکیلات حفظ و حراست نمود... آیا فراهم کردن امکانات و ابزارهای هرچه بیشتر برای دیدگاههای مختلفی که در تمامی زمینه ها از جمله مناسبات تشکیلی بی پرواسخن گف و نیز برای سازمانی امکان شناسائی رهبران واقعی خود را داشته باشد؟ آیا به شیوه زور میتوان از حقیقت و اصولیت پاسداری نمود... یا آنکه حقیقت از دل مباحثات و مجادلات و استدلالات هرچه بیشتر آشکار میگردد؟ کدامیک؟ رفقای عزیز! پاسداران سنتی ای لنتنی دومی را برمیگزینند و "پاسداران" سنتهای "لنتنی" اولی را...

سرنگون یاد جمهوری اسلامی | برقرار یاد جمهوری دموکراتیک خلق |  
زند - بصاد آزادیه | زند - بصاد وسوسیالیسم |  
اکثریت واحد هاتونو سر جناح چپ  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۸۹ / ۲ / ۱۶

( ۳ )

رفقای کمیته مرکزی و اعضا سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) :

با درودهای کمونیستی، برایتان موفقیت انقلابی آرزو میکنم!

رفقا!

حدود ۱۰ سال است که در سازمان دو شقه شدن و شش هم برای انقلاب و وسوسیالیسم مبارزه میکنیم و شرایط سخت و تشدیدهای بسیاری را پشت سر گذاشتیم... هم اکنون که سازمان ما بنشابه یک سازمان سیاسی در سطح جنبشی مطرح است و چشم اندازهای امیدبخشی در برابریمان قرار دارد... ساخت ونگرش های فرقه ای و محفلی سازمان و گرایش راستروانه رهبری بنشابه مانع تکامل و پیشروی بسوی ایچساد حزب طبقه کارگر عمل میکند بطوریکه این تناقضات موجب بحران در سازمان گردیده است...

رهبری سازمان برای حل بحران کنونی شیوه سرکوب و حذف اصولیترین گرایش را پیش گرفته است... در حالیکه برای برین وقت از وضعیت کنونی بایستی اولابا مبارزه ایدئولوژیک دامن زده شود و سانسور نظرات اقلیت کنار گذاشته شود تا نایا کل بدنه سازمان را در سرنوشت خود شرکت داده و از حق صوابت و تصمیم گیری محروم سازند...

مش رهبری سازمان که بر سیاست حذف چپ و جذب راست استوار است برای آینده سازمان ما بشدت خطرناک است از این رو ما و تمامی اعضا سازمان موظف هستیم در مقابل اقدامات نا سالم و ضد جنبی رهبری که با هیچ قانون و اساسنامه جنبی انطباق ندارد ایستادگی کرده و از رهبری پخواهیم که از سیاست کنونی خود صرف نظر نموده و راه را برای مبارزه سالم جنبی از طریق موافقت با مشارکت توده های سازمانی در تعیین سرنوشت خویش فراهم نموده و انشعاب را به بخش وسیع از نیروهای سازمانی تحمیل نشایند... برای جلوگیری از انشعاب لازمست رفقای کمیته مرکزی (رهبری سازمان) اقدامات زیر را در دستور قرار دهند...

۱- سابقا رفیق اختری در کمیته مرکزی - لخصا سانسور مقاماتی دفتر سیاسی و پذیرش حق بیان بی قید و شرط اقلیت و نیز واگذاری تصمیم گیری در رابطه با اختلافات موجود به نمایندگان منتخب کل اعضا سازمان در کنگره سراسری...

۲- برگزاری کنفرانس سراسری - تشکیلی از نمایندگان نیروهای موجود در خارج از کشور (که اکثریت کادرها و اعضا سازمان ما را تشکیل میدهند) - بمنظور انتخاب کمیته مرکزی وقت و تدارک کنگره (با این کنفرانس حداقل ۲ تا ۳ ماه آینده تشکیل شود)...

۳- سازمان است تا برگزاری کنگره سراسری از هر گونه تسویه و نقل و انتقال نیرو، تنزل یا ارتقا تشکیلی خوداری شود... تقاضای من پذیرش محورهای فوق توسط رهبری سازمان میباشد و بدینجهت از امروز ۲۷/۱۰/۲۰ بدت ۱۵ روز دست از کار خواهم کشید و اداها اعلام مشروط به پذیرش کامل مسائل مطرحه میشود از آنجا که ضوضایه تشکیلات داخل کشور هشتم و اکثریت کمیته های سازمانی داخل کشور در رابطه با من میباشد در این ۱۵ روز جنبه های اضطراری مسائل رفقای داخل کشور را پاسخگو هستم و در صورت عدم موافقت رفقای رهبری بدینجهت است که هدایت کمیته های داخل کشور مستقلا پیش خواهد رفت و تبعیت از رهبری را جایز نمیدانم... منتظر پاسخ کمیته رفقا هستم...

باید موفقیت های انقلابی برای رفقا  
غلام ۲۷/۱۰/۲۰

تتشکیل کنگره عاجلترین مسئله تشکیلات ما میباشد که میتواند مسائل زیر را پاسخگو باشد الف - بررسی بیان کار کم سازمان و حل اختلافات کنونی ب - انتخاب کم سازمان ج - تصویب برنامه و اساسنامه سازمان د - ترسیم خطوط عمومی سیاسی - تاکتیکی دوره کنونی...

( ۴ )

اگر از انجارجار نسبت به ترور معنوی مخالفین با استفاده از حربه دیرآشنایی  
"اقدامات خطرناک امنیتی"

اتهامات و آکاذیب گوناگون فراکسیون دمکراسی و به تبع آن کمیته مرکزی به مخالفین سزاوار پاسخگوئی نیست... معهدا افشای سیاست منحط ترور معنوی مخالفین با استفاده از حربه "اقدامات خطرناک امنیتی" از نظر تحکیم پرکشته موازین ابتدائی اخلاقی حائز اهمیت است... اگر امروز ملاحظه می کنیم که بطریق اتفاق نظر کلی دیرزمان در محکوم نمودن شیوه برخورد توکل به شهید محمود محمودی، دفتر سیاسی از شیوه های مشابه در سرکوب مخالفین استفاده می کند، تنها به این حقیقت واقف می شویم که: "کسانیکه در سیاست از موضع ناخفی دفاع می نمایند ناگزیر از توسل به شیوه های غیر شرافتمندانه می باشند" (مارکس)...



در اینجا نیز من درصدم دفاع از خود در مقابل دفتر سیاسی نم باشم اما برای آنکه وجدان کلیه اعضاء، هواداران و کمونیستهای انقلابی را در محکومیت چنین شیوه هائی مخاطب قرار دهم ، لازم میدانم مختصراً نکاتی را توضیح دهم . واضح است که بنا بر طبیعت امنیتی - اطلاعاتی مسئله از تشریح بسیاری نکات ناتوانم و مجبور به ذکر کوش مطالب می باشم :

۱- ساز آنجا که ضوضای تشکیلات داخل کشور سازمان ( مرکز ارتباطات سازمان ) بود عام ، ارتباط مورد اشاره دفتر سیاسی از جمل روابط تحت مسئولیت من بوده و نام من با ارتباط مذکور در چارچوب وظایف روزمره ، جاری تشکیلاتی ام می گنجید .

۲- بدیهی است که دریافت اطلاعاتی از قبیل شماره تلفن ، آدرس و ... از روابط تحت مسئولیت من کاملاً مجاز و معمول بوده و فاقد هرگونه جنبه امنیتی - اطلاعاتی میباشد . آنهم باین دلیل ساده که طبیعت کار اساساً چنین ایجاد میکند .

۳- شایعاتی مبنی بر " اقدامات خطرناک امنیتی " هیچگونه مبنای واقعی نداشته و تنها اهداف طولی گزانه را تعقیب می نماید که در صورت لزوم دلائل واهی بودن آن بطور مشخص با اطلاع رفتار رسانده میشود .

زندہ باد انقلاب ، زندہ باد سوسیالیسم  
فصلام ۱۹ بہمن ۱۳۶۷

جمهوری دموکراتیک خلق ، رهبر سید علی خامنہ ای ، سیاستهای انقلابی راست روانه تا کنونی سیاستها و عقو وادی رہبری در مقابل کل تشکیلات ( از جمله تشکیلات داخل ) بطور واقعی و جدی کام پود است . یکبار برای همیشه باید فرقه فوق سانسورالیست حاکم بر سازمان را در مقابل سیاستهای راست و سانسورستی خود قرارداد و به کل سازمان امکان داد تا سانسور خود را در دست خود بگذرد . اداہ محاسبات فوق سانسورالیست مانع اصلی حرکت به چپ سازمان است و راه را بر انتقادی که در وقتها راه بند و از اعضا و کادرهای سازمان که نتوانند دستورات فوق را اجرا کنند ، مانع از سر راه برود .

ما ، اکثمت تابع واحد پارس ، بدلیل احترام به انجاء فوق العادتی رفیق بابایی و رفیق فلام در بربرد و راهی " پا به خود انتقاد کنید یا اخراج میشود " ، به شکل ارتباطی رہبری سازمان ، فزاینده طبعاً تمهات راہ انتقاد به خود ، بلکه انتقاد به رہبری سازمان را در پیش گرفته ایم و بدین " جیم " مشتمل " الطاف دکرآتیک " این رہبری شد ما را ، از همه اعضا سازمان ، از همه نمایانین که هدف اصلی خود را حرکت در جهت سازماندهی حزب لنینی طبقه کارگر قرار داد ماند . در مسوت میکنم تا همدا ما با ما به محکم کردن این سیاستهای رہبری سازمان راه کارگر پود آئند ، ما از کلبه اعضا و کادرهای سازمان که نتوانند در چہاں این صغیفه گسندہ ساکت بنشینند ، در موت میکنم تا دست در دست یکنیگری برای کفران تشکیلاتی و انتخاب یک مرکزیت وقت تلاش کنیم .

پس به سہی برگزار کنفرانس سراسری تشکیلاتی  
زندہ باد آزادی ، زندہ باد دکرسی ، زندہ باد سوسیالیسم !  
اکثمت واحد پارس  
سازمان کارگران انقلابی ایران ( رامکارگر )  
۱۴ فورہ ۸۱  
۲۵ بہمن ۱۷

(۶) بخشهای انوشته رفیق B به مرکزیت سازمان

همانطوره اطلاع داید سازمان مارا بہرانی همه جانبه فرا گرفته است . بہرانی که از مسائل تشکیلاتی ، فقدان دکراسی و تسلط بی چون و چوای سانسورالیسم بسسه تشکیلات ما آغاز گشته و با مسائلی چون اختلاف نظرات در جمهوری دکرآتیک خلق ، سیاستهای انقلابی و ... اداہ یافته است .

این بحران طیف وسیعی از نیروهای سازمان ماراد بر گرفته است ، نیروهایی که برخلاف نظرفرقای دقر سیاسی ما نه متأسرانرفضای سوسیال دکراسی خارج از کشورند و نه نیروهای " فریب خوردہ " یا " خود فریب " اند . . .

رفقا ! هدف من از این نوشته تلاش مجدد در جهت رساندن فریاد نیروهای تشکیلاتی معتمدہ به مبارزہ طبقاتی و انقلاب سوسیالیستی است که در پشت این خط و برنامہ سنگر گزینہ بودند به گوش ناشنوای رہبری سازمان است . فریادی که در کنفرانس خارج از کشور هم بلند شد و به اعمال نظری مورد دقر سیاسی در حین برگزاری کنفرانس اعتراف نمود . و فتوی تکلیفی مسموٹا کنفرانس رایا دہ بدہ تشجب نگریست و بہ بی اعتقادی و احساس عدم نیاز رہبری سازمان به بدہ آن ، بہ نیروهای که بسار تشکیلات در مبارزہ انقلابی اش بر دوش آنهاست ، بیشتر و بیشتر باور پیدا کرد . فریادی که تو صہ این که " رفیق " درست میگوی ، ولی تشکیلات که یکشبه درست نمیشود " را بہانہ ای بیش از جانب رہبری نمیبیند ، رہبری که از عقب ماندگی تشکیلات ما بہرای توجیہ عدم پیشرفت ها و سنگ اندازنیها فضیلت ساخته است . رفقا ! همانطوره که قبلاً نیز مطرح نمودہ بودم نحوه برخورد تشکیلات به حل مشکلات موجود میتواند تاثیر حسی تعیین کننده در بسیاری از نیروهای سازمانی بگذارد ، در حال حاضر فقط اثیر را می توانم بگویم که رہبری تشکیلات مابدترین برخوردی که میتواند بکند کرد و آن اداہ میدہد و اما از نیروهای تشکیلاتی هنوز انتظار " اعتماد کن - اطاعت کن " را داید . رفقا چگونه از نیروهای تشکیلات ، کہ ہروزگہ از ضرورت تشکیلات میگذرند بیشتر بر بی تأثیری خود بر حیات سازمان و تلاش جهت تحقیق خود توسط رہبری سازمان در مراحل و مقاطع مختلف پی مینورند ، انتظار " اعتماد کن - اطاعت کن " را داید ؟! ...

... آنچه کہ از ہم اکنون روشن است آن است کہ رہبری ما خود را نمائیندہ بی چون و چوای تشکیلات میداند صدای مخالف جدی را نمیتواند تحمل کند و وجود اقلیت را آغازی بر انشعاب مینماید ارد . خلاصہ اینکه :

- ۱- تصمیمات اتخاذ شدہ از جانب کمیٹہ مرکزی سازمان را ہمیشہ سروسکوب بہ ہمراہ رفرمیاتی در ریحوبصہ یک انقلاب مہینہ کم از آنها تنہا بہ عنوان وسیلہ ای برای مبارہ بحران و کوبیدن سہرئاثید برسیستم فرقاء - محفلی و فوق سانسورالیستی تشکیلاتی استفاده شدہ است و در واقع چشم پوشی بر تمامی مشکلات تا کنونی تشکیلات ماست
- ۲- شیوہ برخورد تشکیلات با مخالفین و محترضین را قابل قیاس با شیوہ های توکل می دانم
- ۳- هرگونه انتقادی مبنی بر شرکت در فعالیت فراکسیونستی ، بطور مستقیم یا غیر مستقیم رانپذیرفته و هرگونه موضع گیری در این رابطه ، وجود و یا عدم وجود فراکسیون و یا ظل وجودی در آن را بہ بررسی ریشہ ای بحران در تشکیلات ماد رکنگرہ سازمانی کہہ توسط ہیئت منتخب تدارک کنگرہ ( این ہیئت باید در کنفرانس سراسری سازمانی انتخاب شود ) فرا خواندہ میشود موکل میکنم
- ۴- نحوه برخورد تشکیلات در رمورد آن بخش از اموال سازمانی کہ در دسترس من است ، منظور بخش شایعہ ضبط این اموال توسط رفیق غلام در شرہرہای مختلف توسط رہبری رامحکم میکنم و همانطوره کہ در صحبتہای حضوری بارفقا عنوان نمودام این اموال تنہا در اختیار و دسترس من است و نہ هیچ رفیق دیگری .

تا روشن شدن قطعی قضایا با مسائل ، با هرگونه نقل و انتقال مالیه وانسداد سازمانی مخالف هستم و تا آنجا کہ من مبروط میشود از انجام آن خود داری میکنم .

۱۲ / فورہ ۱۹۸۹

(۵) پیش به سہی برگزاری کنفرانس تشکیلاتی

یکبار دیگر بہ مجرڈ طرح ملی مبارزہ ایدئولوژیک غنی ، آنجا کہ شمارہای دکرسی طلیسی و رابطہ اصلی لنینیستی میباشد در رعل زندہ تشکیلاتی محک بخسود ، روحیہ فرقاء - محفلی و فوق سانسورالیسم ددان نشان میدہد . دقر سیاسی و اکثمت کمیٹہ مرکزی راہ کارگردارستانہ اولیہ مبارزہ ایدئولوژیک تا یخ حیات سازمان ، نیم نژایانہ ، سروسکوب و تصفیہ را برقرار کرد ماند تا مساباد " آساری " افتاد شد کہ طرح ملی آنها بہ " سلاح " سازمان و جنبش نباشد . بورژوازی عیان و سروسکوب خصم اینست سیاستی کہ رہبری سازمان ما در پیش گرفته و یکبار دیگر وضعیت ہم تطبیق کردار و کفار خود را بنمایش گذاردہ است . اخراج رفقا بابایی و غلام و بدنیال آن تخلیق تصفیہ اکثمت واحد حائز رہبامورگ ، پارس ، محدود نمی از واحد فرانتکورٹ و ... و کھل کردن " بیک " به واحد های تشکیلات برای تہدید و یا تصفیہ " مستلذاد " ها ، دکر استالینیستی رہبری سازمان از مسئله انتقاد در نظرو وحدت در رعل را نشان میدہد . جہم این رفقا کہ در زمرہ نمایندگان جناح چپ سازمان راہ کارگردار کنند ، تنہا و تنہا در رخواست اجرائی ملی اصولی است کہ در " بیاننامہ وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت " بہ طابہ اصلی حاکم بر مریض سیاسی و تشکیلاتی معرفسی شدہ ماند ، در رخواست مباحثه طلی و بدین سانسور طفاظت کہ بہ اصلی ترین مسائل مبارہ سازمان و جنبش مربوط مینماید . مسائلی کہ بدین مباحثه کشرہ حول آنها نمیتوان از دادر فریادہا گسٹ و در راہ حزب کمونیست دکر جدی نظری و تشکیلاتی کرد . ادای دقر سیاسی دائر برداشتن حق اصال " سانسور طفاظت " بر مفاظت انقلابی ، کہ در مورد مقاله رفیق بابایی شکل حذف تصنام چلنا و کلنائی کہ بہ کار کرد و سیک کار رہبری اجرائی ملی اصولی است کہ در " بیاننامہ تنہا با آمیزہای لنینیسم در رہاہ اصل طفاظت مباحثات ، بلکہ با مفادی است کہ خود پای آسرا اصا گذار ماند " گذشتہ آزان ، اخراج سہود " فریضی " رفقای معتزلی و کھل کردن یک سوی " توچہ " بہنمای روحیہ فراکسیونی حاکم بر دقر سیاسی را برلا کرد . روحیہای کہ منافی چیز حذف مخالفین ، بریدن نژان مضمون از یکسو و استفاده از اقتدارات فراکسیون رہبری برای " توچہ " آنها کہ گچ شدہ ماند و آنچه را بمینماید نمیتوانند برایش هم کنند ، از سہی دیگر ندانند ، کہ پسہ راستی چگونه اسکہ سازمانی کہ ادای " دفا عاز آزادی بدین قید و شرط بیان و عہدہ " نذر منظر جامہ را داید و از آن در رشتہای خود دفا عوڈہ استحقاق آزادی بی قید و شرط بیان کردہ در داخل سازمان خود را نمیدید ؟! ادای دکرسی طلی در رپنہای جامعہ با اصال دیکتاتور و دادن حق سانسور در داخل سازمان ، چون آب و آتش را یکدیگر رتدادند . رہبری فریادی - محفلی کہ در طلی د سال حیات سازمان هرگز بہ برگزاری کنگرہ دست نرود ، وارایا بودہ مسال است کہ غیر منتخب باقی ماندہ است ، میخواند با ہمین رضی تا کنونی ، ہمین افکا بہ آشنائی های دیہتہ تصمیمات شخصی و رفقاظہ و تمرکز تمامی قدرت و اختیارات سازمانی در دست فرقاء کہ اقلیت بر دقر سیاسی است ، بہ پتر برود ، اما طاقت جناح چپ در این رید اذکار بدی ایجاد کردہ است . نمیشود در داخل سازمان با یک اہمیسور نمود کہ بخش بزرگی از دستاورد های سازمان از آن اوست بر رویود و همچنان با سنت پودنائی اختلافات سازمانی نظرات ناسخ و نسخ وجود اختلافات بدین مبارزہ حول آنها ، بہ املاح در راہ تشکیل حزب کام پود است و از سیک کار فرقاء - محفلیست بہ اصول لنینیستی حاکم بر زندگی حزبی نگاه کرد . در دست بہمین دلیل است کہ میشود این جا و آن جا " اصلاحتی " را پیشنهاد کرد ، بہ بحث لاہوتی و بدین بآیانہ در رہاہ تفسیر آمیزہای لنینی دست نرود ، اما بہ محترضہ سیک کار واقعی ، رہبری در تشکیلات مورد انتقاد فرامیگردد . وقتی کہ فراراست پلان کار حسالہ رہمی انشایی نرود ویسی قرار گیرد ، آنجا بہ جای آزادی ، جہاں سانسور را بر پید اید ، و اگر فشار و تہدید کار، نمیتواند ، پردہ میدزد و دست بہ سروسکوب و اخراج کشرہ مینمزد . رہبری سازمان در دست مطابق طرحہ استالین " اقلیت باید دست از نظراتش بردارد و با حذف خود " وقتی میبیند کہ جناح چپ حاضر نیست مدای را خالی کند و تصفیہ بہ حذف او بچوید . ود و بارہ همان داستان کہہہ فرقسہ ها در تانح معاصر جنبش جہا بایران تکرار میشود و نمایان " تپ ما این داستان را با شما گفتہ " نهاد دید ماند و برخی با آن آشنا هستند . اخراج گرایش مخالف بدلیل " فراکسیون پازی " ، " انشعاب طلی " ، " پیش از آن " صرف ددہ است کہ نزد آنها کہ چشمی برای دیدن و طلی بہرایی اندیشیدن در ستلانہ داید ، گاری بکشد ، پشت پا زن بہ اصل مبارزہ ایدئولوژیک طلی و دادن حق سانسور ماتی و تصفیہ " سلاح " از " فرملاح " بہ رہبری انشایی در این ماجرا ، پیش از آن افکار راست کہ بتوان آن را در ہالہ پاسداری از " انشعاب اقلین " و سیاستحائلی بنمایان کرد .

اکثمت رہبری سازمان در آستانہ اولین مبارزہ ایدئولوژیک غنی انشعاب را بہ ہرآن کسر کہ نظرمخالف دار د تحمل میکنم . تا ہنگامی کہ اقتدار رفیق سازمانی این فرقه بر حیات سازمان سا اداہ دار و هرگونه شمار " بحث آزاد " و " برگزاری کنگرہ " ( کہ تنہا امیز و بطور " فریضی " و آنہم پیر از اخراج نمایندگان جناح چپ بہ پادشاه افتاد ماند ) تنہا بہ بد در تری تنہا تہذیب گراستی میخورد . در مقابل این اقدام خود ، مبروانہ دیکتاتور یا نہ ہیبت ایستار و اقتدار بدہت سازمان را قرارداد . تنہا راہ سکند در شلوط سروسکوب و تصفیہ خصم ، برگزاری یک کنفرانس تشکیلاتی در جهت انتخاب یک مرکزیت وقت و سازمان دہی دکرآتیک کنگرہ ، اولین کنگرہ پراز دہ سال حیات سازمان میباشد . این نہزانس ہیبت است ، رمورد چوکنی یکار بست اصولی کہ در " بیاننامہ وحدت " مسودہ ناگد قرار گرفته و اساساً سازمان را تشکیل میدہد . نظر ددہ و تا برگزاری یک کنگرہ واقعی و نہ فریاضی ہیبتی را برای سازمانندہی امور جاری انتخاب کند . تنہا تحت ہدایت جنبش کمونیست انشعابی است کہ جہاں در راہ اجرائی ملی " بیاننامہ وحدت " و تحقیق اقلین مباحثات مبرود پسہ

(۷)

خطاب به اعضا\* و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

و کلبه مبارزین کومینست

رفقای عزیز!

جنبش کومینستی مهین ما تا بحال در بروسه بهترتف خود با انواع و اقسام انحرافات "چپ" و راست مبارزه کرده و به پالایش نظری و عملی خود برخاسته است. طرد سیاست رفرمیستی و خیانتکارانه حزب توده در دهه چهل توسط کومینستهای عمده متشکل در "سازمان چپ‌رکهای فدایی خلق ایران" میزبندی و مبارزه با انواع انحرافات نظری از تبیل تئوری ارتجاعی سلف جهان و "راه رشد غیر سرمایه داری نوع خروشچینی" و مبارزه با گرایشات پیویلیستی جنبش که تجلی خود را در بنی سازماندهی مبارزات بلاواسطه طبقه کارگر در عدم توجه به سازماندهی شکل‌های توده‌ای طبقه و سایر زحمتکشان در جایگزینی مبارزه - انقلابیون حرفه‌ای به جای مبارزات توده‌های وسیع زحمتکشان باز می‌یافت و دستیابی به اصلی‌ترین وجوه تئوری انقلاب ایران که همانا "برنامه انتقالی" و جمهوری دموکراتیک خلق می‌باشد گامهای ارزنده‌ای هستند که بحق سازمان ما یکی از پیشگامان آنهاست.

تا آنجا که به امر بنی تشکیلات حزبی بر ستای اصول سانترالیزم دموکراتیک می‌گردد سنتهای عقب مانده و غیر دموکراتیک نوع مرکزیت در سازمانهای چپ پیشرو امر مبارزه را کند می‌نماید. فوق سانترالیزم حاکم بر سازمان ما که توسط اکثریت دتر سیاسی و اکثریت گسته مرکزی اعمال می‌گردد به گره و مانع اصلی انطباق ساختار تشکیلاتی با مضمون فعالیت کومینستی سازمان تبدیل گردیده است. اکثریت دتر سیاسی و کمیته مرکزی ما زیرا با گذشتن حق اقلیت سازمان برای بیان کامل نظرات خود و جلوگیری از ابراز مخالفت آشکار این اقلیت - تصمیمات حزبی مبنای سانترالیزم دموکراتیک را زیر پا نهاده و راه هرگونه مبارزه ایدئولوژیک جدی را سدود نموده است.

ما معتقدیم که اعمال حاکمیت سازمان بر تمامی ارگانها، بیکره ها و نهاد های سازمان تنها راه پایان بخشی به ساخت فوق سانترالیزم غیر دموکراتیک و تحقق سانترالیزم دموکراتیک است و نیز بدون مبارزه ایدئولوژیک ملتی بدون قید و شرط بدون حق انتقاد آزادانه و آشکار از تمامی زمینه‌های زندگی حزبی صحتی از دموکراسی حزبی نمی‌تواند در میان باشد.

اکثریت کمیته مرکزی ما در مقابل اقلیت آن که خواهان انتقاد و استفاده خود کومینستی و جاری شدن امر مبارزه ایدئولوژیک ملتی بدون قید و شرط بوده‌است به حره اخراج تشویل شده و به اعتراضی بخش قابل ملاحظه‌ای از بدنه تشکیلات ونمی‌نماید.

کنفرانس سال گذشته سازمان خارج از کشور طی سندی از تمطعاتهای خود خواهان مبارزه ایدئولوژیک ملتی بدون قید و شرط بیداسته اکثرین همس ند (از طرح اساتانه سازمان) را مجدداً به بحث در میان تشکیلات خارج از کشور نهاده تا پس از آن از طریق یک رفرا ند م قبل از کنفرانس در باره این مهمترین بند اساتانه تعین تکلیف گردد.

آنها در زمانیکه اقلیت نظری را اخراج کردند وعده کنفرانس سازمانی می‌دهند.

ما در اعتراض به اقدامات انشعاب طلبانه (نقض وحدت در پوشش نریادهای وحدت طلبانه) اکثریت کمیته مرکزی و دتر سیاسی اعلام نمودیم تا زمانیکه آنها عدور احکام اخراج خود را لغو ننموده و به اعمال غیر دموکراتیک پایان ندادمانند خود را ملزم به تبعیت از تصمیماتشان نمی‌دانیم.

ما ضمن حمایت از تمامی رفقای اخراجی و توبیخی خواهان برگزاری کنفرانس دموکراتیک سراسری تشکیلاتی هستیم و با تمام قوا در جهت برپایی آن تلاش می‌کنیم و تا زمان برگزاری کنفرانس دموکراتیک سازمانی و تصویب برنامه و اساتانه مبارزه خود را در چارچوب اصول وحدت‌های حزبی "راه کارگر" ادامه می‌دهیم.

پیش بسوی برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی!

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلقی!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - اکثریت واحد هامبورگ

۸۴۲/۱۵

(۸)

خطاب به اعضا\* و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

و کلبه مبارزین کومینست!

رفقای عزیز!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بحق بعنوان پیشگام جنبش کومینستی مهین مان گامهای ارزنده و مؤثری در پالایش فکری و عملی جنبش‌مان برداشته است. سازمان ما به همراه نیروهای انقلابی جنبش کومینستی ایران که در روند مبارزاتی خود با انواع و اقسام انحرافات "چپ" و "راست" و مبارزه برای طرد پهن رفرمیستی و خیانتکارانه حزب توده در دهه چهل و همچنین مبارزه با گرایشات پیویلیستی جنبش که فرجام خود را در نفی سازماندهی مبارزات بلاواسطه -

طبقه کارگر و سایر زحمتکشان میدانده به اصلی‌ترین وجوه تئوری انقلاب ایران که همانا برنامه انقلابی و جمهوری دموکراتیک خلق می‌باشد دست یافت و روزه مهی در تاریخ جنبش کومینستی ایران محسوب می‌شود. ولی در هر صده تشکیلات متناسفانه سازمان ما هنوز در گرو دار سنتهای عقب افتاده حزبی (مانند احزاب سنتی کومینست) که مرکزیت را بر سه مرکزیت تشکیلاتی ارجح می‌دانند گرفتار است. این تفکر کهنه که تسویق سانترالیزم را تقویت و به دموکراتیزم درون تشکیلات وضعی نمی‌گذارد مانع شکل گیری و تصلف فکری نو که جاری شدن دموکراتیزم در حیات سازمان را نچوا می‌کنده می‌شود. و خواهان آنست که روی امتدادهای رفیقانه حساب شود و نه کنترل درون سازمانی و تشکیلاتی. چرا که برای این تفکر نفس مبارزه مهم است نه مبارزه سوسیالیستی. به همین دلیل سازمان ما اعضای خود را که سنگ بنای فعالیت مشترک سوسیالیستی را معطوف به برنامه و اساتانه می‌دانند نه امتدادهای رفیقانه و آشنایی‌های دینینه و همچنین بخاطر پافشاری به داشتن حق نظر و تبلیغ آن نظر در ارگانهای مطبوعاتی سازمان به صورت ملتی که طبق مقادیندهای مندرجه در مباحثات وحدت که در راه کارگر شماره ۱ انتشار یافته است، اخراج و یا توبیخ می‌کند و حق نظر را از اقلیت درون سازمان سلب می‌کند و تبعیت اقلیت از اکثریت را به معنی پذیرش نظر اکثریت می‌داند.

ما جمعی از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بعد از مطالعه اسناد و مدارک در اختیار گذاشته شده و بحث و جدل در این باب تصمیم به صدور تمطعاتی گرفته ایم که در آن عمل اکثریت دتر سیاسی و کمیته مرکزی را دال بر اخراجها و تحمیل انشعاب محکوم می‌کنیم و همچنین حمایت کامل خود را از مبارزه ایدئولوژیک ملتی بی قید و شرط اعلام می‌داریم و خواهان تشکیل کمیته‌ای متشکل از رفقای برای حل اختلافات فی مابین می‌باشیم و همچنین از کنفرانس دفاع خواهیم کرد کسه اقلیت نظری هم در آن حضور داشته باشند.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!

هر چه برافراشته تر باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک

بدون قید و شرط جهت تحکیم وحدت‌های حزبی!

جمعی از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

"واحد هامبورگ"

(۹)

## چرا موضع خود را ملتی می‌سازیم

همزمان انقلابی! اعضا\* و هواداران سازمان کارگران انقلابی! نیروهای انقلابی!

ما بعنوان تعدادی از اعضا\* سازمان کارگران انقلابی ایران، در مین یک بحران تشکیلاتی که عمدتاً از آن‌ها خبر بودیم در طی سه ماه گذشته نهایت تلاش را برای چهار بحران بعمل آورده و سعی نموده ایم تا مشکلات درونی به شیوه های حزبی حل و فصل گردد. اما از آنجا که اکثریت کمیته مرکزی با اعمال سیاست‌های فوق سانترالیستی خود موجب بحران می‌باشد به قطعنامه‌ها و درخواست‌های اصولی ما و سایر واحد‌ها دایر بر واگذاری حل بحران به توده سازمانی از طریق یک مجمع سازمانی‌تنی در نداده است و برای اکثریت اعضا\* این حوزه و سایر حوزه‌ها که سیاست فوق سانترالیستی مرکزیت و بی اطلاع گذاردن اعضا\* از مسائل درونی را عامل تعیین کننده این بحران ارزیابی کرده‌اند وضعی ننهاده، و علی‌رغم پذیرفتن برگزاری کنفرانس و رفرا ند سازمانی بر سر مسائل مورد اختلاف، سیاست تصفیه و اخراج معترب ضین را با شدت بیشتری ادامه داده و در مواردی به اخراج چند دقیقه‌ای رفقا دست یازیده است تا چار شده ایم موضع خود را ملتی‌سازیم.

شایان ذکر است ما مخالفت ملتی و آشکار خود را با سیاست‌های انشعاب طلبانه و انشعاب تحمیلی بارها اعلام و در خواست نموده ایم در محیطی دموکراتیک و بدون از پیش داوری‌ها مبارزه ایدئولوژیک ملتی حول مسائل مورد اختلاف انجام گیرده اما کمیته مرکزی با رد تمامی پیشنهاد های سازنده و در شرایطی که خود بیشترین خطا را در ایجاد بحران جاری مرتکب گردیده، با گذاشتن بیس شرط انتقاد از خود برای معترضین عملاً انشعاب تا خواست‌های را بر تشکیلات تحمیل می‌نماید. ما طی قطعنامه‌هایی خطاها و اشتباهات اکثریت کمیته مرکزی را بیاد آوری نموده‌ایم و حتی بعنوان اتصام حجت موارد نقض اساتانه توسط کمیته مرکزی را یاد آوری و خواست و پیشنهادات خود را برای غلبه بر بحران ارائه دادیم و در پاسخ اعتراض ما به اخراج رفقای این حوزه و سایر واحدها، خود بعضاً مشمول حکم تعلیق گردیده ایم و اینک یک بار دیگر چکیده در خواست‌های خود را که طی چند قطعنامه و یک نامه با اطلاع مرکزیت رسانیده‌ایم مجدداً با عنوان نامه سرگشاده به مرکزیت انتشار می‌دهیم. تا سایر اعضا\* هواداران، دوست‌اران تشکیلات و نیروهای انقلابی قضاوت کنند چه کسی سیاست انشعاب طلبانه را اتخاذ نموده و چه کسی خواهان تحمیل انشعاب بر بخشی از نیروهای تشکیلات است.

نامه سرگشاده به رفقای کمیته مرکزی

رفقای عزیز!

ما به شایه بخشی از نیروهای کمونیست صرف نظر از فعالیت سیاسی متشکل و غیرمتشکل در ایران قبل از انقلاب - از بد شکل گیری راه کارگرها تا چشم پان و ضریب خوبی در ده خننه مبارزه، در کارخانه و خیابان، در فعالیت علمی و مکتبی، در زندان و در تبعید مدافع پرشور اهداف و سیاست های این سازمان بوده ایم و همچنان با اعتقاد راسخ و بی‌چلخل ناپذیر بر آزادی و سوسیالیسم که در سر لوحه برنا های ما قرار دارد دفاع می کنیم برای استقرار سوسیالیسم بد یکتا توری پرولتاریا و روشائی کارگران و زحمتکشان از مستطیقاتی می‌روزم!

رفقای عزیز! از آنجا که اعتقاد ما بر پایه سوسیالیسم و پرولتاریا است و تحقق سوسیالیسم و ایجاد جامعه ای ماری از مستطیقاتی نیکونیست های هر کشوری - باید با گرد آمدن در یک سازمان واحد برپا کردگی غلبه نمایند و اختلافات جزئی و فرقه ای مانع از اتحاد آنان نگردد، در ضرورت اتحاد رزنده همه کمونیست ها را حاصل برنا و ما اساساً به واحد اموی می‌رویم. انسته همواره برای تحقق وحدت حزبی و تبدیل ساختن محلی به ساخت حزبی بعنوان کار اول وحدت کوشید ایم و اینک در راستا دهمین سال تأسیس سازمان و در شرایطی که علیه سرکوب خشن رژیم جمهوری اسلامی در داخل امکان دموکراتیزه کردن سازمان وجود دارد، شما با پای فشاری برتداوم سیاست های فوق سانترا لیستی گذشته و اصرار بر اعمال سانسور و بر نظرات و سازمان وارد آستانه تلاش قرار داده اید!

رفقای عزیز! در حالیکه پس از یک ده تلاش هنور تشکیلات ما فاقد یک برنامه حزبی است و پیش نویس برنا و اساسنامه قرار است مورد نقادی و نظرخواهی قرار گیرد و در شرایطی که دفاع از آزادی های بی قید و شرط سیاسی در تبلیغات روزمره جاری سازمان سنگر بولاک دموکراسی تلقی می‌شود! جزیه ۴ صفحه ای رفیق بابا علی پیرامین مبارزه اید ثولوزیک ملنی پس از یکسال معطلی دچار سانسوری شده و شما پیشاپیش و بقیه بر اعلا بنظر توده سازمانی، اعمال سانسور و نظرات آید شد فرض می‌کنید! رفقای عزیز!

لحظه ای بخود آید! بر اساس چه سبوری نوشته کوتاه چند صفحه ای پیرامین مواضع ماد رقیبال جنگ ایران و عراق رها بد ما تا غیر تازه در بین سازمان پیش کردید. آیا دفاع از آزادی های بی قید و شرط سیاسی یک پرنسب کمونیستی است و باید که شما در دخالی بی محتوای توجیه اهداف و نظریات فرقه ای! یک سازمان که نتواند در درون خودش، آنهم برای عضو گرفتنش آزادی مباحثه بین سانسور و ماتی را تأمین کند! چگونه خواهد توانست در ایران ۵ میلیون سوسی شعرا و آزادی های بی قید و شرط سیاسی را تحقق بخشد! رفقا راستی این چگونه آزادی ای است که در خانه خود با چراغ باید دنبال گشت!

رفقای عزیز! در چند ماهه اخیر که بحرانی همه جانبه تار و پود سازمان ما را به لرزه انداخته، متأسفانه علیرغم دادن به بعضی از پیشنهاد های اعضا ز جمله و سده کنگره و فراند و سازمانی و با اذعان به ده سال بی حقوقی اعضا و هواداران، نهایتاً با تاکید براد امر و اول تا کونی تشکیلات و گذاشتن پیش شرط انتقاد از خود برای رفیق بابا علی و دیگر رفقای معترض و اعمال سیاست تصفیه و اخراج ضربتی، عملاً تشکیلات را متلاشی می‌سازید!

رفقای عزیز! اگر به وحدت کمونیست های انقلابی اعتقاد دارید و اگر بخواهید کمونیست انتقاد و انتقاد از خود را پرنسب می‌دانید، چرا خود در انتقاد کردن پیشقدم نمی‌شوید و راه را برای انتقاد از خود همگانی و ز جمله معترضین فراهم نمی‌سازید! آیا غیراً ز اینست که پیش شرط انتقاد از خود را برای تحقیر شخصیت همزمان خود گذاشته اید! و در شرایطی که اسناد مورد اختلاف خود با رفیق بابا علی را به دست گرفته اید! که در راهی چر اهرتغیظ اظهار نظر موافق را با بانک انشعاب طلبی و پرنسب فراکسیون نسم و تعلیق و اخراج پاسخ می‌گویند! و برای تعلیقی ها و اخراجی های جدید هم پیش شرط انتقاد می‌گذارد!

رفقای عزیز! ما که خود به این سیاست شخص شاد و رقیبال بحران معترض و خشاتا کنین اخراج و تعلیق شده ایم، با تأیید مجدد اسنادی که قبلاً ارائه داد ایم و با انتشار این سند ملنی یکبار دیگر ضمن جلب نظر شما به مشکلات، اعتقاد واضح خود را برای جلوگیری از یک انشعاب تحمیلی که هیچ سودی برای جنبش کمونیستی و انقلاب ایران ندارد اعلام می‌نماییم، و چنین اعتقاد داریم مشکلات درون حزبی تنها به شیوه حسرت ز لئینی و از طریق دموکراتیک و در فضای رفیقانه قابل حل است. از برای خود ایز بحران و و راهبرون رفتن از آن راه و شما سانسور اعضا، هواداران، دوستداران سازمان و تمام نیروهای انقلابی در خواست معذرتی و اتحاد عمل می‌نماییم زیرا ساله، ساله یک سازمان نیست بلکه معضل جنبش کمونیستی و ساختار تشکیلاتی اکثریت قریب با تنساق سازمان های سیاسی میهن ما است! بنابراین اعلام می‌رویم:

۱- بحران کنونی سازمان ما ناشی از تضاد شکلی این رفیق با آن رفیق خاص نیست، بلکه محصول یک دهه اعمال فرمانروایی فوق سانترا لیستی از جانب د فتر سیاسی و کمیته مرکزی است. فوق سانترا لیستی که هیچگونه حقوقی برای هیئت ارگان و عضوی قائل نیست! بنابراین شرط غلبه بر بحران مقدم بر هر چیز ترک شیوه های فوق سانترا لیستی و اعمال سانترا لیسم دموکراتیک و دموکراتیزه کردن حیات حزبی است!

۲- اخراج رفیق بابا علی و سایر رفقا و ز جمله اخراج و تعلیق جمعی از یاد دکنندگان این بهانه را شدید اسحکم و از شما بعنوان اکثریت کبته مرکزی می‌خواهیم با پایمان دادن به سیاست سرکوبگرانه کنونی و تصفیه معترضین، کلیه رفقای اخراجی و تعلیقی را به بی قید و شرط به ارگان ها و جایگاه های خویش بازگردانید و با ترک سیاست تصفیه و اخراج معترضین جدید اهرتغیظ از حرکت آسز اجتناب ورزید.

۳- نظریه اینکه در موی شخص کنونی که ابعادی بر مراتب فراتر از اختلاف

اکثریت و اقلیت کمیته مرکزی یافته، کمیته مرکزی همه مدعی و همقاضی است و از جانب معترضین در مظان اتهام قرار دارد و سازمان ما متأسفانه فاقد نهاد هائی چون دادگاه حزبی و کمیسیون کنترل هم عرض می‌باشد لذا اتهامات کنفرا سراسری حزبی مرکب از نمایندگان اعضا می‌تواند داور نهائی باشد نه شما بعنوان قاضی ومدعی! و این کنفرا س می‌تواند در طی شش ماه آینده برگزار گردد!

۴- از آنجا که بحران کنونی نه محصول رشد تضاد های ایدئولوژیکی، بلکه اساساً ناشی از شیوه غلط رهبری و مدیریت شماست و خصلت تشکیلاتی دارد و تبدیل مسائل تشکیلاتی به مسائل ایدئولوژیکی و نظری بدین مبارزه ایدئولوژیکی و توضیح سایر روشن های مورد اختلاف به انفعال و بیلا تکلیفی بازمبیشتری در جنبش می‌انجامد سازماندهی مبارزه ایدئولوژیکی علمی و ضروری د انسته، وسیله ای مناسب برای حصول دموکراتیک قضایا می‌د انیتجا اعضا و هواداران آگاهانه و با وقوف بر نظریات متفاوت احتمالی دست به انتخاب بزنند! و از آنجا که شما بعنوان اکثریت کمیته مرکزی اعمال سانسور و اخراج خود می‌دانید، پیشنهاد می‌نماییم بجای مبارزه ایدئولوژیکی علمی بی قید و شرط بر موی، تا مقطع حل قطعی بحران از طریق یک کنفرا س سازمانی، مبارزه ایدئولوژیکی در موی بدین سانسور و ماتی انجا بگیرد و در صورت فوق سانترا لیسم ایدئولوژیکی را خطرناکتر از زوق سانترا لیست تشکیلاتی می‌دانیم!

۵- از شما بعنوان اکثریت کمیته مرکزی و د فتر سیاسی بطور خاص و همه رفقای تشکیلاتی بطور اعمد عوت می‌نماییم پرنسب های کمونیستی و انقلابی و فاد ارمانده ضمن پرهیز از اتهام زنی و پرنسب های کاذب از هرا قده ای که بحران را حاد تر و راه وحدت رزنده را دشوار تر سازد جد اجتناب گردد.

با درود های رفیقانه  
قریب نیمی از اعضا و واحد فرانکفورت

۸۹/۳/۲

(۱۰)

رفقای عزیز، نیروهای انقلابی

سازمان ما که از بد و بدیش خویش تا کنون گامهای بس بزرگ را در تدهیمن تئوری انقلابی برداشته متأسفانه نتوانسته تئوریهای مدین خویش را که محصول یک دهه مبارزه به گریه ملیه جمهوری اسلامی، سرمایه داری و امپریالیسم است با کردار یکی کرده به آن وفادار بماند. سازمانی که در ادبیات روزانه خویش از د مکرسی و آزاد بهای بی قید و شرط سیاسی برای کلیه نیروهای مخالف سخن می‌راند و خود را بیشتر از جنبش کمونیستی می‌داند، متأسفانه در وصل با نهر پاگذاشتن د مکرسی و اعمال سانسور، تصفیه و اخراج در داخل سازمان عدم پابندی خود را به این اصول به نمایش می‌گذارد. به راستی اگر مشت نمونه خروار باشد این عمل کنونی سازمان را چگونه می‌توان ارزیابی کرد.

سازمانی که نتواند د مکرسی را در داخل تشکیلات خویش عملی نماید. چگونه خواهد توانست آزادی بی قید و شرط سیاسی را برای توده های میلیونی بهارمغان آورد.

رفقای عزیز، نیروهای انقلابی:

ما جمعی از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) حوزه فرانکفورت به این دلیل مؤسسه مان رفیقانی می‌کنیم که توشه نهر را برای رفیع بحران کنونی تشکیلات به ساء زمان ارائه نموده ولی متأسفانه بعلمت حکومت فوق سانترا لیسم د تشکیلات، به ناه ما باسخ داده نشده است، چرا که رفیق سانترا لیسم در عمل نظرات بدنه تشکیلات و همسوداران را ناسازیده می‌گیرد. متن نامه ما بشرح زیر است!

رفقا:

هم اینک سازمان ما در یک دوران بحرانی بسر می‌برد که ریشه اصلی این بحران را می‌بایست در سیاست ناظر بر زندگی حزبی ما جستجو کرد. سیاستی که بجای پاسخگویی سالم و دموکراتیک به یک رشته نیازهای حیاتی تشکیلات، متأسفانه سیاست تصفیه را در پیش گرفته است، در شرایطی که دشمنان رنگارنگ لنینیسم و حزبیت، مدافعین اصول لنینی ناظر بر زندگی حزبی را مورد تهاجم قرار می‌دهند. بر ماست که شایستگی اندیشه های لنین را در تنظیم روابط و مناسبات سالم حزبی با اعتقاد علمی نسبت به آن اثبات کنیم. چه تاسف بار است هنگامی که اندیشه لنینی " سانترا لیسم د مکرسی" به مفهوم اتحاد در عمل و آزادی در انتقاد، به تفسیر یک جانبه " تبعیت اقلیت از اکثریت" منجمد می‌شود که چنین تفسیری قصد می‌کند تا مناسبات حزبی ما را تحت کنترل در آورد.

اگر بر اصولی چنین تفسیری، همزمان منتقد خود را با تهمید، تعلیق و اخراج پاسخ می‌دهد و این چنین است که بحران گسترش می‌یابد. در پاسخ به ما افسراد معینی از اخراجی ها را سبب این بحران معرفی می‌کنند، مسکول ما این است: آیا واقعا این افراد موجد بحران درون سازمان ما بودند! یا بحران دودرون

سازمان مابده ای است که از سیستمی معین تغذیه می کند ؟

پاسخ به این سوال سمت گیری ما را به حل یا مزین شدن بحران روشن می سازد . در پایان ما با روحیه ای انتقادی نسبت به امر سانسور ، تهدید ، تعلیق و اخراج که از جانب رفتاری کمیته مرکزی سازمان صورت گرفته است خواهان تحقق راه حل های زیر در جهت پاسخگویی سالم به حل بحران موجود می باشیم زیرا که اعتقاد ما بر این است که بدون تامین اراده فعال همه نیروهای تشکیلات در جستجوی راه حل بحران فضای مناسبات سازمانی آلوده تر خواهد شد .

- ۱- کلبه رفتاری اخراجی بدین قید و شرط به درون سازمان بازگشته در جایگاه سابق خود ابقاء گردند .
- ۲- با توجه به مسئولیت مستقیم کمیته مرکزی و دفتر سیاسی سازمان در امر تصفیه ها ما خواهان متوقف شدن هر چه زودتر تصفیه و اخراج دیگر رفتاری معترض در رابطه با اختلافات اخیر می باشیم .
- ۳- نظر به اینکه سازمان ما فاقد نهاد هایی چون دادگاه حزبی می باشد حل کلبه اختلافات اخیر به کنفرانس سراسری حزبی مرکب از نمایندگان اعضا رجوع داده شود . زیرا تنها چنین ارگانی می تواند در این نهایی باشد که کمیته مرکزی و دفتر سیاسی به عنوان قاضی و مدعی !
- ۴- برای ایجاد فضای دموکراتیک جهت تصمیم گیری آگاهانه و همه جانبه اعضا و هواداران در حل مسائل مورد اختلاف مبارزه ایدئولوژیک درونی بدون سانسور مقداتی سازماندهی شود .

باد رود های رفیقانه  
جمعی از هواداران سازمان کارگران انقلابی  
حوزه فرانکسورت  
۸۹، ۳، ۱۷

سویالیستی با ترکیب طبقاتی پرولتاریا وینیه پرولتاریا \* و غیر جانبدارانه از حقوق اقلیت برای حق فوق مرکزیت خود مخالفیم .  
ب- ما خواهان پس گرفتن احکام ضد حزبی دفتر سیاسی جنبش بر اخراج رفتاری با باطنی ، نظام و سایر رفتار و تجدید و توجیه دیگر رفتاری از جانب رفتاری دفتر سیاسی هستیم و برای ایفای مسئولیت های آنها تلاش میکنیم .  
د- ما خواستار برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی در خارج از کشور می باشیم چون دفتر سیاسی در مقابل این خواست سلم به حربه حذف اقلیت متوسل شده است لذا باید جدا از اراده آن برای برگزاری چنین کنفرانسی تلاش نماییم . ما به سهم خود از هیچ کنجی به رفتاری اخراجی وحتی درنخ نخواهیم کرد .  
ه- ما مدافع مبارزه ایدئولوژیک غنی بی قید و شرط به عنوان یک اصل لنینی تشکیلات کمیونیستی هستیم . پرواضح است که هر مادی می تواند تبصره داشته باشد ، و این اصل به عنوان ماده اساسنامه ای می تواند تبصره اش این باشد که موضوع مشخص بحث در شرایط معین را مرکزیت ( که منتخب کنگره است ) تعیین میکند .

پیچیده سوی برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی  
سرنوشت باد جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق  
زنده باد آزادی - زنده باد سویالیسم  
هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - هلند  
۱۳۸۹/۲/۲۶  
۷ اسفند ۱۳۸۷

این اطلاعیه به اتفاق آرا رفتاری هوادار متشکل به تصویب رسیده است \*

روایت به :

- ۱- رفتاری با باطنی نظام
- ۲- رفتاری دفتر سیاسی و کمیته مرکزی
- ۳- راه کارگر ( ارگان سیاسی سازمان )
- ۴- رنگی کارگر ( ارگان کمیته کردستان )
- ۵- کاری راه ( ارگان کمیته بلوچستان )
- ۶- پیام کارگر ( ارگان کمیته خراسان )
- ۷- کار ( ارگان سنجفا اقلیت )
- ۸- جهان کمیونیت ( ارگان کمیته خارج سنجفا اقلیت )
- ۹- کار ( ارگان کمیته مرکزی سنجفا )
- ۱۰- سویالیسم ( ارگان همه اقلیت )
- ۱۱- کار ( ارگان سازمان آزادی کار )
- ۱۲- جریک های فدایی خلق ( پیام فدایی )
- ۱۳- ره های ( ارگان وحدت کمیونیستی )
- ۱۴- کردستان ( ارگان حزب دموکرات کردستان ، رهبری انقلابی )
- ۱۵- ترکمنستان ( ارگان کانون فرهنگ سیاسی خلق ترکمن )
- ۱۶- بلوچستان ( ارگان جنبش خلق بلوچ )

( ۱۱ )  
اطلاعیه شماره ۱

اقدامات انشعاب طلبانه دفتر سیاسی را محکوم می کنیم !  
با دردهای کمیونیستی به کادراه اعضا هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر )  
رفقا !

دترسیاسی و به تبع آن کمیته مرکزی سازمان در آستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک غنی برای دستیابی به برنامه اساسنامه واحد نشان دادند که برای حفظ حق و اقتدار خود حاضرند سازمان را شسته شسته کرده و انشعاب را سازمان دهند . ولی به اقلیت سازمانی حق بیان کامل نظرات خود را ندادند . رهبری سازمان در طول نزدیک به ۵ سال که از تصویب سند پایه ای جمعیتی مباحثات وحدت \* می گذرد نتنها در مورد اصل حاکم بر تشکیلات کمیونیستی جنبش بر این حق اصولی اقلیت سازمانی ؛ اقلیت حق دارد از طریق ارگانهای مطبوعاتی تشکیلات ترویج نظرات خود را سازمان دهد ، این شیوه اصولی سازمان دادن مبارزه نظری اقلیت با اکثریت می باشد تجدید نظر کرده و هرگونه حق اقلیت را در مخالفت آشکار سفاک عمیقاً کتیرتیر پا نهاده بلکه در حال حاضر که این حق اصولی به اقلیت داده میشود ، ما نیز مثل همسایه اقلیت با زبان بریده سخن بگویم و به بهانه پاسداری از " رفیقانه " و حفظ به اصطلاح حیثیت سازمان در بیرون خواهان سانسور مقداتی بر نظرات رفتاری اقلیت می باشیم .  
رفتاری دفتر سیاسی در مقابل اقلیت سازمانی که بر اساس لنینی مبارزه ایدئولوژیک غنی یعنی جنگ نظری به زیر آفتاب و در انتظار توده ها تأکید دارند ، به حربه های تجربه شده و به نایت عقب مانده یعنی اخراج ، تهدید ، تهمیت ، افترا و ترس و خسبها ، توجیه ، تعلیق و غیره متوسل شده اند .  
تا اینجا که ما اطلاع داریم تا به حال رفتاری با باطنی ، نظام و چندین رفیق دیگر در هانزیر ، فرانکفورت و پاریس اخراج شده و بخشی از کادرها و اعضای سازمان توجیه و تهدید شده اند . حق تبلیغ مواضع سازمان را از ما هواداران با عدم ارسال نشریات گرفته اند . این اعمال ضد حزبی با برچسبها و اتهامات ناجوانمردانه ای نیز همراه بوده است بعنوان مثال اپورتونیسم تشکیلاتی حاکم در رهبری سازمان ما نیز مثل همسایه احزاب سازمانهایی که نمی خواهند به اراده اعضا گردن بند ورجسبهای سیاسی ساخته ، خائن و فرست طلب کیتیرتیجی ، اعمال بیروزی ، رفیق نیمه راه و زنده و غیره به نیروهای انقلابی دروغ میزنند ، به رفتاری ؛ انشعاب طلب ؛ انضباط شکن ، اقدام ضد اخیتی ، فرست طلب ؛ اطمینان رشتنفر ؛ ترسو و لبرال و ... . نسبت دادماند و می خواهند زیرکانه چنان وانمود کنند که اینها همان راه فدائی ها هستند و چون بر حسب بیگانه یا سازمان مبارزه رفتاری چسباندند ، تا راحت انشعاب را سازمان داده و چوکیته و عداوت بین رفتاری ایجاد کرده و به نیت ضد حزبی ، وحدت شکنانه فرآگمیونیستی خود دست بیایند .

ماضن محکم کردن این شیوه های تاریفانه و شکست خورده دفتر سیاسی دفاع طایع رفتاری اخراجی و مورد انجام ، رفیقانه به رفتاری رهبری توجیه می کنیم به جای استفاده از حربه های تهمیت ، افترا و ترس و خسب رفتاری به برنسیبهای کمیونیستی و استاد با پای سازمان خود مان قادر باشند و به این جویی اعتدالی و فترقه پایان دهند .  
ما برآنیم که این سطح اختلافات وحدت حزبی را نقض کنند رفتاری رهبری بی خود تلاش دارند مسئله را به بین بست و انشعاب بکشاند . برپا روض است که رفتاری دفتر سیاسی بر خلاف این سند پایه ای سازمان " بر خلاف آنچه که در میان نشریات کمیونیستی تلقی میشود ، مبارزه ایدئولوژیک صراحتاً بین سانسور و اعمال اراده واحد تشکیلات کمیونیستی و تدارک انشعاب نسبت بلکه شیوه حیات یک تشکیلات کمیونیستی است کسسه خود را رها کرده و رهبر فعالیت کمیونیستی یعنی سانسور را به دست می برد ، " حیات رفتاری ، محکوم شد .  
رفتاری

( ۱۲ )

فشرده ای از نامه مفصل رفیق مستغول مستقر در هلند

رفتاری عزیز کمیته مرکزی و رفیق با باطنی

نامه های شما را خواندم و بنظر خود را اجمالاً و به اختصار توضیح میدهم : قبل از برداختن به موضوع لازم میدانم با توجه به حساس بودن مسئله و کمی وقت ، تأسف خود را از عدم شناخت قبلی رفتاری موضوعاتی که به آن استناد شده ولی من ندیده ام ، ابراز ارم . شاید با بودن این نامه ها نوشته شما " رفیق با باطنی " ( چگونه سهم خود را در ایجاد حزب طبقه کارگر از انماقم ؟ ) و یا شناخت دقیق تر از مواضع و طرف میشد نظر قطع می داد . اساساً اختلاف نظری بر سر یک جزه " از زندگی حزبی لنینی نمیتواند پایه انشعاب و انشقاق باشد . گیرم مثلاً من با نظرات یکی از طرف کاملاً موافق باشم ، آیا میتوان بر سر این مسئله که مبارزه ایدئولوژیک غنی باید بی قید و شرط آزاد باشد و یا اینکه نه باید زیر نظر مرکزیت سازمان داده شود و جزو رفیقانه نبر آن حاکم باشد و اثر نامطلوب بیرونی و درونی نداشته باشد انشعاب کرد ؟ بنظر من قطعاً نه .

۱- بنظر من آنچه که گزارش به اعضا و از طرف دفتر سیاسی کمیته مرکزی مسووخ ۲۴ دیماه ۶۳ صادر شد ،  
الف : درباره عدم انتشار کتاب " دوران بنظم سازمان و " هیئت تحریریه " قرار سازمانی را نقض کرد و دلایل عدم انتشار از نظرم مردود است خصوصاً اینکه " اولاً جلد دوم آن نوشته شده و ما باید انیم باجه مطلبی رو برو هستیم " چون در سالی این همین صفحه ۲ آمده است . . . . و قرار شد در صورت عدم موافقت با مضمون نوشته ها آنها را همراه یک یادداشت منتشر کنیم . پس دلیل اینکه " تمهید انیم جلد دومش چه باشد " خود بخود دلیل بی خودی است .

ب : واقعیت امر این است که طبق توضیح دفتر سیاسی ، رفیق با باطنی رفیق فعال ، مضطرب و با روابط سالم و خلاق بوده ، تا قبل از این اختلاف نظری منضم حفظ نظراتش کوتاه آمده و به اراده جمع گردن نهاده است . بنظر من اینکه در رفتار من سازمان این اولین بار است که به برکت تکامل و ارتقاء سازمان بعنوان یکی از جدی ترین و پایه حزب انقلابی طبقه کارگر که شاید بتوان گفت در صورت پیشنهاد دقیق ، اصولی و همه جانبه بحث های برنامه ای و اساسنامه ای به طور غنی و در سطح جنبش با تدارک دیدن کنگره مؤسس ، اولین کنگره مؤسس حزب کمیونیست ایران میشد . رفیق با باطنی نیز . . . . حق دارد مثل هر رفیق دیگری در این مسأله جدد بد غنی که برای اولین بار به این شکل اتفاق می افتد و از حساسیت ویژه برخوردار است خارج از سانسور ( به هر قیستی ) نظراتش را بنویسد ، که دفتر سیاسی هم ظاهراً این حق را میباید بید ، ولی در اصل تحت عنوان اینکه ، لحنش رفیقانه نیست ، بر سرای درج بیرونی مضراست و غیره میخواهد آنچه بنظر خودش خوب است انتشار یابد . اصولاً بر این نظریاتی به رفیقانه بودن و فضا و غیره ندارد . . . . .  
ج - آنچه که تمام این بحثها و مسئله را برای سازمان خصوصاً در این شرایط حساس چه در زندگی حزبی خود مان و چه در مبارزه طبقه شرایط پلیمسی ایران

ایجاد کرده برخورد کاملاً انشعاب خواهانه و شیوه تخطئه به شکلی که میسر در فضای ناخام و رفیقانه حل شود راه بن بست رساند ، و این برخورد "قصاص قبل از جنایت" را مرتکب شده است. آیا اگر نظر شعاع درباره آزادی بی قید و شرط مبارزه طبقی در تصمیم گیری نهایی کل سازمان درباره اساسنامه جدید از طرف اکثریت اعضا سازمان رد شود حاضر خواهید شد به نظر اکثریت تن بد هید ؟ بعبارت دیگر نظر قبایل را در چهارچوب وحدت‌های حزبی میدانید ؟ این یعنی چماق یعنی راندن "مزام" و مانع رفقای دفتر سیاسی با این سئوال بنظر من خواسته اند عوام فریبی بکنند و اگر نه کدام کمونیستی است که نداند وحدت حزبی حول یک برنامه و اساسنامه صورت میگیرد .

۲- نظرم راجع به نامه رفیق باباعلی به جلسه کمیته مرکزی مورخ ۲۸ آذر ۶۷ الف: من در مجموع دفاعیه رفیق عزیز را در مورد این بحث مشخص، استدلالات اصولی و کمونیستی ، صراحت دادن به اینکه اساساً و کفایت سابق به تبعیت اقلیت از اکثریت به عنوان ضوابط یکتکلیلات کمونیستی معتقد است و وحدت حول یک برنامه واحد و اساسنامه واحد معنی پیدا میکند و الا ن هم در راستانه اولین بحث طبقی برای چیزی که وحدت را تضمین میکند هستم و خلاصه خلع سلاح کردن رفقای مزبوس در دفتر سیاسی . . .

ب: اولاً این موضع بنده بدین معناییست که اساساً مبارزه آید نولوژیک غلطی بی قید و شرط را قبول دارم . برای اینکه هنوز مطالعه دقیقی در این رابطه ندارم و اظهار نظر از روی بی اطلاعی بیهوده است . ولی فقط از این زاویه که در دفتر سیاسی و کمیته مرکزی که انتقابی نیست و تازه میخواهم به برنامه و اساسنامه دست بیاورم حق ندارد نظر رفقا را سانسور کند . ثانیا نظریه رفیق (باباعلی) راجع به "استالینیسم" اصلاً قبول ندارم . من رفیق استالین را یار و همزمون وفادار لنین میدانم و در مقابل ایزورسین حزبی (ترتسکی ، بوخارین و رابار) و نظرات او رالنینی میدانم و "استالینیسم" اصلاً در مقابل بالنتینیسم موضوعیت ندارد . البته با انحرافات و جناحیاتی که داشته و انجام داده مزبندی دارم . . .

۳- نظرم راجع به جوابیه کمیته مرکزی مورخ ۱۰ دی ماه ۶۷ الف: این نامه در مجموع جز چند مورد ادامه همان سیاست تعیین تکلیف و در نتیجه تداوم همان موضعی است که برای حفظ سروری خود میخواهد انشعاب راه سازمان تحمیل کند و مبارزه آید نولوژیک غلطی را تدارک انشعاب میداند . ب: تاأسف رفقای عزیز کمیته مرکزی از عدم شرکت رفیق باباعلی در دست است و این انتقاد به رفیق باباعلی وارد است که چرا در جلسه شرکت نکرده است و بموقع عکس العمل در مورد پلنوم نشان نداده ،

ج: بحث تبعیت از دیسیپلین معمول توسط مرکزیت و بیانیه وحدت در این رابطه و اختلاف تراشی در این زمینه هابنظر میرسد صرفاً برای ایجاد تقابل و بسط بن بست کشیدن در بحث عنوان میشود . سیاست همان سیاست دفتر سیاسی است که برای اینکه بحث آید نولوژیک غلطی "فرمایشی" شود و باید قبل از آن نافرمانان را بسط هترتیبی شده کنار زد . . .

۴- نظرم در مورد نامه رفیق باباعلی به کمیته مرکزی مورخ ۱۳ دی ماه ۶۷ این جوابیه را کاملاً قبول دارم و به برخورد اصولی و کمونیستی رفیق باباعلی احترام ویژه قائم . از خود گذشتگی و روحیه جمعی گزافی و ترمش اصولی و کمونیستی وی را ضمن حفظ نظراتش میستایم . . .

۵- نظرم راجع به نامه کمیته مرکزی مورخ ۲۵ دی ماه ۶۷ رفقای هیئت سیاسی و مدافع دلسوز آن کمیته مرکزی تصمیم خود را گرفته اند . بنظر میرسد همه جلسات کمیته مرکزی فقط فرمایشیه هستند و آنهم برای تکرار همان حرفهای بی پایه و فیراصولی (دفتر سیاسی) ولی اینبار نه فقط چماق در دفتر سیاسی است بلکه بهاسم اکثریت کمیته مرکزی ، واقعاً که رفقای خوبی برای همدیگر هستند و فضای "رفیقانه کمونیستی" را پاس میدارید . عدد درصد وقتی اساس ، رفیق بازاری و محفل گزافی شما باشد ، اخلاق هم خیلی مهم است ، همچنین "سیاست شماها . . . سانترالیسم د مکرانیک که در اینجانب فقط بدون در نظر گرفتن د مکرانسی حزبی میخواهند مرکزیت را پاسداری کنند و هرکس سرنا سازگاری با آن داشت هم از آن محفل رفیقانه شان اخراج کنند . به این ترتیب رفقا در مقابل این اصل اساسی ساختمان حزب پرولتاری ، سانترالیسم بوروکراتیک را پاسداری میکنند .

شایان توجه است که رفیق باباعلی با وجود اینکه با این معیارهای رفقا مخالف است و فقط برای جلوگیری از انشعاب و احساس مسئولیت ژرف در مقابل وحدت سازمان و جنبش کمونیستی ایران هرد مورد را پذیرفته است که در نامه هایش وتجربه سه فعالیت سازمانی اش منعکس هست .

۱- رفیق در هیچ جا این پرسش کمونیستی ، یعنی تبعیت اقلیت از اکثریت را تفض نکرده و به صراحت بیان داشته است که "اقلیت باید از اکثریت تبعیت کند . اما در صورتی که همگان (یعنی هم اقلیت و هم اکثریت) بر مبنای یک برنامه واحد و یک اساسنامه توافق کرده باشند " (از نامه رفیق باباعلی ۲۸ آذر ماه صفحه ۲)

۲- رفیق باباعلی مورد دوم را هم به صراحت پذیرفته یعنی "تبعیت از انضباط معمول" (۲) : تفاوت کمیته مرکزی سازمان مادرتابید با اصطلاح تصمیم اکثریت رفقای دفتر سیاسی از جمع بندی مباحثات وحدت پرامون ت مباحثات غلطی تا تصویر تب اساسنامه جدید سازمان مورد احترام من میباشد .

خلاصه برای من جای هیچ شکی نیست که چه رفقای دفتر سیاسی و چه رفقای کمیته مرکزی صدی جز حفظ سروری و حکمرانی ناحب خود ند آرند و برخورد هایشان به رفیق باباعلی را کاملاً مردود و غیر کمونیستی میدانم . چنانکه قبلاً نیز نوشته ام در این مشاجره فقط همین بحث ، نظرات رفیق باباعلی را کاملاً قبول دارم و در پایان از رفقای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی خواهش دارم به خواست برحق و اصولی رفیق باباعلی که خواستی کمونیستی است گردن نهند و با شهادت کمونیستی که در ایران بویژه راهکار همیشه داشته اند از خود انتقاد کرده و به بندی ای وحدت طلبانه

و حفظ سازمان پرافتخار ما تا به تهر رسیدن بحثهای پایه ای برنامه و اساسنامه و تشکیل کنگره سازمانی برای تصویب این دو سند اساسی و بویژه انتخاب کمیته مرکزی و سایر ارگانهای سازمانی ، راهی که راه کارگردن طول این مبارزه خونین ده ساله با سر بلندی و افتخار طی کرده است و با برخورد های کمونیستی به ضعفهای خود ، می رود که به حزب فراگیر کارگران و توده ها تبدیل شود پاسخ مثبت د همد .

همچنین از رفیق باباعلی میخواهم در صورت لجاجت "دیکتاتوری عادل" (منظور کمیته مرکزی است) نظراتتان را در زمینه های مختلف بیان دارید تا من هم بتوانم موضع ام را مشخص کنم . فقط گفتن در آرد که اشاره شما - رفیق باباعلی - راجع به تعالی رهبری و پاسکاند اران سازمان به تعالی باتشکیل بلوک باجماعت شود های - اکثریتی دوجناح را من نیز چه در برخورد هایی که با رفقای مسئول داشته ام چه بطور کلی حس میکنم و فعلاً با آن کاملاً مخالفم .

موفق و پیروز باشید

۱۵ بهمن ۶۷

۴ فوریه ۸۹

( ۱۳ )

اطلاعه

نیروهای انقلابی و کمونیستی:

هانگونه که مطلع هستید ، مدتی است که بحران درون تشکیلاتی فعالیت و ادغامی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را محفل و به سبب خود شرایطی بر پیکر جنبش کمونیستی وارد نموده است .

ما اعضای سازمان کارگران انقلابی ایران - واحد هایدلبرگ که تا مدتی پیش از منق و دانشه بحران فوق بی اطلاع بودیم ، نهایت حس خود را به شیوه های حزبی از جمله ارائه قطعنامه ها و راه حل های مشخص جهت حل بحران فوق بعمل آوردیم . ولی از آنجا که رهبری سازمان کوجکترین توجهی به خواسته ها و راه حل های پیشنهادی ما و سایر واحدهای سازمان ننموده و هم چنان با ادامه سیاستهای فوق سانترالیستی اقدام به اخراجهای بی دریغ اعضای محضی سازمان مینماید ، وظیفه انقلابی و حق دمکراتیک خود دانسته که نامه اعتراضی خود را به کمیته مرکزی سازمان غلطی ننمایم .

به کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) رفقی عزیز: امروز از یکسوادامه بحران درون تشکیلاتی و گسترش بی پایه آن و از سوی دیگر شیوه برخورد غیر دمکراتیک و دیکتاتوریانه مرکزیت سازمان نسبت به بحران فوق سازمان را در معرض تلاشی قرار داده است .

از آنجا که لحظه ای درنگ و سکوت در مقابل اینگونه اعمال بوروکراتیک (اخراج غیر اصولی رفقای سازمان) لطمات جبران ناپذیری بر سازمان و همینطور جنبش کمونیستی وارد مینماید ، ما کلیه اعضای واحد هایدلبرگ وظیفه انقلابی و کمونیستی خود میدانیم که کل سازمان و کمیته مرکزی را از موافقتنا خوشایند و جبران ناپذیر این اعمال غیر دمکراتیک آگاه نموده و در جهت خنثی نمودن اعمال فوق سانترالیستی و استالینی رهبری سازمان ، از هر چه گونه تلاش انقلابی غافل نگردیم . لذا واحد هایدلبرگ اقدام به صدور قطعنامه زیر نموده و تشباً شرطیاً و بویایی سازمان را ضوط به اجرای بی درنگ بندهای آن میدانند .

۱- بر برگرداندن بدین قید و شرط وفوری کلیه اعضای اخراجی و تحلیقی با حفظ مسئولیتهای سابقشان به سازمان .

۲- تدارک مبارزه آید نولوژیک غلطی بدون قید و شرط حول بحران مذکور و دیگر مسائل مورد اختلاف

۳- برگزاری سریع یک کنفرانس عمومی خارج از کشور جهت بررسی و جمع بندی مباحثات فوق و تعیین کمیته مرکزی وقت .

۴- تدارک اولین کنگره سراسری سازمان .

در پایان ما کلیه اعضای واحد هایدلبرگ متذکر میشویم ، چنانچه به تک تک خواسته های فوق تا تاریخ ۸۹/۲/۱۰ پاسخ مثبت داده نکرده ، وظیفه کمونیستی و حق دمکراتیک خود میدانیم بدون هیچ گونه توجهی به تصمیمات کمیته مرکزی اقدام به معضی نمودن قطعنامه فوق و انشعابی بلادرنگ تفکرات استالینی حاکم بر رهبری سازمان ننمایم .

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم  
"سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - واحد هایدلبرگ"  
۸۹/۲/۱۷

( ۱۴ )

اطلاعه

کادرها ، اعضا و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

پس از گذشت ده سال از حیات سازمان ما و پس از چهاردهم سال از انتشار اسناد پایه ای "بیانیه وحدت" و در نتیجه مبارزات درون سازمانی ، هر چند عقبر از سازمانهایی که تا کون مبارزه آید نولوژیک غلطی را بر پا داشتند ، سازمان ما میرفت تا اولین مبارزه آید نولوژیک غلطی را در سطح جنبش طبقی کرداند .

اما در دفتر سیاسی سازمان با حقیق مافوق ویژه طبریز در گفتار اصول حاکم بر "بیانیه و جمع بندی وحدت" سرانجام نشان داد آنجا که پای کردار" در میان باشد ظرفیت پذیرش را ندارد . این مبارزه درونی از آنجا آغاز گشت که رفیق باباعلی عضو مرکزیت مقالعی را در انشعاب لنینی بودن "آزادی بی قید و شرط مبارزه آید نولوژیک غلطی" برای انتشار بیرونی به دفتر سیاسی ارائه داد . طی هشت صفحه توانسته بود در یک جوخه فغان آلود تشکیلاتی عملکرد رهبری را به نقد بکشد . از آنجا که رهبری سازمان قصد داشت در این برهه از حیات سازمان و در یک "مرجع صلاحیتدار" یا ژرفاند بوسی اساسنامه سازمان را به تصویب رساند بدین منظور نطقه عطفی از حیات مبارزات درونی سازمان محسوب میشد .

بدنیال یک جدول نظری ، با وجود خدمات شایسته رفیق باباعلی حول بحث وسیعی از دستا ودهای نظری سازمان ، در دفتر سیاسی و به تیجان کمیته غیر منتخب مرکزی ، رفیق باباعلی و رفیق فلام یکی از مسئولین شعبه "براهیت داخل" را در یک اقدام غیر مترقبه و سرگورگانه اخراج نمودند . اخراج رفقا باباعلی و فلام موج وسیعی از اعتراضات واحدها و پیگیرهای سازمان را در خارج از کشور برانگیخت . اما رهبری سازمان بجای اقدامات "وحدت طلبانه" و حفظ انسجام سازمان شمشیر اخراج توپنخ ، تهدید بسند و تحلیقی را طبع محترمین ، هشوالبه وار از نیم بیرون کشید .

از آنجا که بحث وسیعی از واحدهای سازمان در خارج از کشور ، بطور ملموس و از نزدیک شاهد

اقدامات " قهر جانی " دکراتیزه شدن سازمان بودند بعد از دریافت گزارشات مقامی و صمیمات ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

دفعه از طرف دفتر سیاسی و مرکزیت در مقابل اقدام فراقسویستی و انشعاب طلبانه آن در چهار هیچ ...

اعضای سازمان صریح بر روی توسعه‌یافتن در کارتان بودند ...

تاریخ ...

درمانداید یا آشکارا عوام نریی میکند ...

مرکزیت سازمان (بخوان دفتر سیاسی) بطور واضحی نشان داده است که انتقادات که کنونیان چه ...

در سطح درون و چه بیرون مانوری پیش‌نموده و تنها به منظور خاموشی شعله فروزانی که کنونیان چه ...

سازمان و دست‌یابی به سبک‌کار کنونی را هدف قرار داده بود ...

سیاسی انتقاد را برای انتقاد میخواست ...

کینه باعد و "تاریخانه" غیر اخلاقی شقی میگردد ...

تهدید و تطمیع‌گانه علاج فائق آمدن بر این بیماری است ...

جالب اینجاست که دفتر سیاسی و رهبری سازمان با سو استفاده از اتحاد بدنه تشکیلات با توجه ...

فقدان مالی تدارکاتی زیر بار مسئولیت برگزار کننده همواره شانه خالی میکرده است ...

تداوم وحدت باین همان مشکلات مالی، تدارکاتی و عده برگزاری کنگره طی یکسال آتی را میدهد ...

کنگره‌ای که با اخراج و تعلیق ضوابط بخش‌هایی از کادرها و اعضای سازمان در حکومت اخراج ...

تبیغاتی مناسب است ...

در اقیانوس قرار گیرد در سازمان ما بماند ...

نیست میان شما (دفتر سیاسی) و رفیق با باطنی گردد ...

چگونه میتوان باور داشت زپوشش "انطباق‌گشایی" که در حقیقت چیزی جز اقتدار ما فوق ویژه ...

دفتر سیاسی استنبه‌ان شد و اقدامات فراقسویستی و انشعاب‌گرانه را توجیه ساخت ...

نه رفا ( اکنون دیگر مقاومت در مقابل سهل خروشان کادرها و اعضای سازمان در حکومت اخراج ...

رفا با باطنی و ظلام که این (حکومت) در واقع بیاتر قدم تکین بخش‌هایی از پیکره‌های سازمان نسبت ...

به تداوم سبک کار غیر لینی و انشعاب طلبانه رهبری است، بی فایده است ...

شرطی که برای بازگشت رفا را اخراج به سمت‌های مسئولیتی‌شان ارائه دادند ...

لینی و معمول حزبی نیست ...

انتقادی هم در کار باشد که هست، آنهم متوجه دفتر سیاسی است ...

کادرها و اعضای سازمان ...

مقاومت‌یک جانبه رهبری به عدم تکین در مقابل حواستهای وحدت طلبانه پیکره‌های سازمان هیچ ...

شبهه‌ای را باقی نگذاشته است ...

اعضای مسئولیت‌پیش از پیش‌چند از اراده رهبری مبادرت به برگزاری کنگره‌ای تشکیلاتی نمود ...

را در پیاید ...

پیش‌بنوی کنگره‌ای تشکیلاتی  
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم  
یکی از مسئولین سابق کمیته ناحیه‌ای تهران "جهان" ۱۸/۳/۸۹



فراخوان

رفقا! اعضای هیأت‌ارزان و دست‌داران سازمان و نیروهای انقلابی جنبش کبکیتی!

سازمان ما را با بحرانی فراگرفته که جوهر آن شمارش بین زندگی محلی ...

سری است که اکثریت رهبری سازمان در مقام پاسداری از مستقبات و اشکال ...

گرفته‌اند ...

تشکیلات بی کفایتی و بی تدبیری خود را در پاس‌گوشی به بحران نشان داده است ...

تلاش‌های مسئولانه برای احيات این امرید بیبی که تصفیه و اخراج‌های دسته جبینی راه حل ...

بحران نمی باشد و می بایست این سلاح را کنار نهاد ...

سو استفاده از موقعیت تشکیلاتی خود، در راه اخراج و تعلیق و ترویج مخالفین تا آنجا ...

پیش‌رفته است که تاکنون پیش از یک سوم ...

و در دوره موضع گیری، حول اختلافات اخیر قرار گرفته اند ...

تا بحیره اثبات سلاخی کرده است ...

احکام خود را صادر نموده است ...

فرموده دولت ملت جدیدی تشکیل داد!

بذل این همه خشم و شعل و حمل یکی از بدترین اشکال انشعاب است که در جنبش کبکیتیستی ...

کشور ما می سابقه بوده است ...

سیاسی و با فشاری بر امیر برگزاری یک کنگره‌ای سراسری تشکیلاتی منظور سیدگی به دنبال پیروز ...

بحران و تدارک در مبارزه کنگره تشکیلاتی بود است ...

است که یکسال پیش از این تحت عنوان "جنبش اصلاح سبک کار در سازمان" مأمولن گردیده و ...

(\*) چنانچه اکثریت کم و در صحت این نسبت ابراز تردید نماید ما آماده‌ایم تا با حضور ...





سازمان کارگران انقلابی ایران، راه کارگر

# گزارش، خطابه‌ها، قطعنامه‌ها و مصوبات مجمع نمایندگان اعضای اخراجی، تعلیقی و معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## گزارشی کوتاه

رقفا (دوستان)

بطوریکه اطلاع دارید، بخش وسیعی از نیروهای سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) علیه خودکامگی‌ها و عملکرد فوق‌سائترالیستی اکثریت دفترسیاسی سازمان به اعتراض برخاستند، طی رهبری سازمان از روی بی‌کفایتی، بجای دادن پاسخ صحیح به این اعتراضات، منافع فرقه‌ای - محفل خود را بر منافع جنبش و سازمان مطرح کرد. اخراج و تعلیق بیش از ۱۰۰ عضو در خارج از کشور و اسرار و انشعاب را بر ما تحمیل کرد. پس از این قلع و قمع بی‌سابقه، اعضای اخراجی، تعلیقی و معترض، یک‌گردد همائی را بنظر تداوم فعالیت کمونیستی خود ضروری یافتند و نخستین نشست هیئت نمایندگان را تدارک دیدند.

اوایل فروردین ۶۸ اولین نشست رسمی نمایندگان واحدها و اعضای اخراجی و معترض بمدت دو روز برگزار گردید. این مجمع با اعلام یک دقیقه سکوت بیاد شهدای کمونیست و انقلابی، کار خود را آغاز کرد. ابتدا نمایندگان معرفی شدند و صلاحیت آنها مورد تأیید قرار گرفت و پس از تصویب آئین نامه (۲۸) نشست و تعیین ریاست و منشی جلسه - نمایندگان حاضر و در بحث حول دستور جلسه شدند.

نخست رفیق باباطلی طی سخنان کوتاهی وضعیت کنونی نیروهای اخراجی، تعلیقی و معترض را مورد بررسی قرار داد و سپس از آن گزارشی از چگونگی فعالیت تاکنونی داده شد. گزارش عبدالمسعود زیر را در بر می‌گرفت: گزینش چند نفر از رفق برای پیشبرد کارها تا مقطع نشست نمایندگان توسط رفقا باباطلی و غلام، ارتباطات، تهیه و تکثیر مطالب در پاسخ به برخوردها و جوله‌های دفترسیاسی و توزیع آنها چسب کتبی و چه بصورت نوار، و تدارکات مالی.

پس از گزارش، مجمع به بحث پیرامون هویت و مضمون فعالیت مسا پرداخت، و به دو قطعنامه "هویت ما" و "وحدت" انجامید، که مقرر خصوص مضمون فعالیت ما در این دور، پس از بحث‌های مفصل و نشست

(۲) از نکات قابل ذکر آئین نامه آنست که بمنظور در نظر گرفتن حقوق اقلیت (در انطباق با وضعیت کنونی ما)، ماده ای به تصویب رسید که بر مبنای آن "تمام مصوبات با اکثریت آرا" (نصف بعلاوه یک) باشد، اما در تمامی موارد اختلاف که در چارچوب پای بندی به بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت قرارداد، در صورتیکه هیئت نمایندگی مخالف باشند، آرا اکثریت بحالت تعلیق درآید، در غیر این صورت نظر اکثریت پیش برده شود و اختلاف نظر حول آن غلطی شود. این بند آئین نامه عمدتاً بدلیل اختلاف نظر حول شکستن بایکوت سازمان فدائیان خلق (کشتگرها) مطرح و تصویب گردید. اقلیتی از نمایندگان اعتقاد داشتند که هیئت اجرائی موقت و واحد ما مجازند با این جریان به روال تاکنونی تماس رسمی داشته باشند. با اینهمه موافقین این نظر آرا را بدست نیاوردند و در نتیجه قرار شد هیچگونه تماس رسمی با این جریان گرفته نشود تا در کفرانس تصمیم نهائی حول آن اتخاذ شود، اما ضروری است اختلاف نظر حول این مسئله علناً اعلام شود و تا مقطع کفرانس بر سر آن (درباره سیاست اختلافی) مبارزه ایدئولوژیک صورت گیرد.

## طولانی جمع بندی زیر حاصل آمد:

- ۱- تعیین يك هیئت اجرائی موقت برای تدارک کفرانس
  - ۲- خصلت فعالیت ما تا مقطع کفرانس اساساً تدارکاتی است
  - ۳- فعالیت ما تا کفرانس اساساً معطوف به درون خواهد بود.
- در مورد اختیارات هیئت اجرائی موقت، در موارد زیر توافق حاصل شد:

هیئت اجرائی موقت با مضمون فعالیت تدارک نظری - علمی کفرانس در این دور سازماندهی بولتن مباحثات، ارتباطات، تدارکات و الیه، انتشارات و توزیع را بعهده دارد و در این چارچوب حق سیاست‌گذاری و

## پیام مجمع نمایندگان معترضین

### سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به کمیته‌ها، واحدها و هواداران سازمان در داخل کشور

رفقا (دلوران سرخ راه کارگر)

با درود به شما و رزم انقلابی تان که استوار و صمد راه سرنوشتی رژیم اسلامی، و انقلاب و سوسیالیسم به پیش می‌تازید (رفقا) شاید تمامی شما از انشقاقی که در تشکیلات ما صورت گرفته است بطور جسته گریخته اطلاع یافته باشید، انشقاقی که نتیجه تحمیل سیاست‌های فوق سائترالیستی و سرگورانه اکثریت مرکزیت سازمان ما بوده است: فوق سائترالیستی که از حقوق ویژه دفترسیاسی و اکثریت مرکزیت حراست می‌نماید و دفتر سیاسی و اکثریت مرکزیتی که تولیدکننده و پاسدار چنین فوق سائترالیسمی می‌باشد. اگر سازماندهی منضصل در داخل و نوع رابطه کمیته‌ها و واحدهای داخل با مرکزیت باعث بروز و انعکاس نوع خاصی از فوق سائترالیسم در رابطه با نیروهای داخل است، ارتباط تنگاتنگ در خارج، تمامی زوایای این فوق سائترالیسم را بطور روزمره به نمایش می‌گذارد. طغریغ این تفاوت قابل توجه، جلوه‌های عمومی و اساسی این بی‌حقی عمومی در سازمان ما در داخل و خارج یکپاست. سلوب الاراده بسودن اعضا و کادرها در حیات سازمان، عدم انتخابی بودن مرکزیت، عدم امکان کنترل و حسابرسی مرکزیت توسط توده‌های حزبی، جلوه‌هایی از این بی‌حقی عمومیست.

سائترالیسم و دمکراسی، در سازمانهای کمونیستی دو وجه جدائی‌ناپذیر و غیرقابل انفکاکند، اما در سازمان ما دمکراسی و دخالت اعضا و کادرها در فعل و انفعالات درونی و بیرونی سازمان، دائماً به بهانه‌های "شرایط سرکوب" و "ضیقهای مالی - تدارکاتی" و ... منکوب گشته است. اگر شرایط سرکوب، اشکالی از جاری نمودن دمکراسی



## پیام مجمع نمایندگان معترضین سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به کمیته‌ها، واحدها و هواداران سازمان در داخل کشور

حق طلبانه توده های حزبی رادیکال نکند • طبعاً چنین رهبری ای نه یک مرکزیت دموکراتیک بلکه محظی است که جدا از خواستها و تمایلات اعضا عمل خواهد کرد •

رفقا! مبارزه ماطلیه استبداد، استثمار و بهره‌پرالیسم که امروزه از کانسال مبارزه علیه جمهوری اسلامی میگذرد، مبارزه‌ایست برای حاکمیت توده ها • اگر کمونیستها در سطح جامعه برای حاکمیت توده ها - و نه حاکمیت حزبیه می جنگند، در سطح سازمان نیز، این امر جدا از مبارزه برای حاکمیت توده های سازمانی (رژیم سانترالیسم دموکراتیک) نمی باشد •

اکثریت مرکزیت فعلی سازمان با در دست داشتن بخش اعظم امکانات تبلیغاتی، از جمله رادیو، تلاش دارد تصویر اروونه ای از حرکت مارا برای شما ارائه دهد • ما به سهم خود میکوشیم با همه محد و دیتهای امکاناتی، تمامی جوانب قضایی را که در خارج بوقوع پیوسته است با اطلاع شما برسانیم • و از هم اکنون درصد هستیم تا امکانات ارتباط شما با مرکز ارتباطاً سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - ها، مه را تسهیل نموده و شرایط مناسب برای برخورد و قضاوت حول مسائل مورد اختلاف و نیز تداوم فعالیت انقلابی مان را فراهم سازیم •

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

مجمع نمایندگان نیروهای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران  
(راه کارگر) ۱۸/۱/۶

### گزارشی کوتاه

هدایت واحدها را خواهد داشت • واحدها نیز در چارچوب سیاستهای تاکوونی و صوبات مجمع نمایندگان به فعالیت خود ادامه خواهند داد • سپس در مورد زمان کنفرانس و تعداد اعضا هیئت اجرایی، هدف کنفرانس و اسناد آن، بولتن مباحثات و اولویت‌های آن بحث شد، که بصورت مصوبه درآمدند و مدت زمان کنفرانس ماه تعیین گردید • سرانجام هیئت اجرایی موقت و اعضا علی‌البدل آن انتخاب شدند • در انتهای مجمع نمایندگان با سرو داترناسیونال به نشست خود پایان داد •

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

هیئت اجرایی موقت برای تدارک کنفرانس

۱۸/۱/۱۷

را محدود و مینماید، تجارب جنبش کمونیستی نشان داده است که همیشه اشکال دیگری میتواند و باید جای این کجود را بگیرد • بی اعتقادی رهبریت سازمان مابه دموکراسی تا آنجا تعمیم یافته که حتی بخشی از تصمیمات و قطعنامه های صوبه خود را نیز در عمل مسکوت میگذارد (از آن جمله اند، بخشی از مصوبات مباحثات وحدت از قبیل برگزاری هر ۲ سال یکبار کنگره، سازماندهی مبارزه ایدئولوژیک درونی و غنی، و همچنین صوبات آسال پیش پلنوم مرکزیت حول اصلاح سبک کار) •

زایه نگرش دفتر سیاسی و مرکزیت به مسئله مالی و تدارکاتی نیز عسق بی اعتقادی آنان به دموکراسی درون تشکیلاتی را نشان میدهد • اگر دموکراسی یکی از اصول بنیادین حیات یک تشکیلات کمونیستی است، تقسیم بندی بودجه و برنامه ریزی در زمینه مالی - تدارکاتی - برای زمینه سازی و جاری نمودن دموکراسی و دخالت اعضا و کادرها در حیات تشکیلات یک اصل تخطی ناپذیر است •

رفقای عزیز! ما اقلیتی نیرومند از کادرها، اعضا و هواداران سازمان که به انحاء مختلف در مقابل این فوق سانترالیسم به مبارزه برخاسته ایم، مبارزه ای که امکان آنرا در چهارچوب یک تشکیلات دیسده و می بینیم، مورد غضب همان فوق سانترالیسمی قرار گرفته ایم که تمامی ابزارهای تشکیلاتی را در دست خود قبضه نموده است • سیاست اخراج، تعلیق و توبیخ، حربه دیکتاتورانه مرکزیت در قبال نیروهای بود که برای حاکمیت توده های حزبی بر سازمان و رهبری آن مبارزه میکردند، اما ضافع محظی اکثریت مرکزیت ایجاب میکرد که در مقابل این موج اعتراضی سیاست اخراج را در پیش بگیرد، حاصل شیوه سرکوبگرانه مرکزیت در مقابل موج اعتراضی کادرها و اعضا، قلع و قمع بیش از ۱۰۰۰ اعضا در خارج کشور و وعده کنگره برای بخشی دیگری بوده است • از پیش معلوم است که "کنگره" ای که مرکزیت سازمان هم اینک وعده برگزاری آنرا می دهد، که برای جلوگیری از گسترش اعتراضات در سراسر تشکیلات است، چگونه کنگره ای خواهد بود •

مانبروهای معترض، که شعار دموکراتیزه کردن تشکیلات بر هر چه مان نقش بسته است، در عین اعتقاد کامل به اینکه جای ما کماکان در یک سازمان واحد است، تلاش مستقل خود را آغاز نموده ایم تا در چهارچوبه خطوط برنامه (راه کارگر) و بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت مبارزه انقلابی مان را به پیش ببریم • ما که تا چندی پیش در کمیته ها و واحدهای داخل سازماندهی شده بودیم، مسائل و مشکلات شرط را با تمام وجود در کمینگی شعارها و خواسته هایمان همانا شعارها و خواسته های شماست، ما برای سیستمی میجنگیم که در آن سانترالیسم دموکراتیک واقعاً اصال گردد و نه اینکه مرکزیتی فقط خود را "رهبر" بخواند و از توده های حزبی تأثیر نپذیرد، و به کسی حساب پس ندهد و تنها فرمان براند و فریاد های

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

## قطعنامه دربارهٔ هویت ما

اجرای مصوبات تاکتونی تشکیلات در زمینه نقد سبک کارپوپولیستی هستیم ( هـ - غیرم دا شتن اختلاف برسپاره ای از مسائل ، نقطه ثقل حرکت خود را مواضع تاکتونی سازمان قرار داده ، سعی در تدقیق ، تعمیق و تکامل آن در چارچوب بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات و وحدت بشابه اسناد پایه ای سازمان داریم .  
بنابراین ما همچنان سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر ) هستیم و با حفظ نام و آرم سازمان ، جهت تداوم فعالیت حزبی و انقلابی خود با اراده واحد ، هیئتی موقت راتحت نام " هیئت اجرایی موقت برای تدارک کفرانس " برگزیده ایم .  
بند های الف - ب - ج - د - ه این قطعنامه باتفاق آراء و انتخاب نام " هیئت اجرایی موقت برای تدارک کفرانس " با اکثریت آراء به تصویب رسید .

نظریاتیکه :  
ما یعنی آن بخشی از سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر ) که در اعتراض به رژیم فوق مرکزی دفترسیاسی و اکثریت کمیته مرکزی مشمول اخراج ، تعلیق و تصفیه قرار گرفته ایم :  
الف - خواهان پایان دادن به رژیم فوق مرکزی و برقراری سائترالیسم دموکراتیک در چارچوب اساسنامه حزبی لنینی هستیم ( ب - خواهان مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون سانسور می باشیم )  
ج - بکارگیری حربه تصفیه و اخراج را در حل مسائل نظرسری درون حزبی محکوم می دانیم .  
د - خواهان اصلاح سبک کار و تغییر مناسبات درونی بوده و خواستار

## قطعنامه دربارهٔ وحدت

شدگان در جایگاه سازمانی خود ( ۱ - تعیین زمان بندی برای برگزاری یک کفرانس سراسری متشکل از نمایندگان اعضا سازمان در خارج از کشور برای بررسی بحران سازمان )  
۲ - انتخاب هیئتی در کفرانس بظنور نظارت بر حسن تدارک و برگزاری دموکراتیک یک کنگره حزبی ، کنگره ای مرکب از نمایندگان همه اعضا و واحد ها برای تصویب برنامه ، اساسنامه و تعیین استراتژی و تاکتیکهای محوری سازمان و انتخاب کمیته مرکزی ( ۳ - پذیرش مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون سانسور و مقاومتی ( نظرات ) از طریق سازماندهی یک بولتن مباحثه علنی برای تدارک کفرانس و کنگره ( ۴ - در صورت تحقق شروط بالا دلیلی برای فعالیت مستقل و جدا گانه خود ندیده ، فعالیت انقلابی خویش را در صف متحد و یکپارچه سازمان ادامه خواهیم داد .  
این قطعنامه با اکثریت مطلق آراء و یک رأی متع به تصویب رسید (

نظریاتیکه کار بست سیاست های فوق مرکزی دفترسیاسی و اکثریت کمیته مرکزی و عدم پای بندی به دموکراتیسم حزبی و صراحت اعمال سانسور نظر و مخالفت با حقوق دموکراتیک اقلیت نظری در چارچوب اساسنامه حزب لنینی و پافشاری بر تداوم سبک کار محفلی ، موجب اعتراض پر حقت تعداد زیادی از کادرها ، اعضا و هواداران قرار گرفته ، و دفترسیاسی در پاسخ به درخواست اعضا و هواداران که خواهان اصلاح سبک کار به شیوه لنینی و مبارزه ایدئولوژیک علنی هستند ، سیاست سرکوب ، تصفیه و اخراج را برگزیده و عملاً انشعاب ناخواسته ای را بر سازمان تحمیل نموده است ( ما با تأکید بر اصلاح سبک کار ، در گونی در مناسبات درون حزبی ، ترک شیوه های توطئه گرانه پوپولیستی ، مجدداً با تکرار خواسته های اعلام شده عزم خویش را برای غلبه بر بحران و باز یافتن وحدت سازمانی بیان می داریم :  
۱ - بازگشت بی قید و شرط کلیه اخراجی ها ، تعلیقی ها و تصفیه

## مصوبه دربارهٔ واحدها ، اعضا ، هواداران و سیاست عضو گیری

۵ - کلیه اعضای که تا کفرانس از سازمان ( جناح د س ) جدا شده به ما می پیوندند ، عضو محسوب می شوند .  
۶ - تصمیم نهائی در مورد بندهای ۲ ، ۳ و ۴ بعصده کفرانس و یا مرجعی است که کفرانس تعیین خواهد کرد و رأی کفرانس یا مرجع تعیین شده قطعی خواهد بود . واحدها و هیئت اجرایی موقت موظفند فساد این صوبه را به همه رفقای آزمایشی و دا و طلب عضویت توضیح دهند ( ۷ - درباره هواداران و سازماندهی آنان ، سیاست جدید سازمان که بعد از نقد سبک کار پوپولیستی آغاز شده توسط واحدها تا کفرانس ادامه می یابد و هر نوع در گونی در این سیاست به کفرانس موکول می شود .  
بندهای ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ باتفاق آراء و د بند آخری پابیش از آراء به تصویب رسیدند .

۱ - واحدها در فعالیت شهری بر اساس تصمیمات مجمع عمومی و تقسیم کار ناشی از آن به فعالیت خود در چارچوب هویتی ما می پردازند .  
۲ - مجمع عمومی نمایندگان واحدها ، سیاست واحدها را دبریر اعطا حق رای قطعی به اعضا آزمایشی تا مطلع کفرانس ام از اعضای که دوره آزمایشی آنان پایان یافته و یاد شرف پایان است ، مورد تأیید قرار می دهند .  
۳ - واحدها می توانند از میان هواداران تاکتونی اعضا آزمایشی برگزینند .  
۴ - کلیه رفقای که قبلاً توسط واحد پایه بعنوان عضو آزمایشی پذیرفته شده اند ولی بدلیل بحران سازمان بدانان ابلاغ نگردیده ، می توانند بعنوان عضو آزمایشی با یکی از واحدها فعالیت سازمانیافته داشته باشند . ( بانظر واحدها )

## خطابیهٔ مجمع نمایندگان نیروهای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به نیروهای کمونیست و انقلابی

رفقا و دوستان!

نوبتی، اما سبیل و ارنا مید. آنچه را که بر تشکیلات ما گذشته است و هنوز پایان نیافته، در همین مصور بودن در تشکیلات ما و جنبه مستقل آن، به کسل جنبش چپ ایران و نیروهای انقلابی مربوط میشود. واکنش اصولی نیروهای سیاسی، دخالت در امور داخلی یک تشکیلات نیست، بلکه ما از جنبه عمومی، واکنش در قبال حفظ اصولیتها و ارزشهای است که دفاع از آن، بمطابقه دفاع از ارزشهای عمومی جنبش انقلابی است. هرگونه بی پرسنپی در جنبش چپ و جنبش انقلابی، لطمه بر اصولیتها و پرسنپهای همه نیروهای کمونیست و انقلابیست.

مانندگان اعضا و واحدهای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، از سازمانهای چپ و انقلابی می‌خواهیم که در مقابل روشها و اقدامات سرکوپگرانه رهبری سازمان ما، که منجر به تصفیه خسیل عظیمی از نیروهای تشکیلات گردیده ساکت ننشسته، و اتخاذ چنین سیاست غلطی را قویاً محکوم نمایند. تلاشی که در جنبش چپ ایران برای زدن زنگارهای پوپولیستی - فرقه ای آغاز شده، و جدیت و اهمیت آن هر دم برجسته تر میشود، میبایست با دفاع از پرسنپها و با محکومیت شیوه های غیردموکراتیک همراه باشد.

مانندگان واحدها و اعضای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با اعتقاد عمیق به محقنیت راهمان، و با عزمی راسخ برای تحقق آرمانهای والايمان به پیش خواهیم رفت!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

مجمع نمایندگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۳۶۸/۱/۱

اکنون ده سال از عمر سازمان ما میگذرد. ده سال مبارزه انقلابی و کمونیستی که دستاورد های قابل توجه سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانگرانه را به همراه داشته است. دستاورد های سازمان ما غیرمهم بخشی از کاستیها بر هیچ کس پوشیده نیست. با اینهمه در حوزه های معینی عقب ماندگی های موجود در سازمان ما پاشنه آشیل آن در روند مبارزه اش بوده است. عمده ترین نقطه ضعف سازمان ما ضعف سبک کار حزبی بود. ساخت فرقه ای - محفل حاکم بر سازمان ما نوع اصلی برای تحقق حزیت در تشکیلات ما بوده است. جان سختی پوپولیسم در حوزه تشکیلات که تجلی گاه و آبشخور آن در تشکیلات ما، دفتر سیاسی و کمیته مرکزی سازمان بود، هرگونه واکنش و طرحی را برای تحقق حزیت به بن بست میکشاند. تکرار و تداوم تضاد ناشی از گرایش پیشرو حزبی در مقابل محفلیم و پوپولیسم تشکیلاتی، و دفاع جانانه رهبریت از موقعیست، منصب و حقوق ویژه خویش، نمی توانست به انفجاری قابل پیش بینی نیانجامد. و امروز نتایج اسفبار این همه جان سختی رهبریت در مقابل موج اعتراضی درون تشکیلاتی به ثمر نشسته است. رهبریت، که در تمامی دوران حیات تشکیلات از منافع فوق سانترالیستی خود حفظ و حراست مینمود، در مقطع انفجاری نیز غیر از آن نکرد و نشان داد که به قیمت شقه کردن تشکیلات و تصفیه تمامی اعضا هم که شده میبایست از حقوق و ویژه خود دفاع نماید. زیرا که برای او، اصل بر موجودیت و حیات مادام العمر رهبری "خطانا پذیر" بوده است. حاصل چنین دفاع جانانه ای که برای رهبریت جنبه "حیثیتی" و "غیرتی" نیز یافتنید، سلاخی پیش از یکا درها و اضا، مستقر در خارج و دو شقه کردن نیروهای هوادار و دستداران سازمان بوده است؛ واقعه ای که آنرا بایستی نه یک انشعاب بلکه قلع و قمع

## مصوبه دربارهٔ

## اولویت تمهای مباحثه در بولتن

(آنجا که جنبه امنیتی - اطلاعاتی دارد) درونی خواهد بود.  
۹- در صورتیکه موضوعات دیگری از سوی اعضا پیشنهاد شود، ده ۱۰م با پابرجائی اولویت های تصویب شده، بقیه موضوعات رانیز در صورت تشخیص اهمیت و ضرورت برآنان مافزاید.

۱۰- علاوه بر اضا مرتبط، هواداران و دستداران سازمان نیز می توانند در بحثها شرکت نمایند.

۱۱- ده ۱۰م حق هیچگونه دخل و تصرف و سانسور مقدماتی در نوشتهها راندارد و تنها ملاحظاتی امنیتی و اطلاعاتی نوشته را می تواند بانویسنده در میان گذارد، که در صورت مخالفت نویسنده، با حذف آنها مقاله را بچاپ رساند.

۱- نقد سبک کار تاکنونی که منجر به این بحران شد.

۲- بحث بر روی اساسنامه برای دستیابی به یک اساسنامه موقت در کفرآ نس

۳- بحث درباره جمهوری دموکراتیک خلق

۴- درباره سیاست ائتلافی

۵- ارزیابی و تحلیل از اوضاع سیاسی ایران، چشم انداز تاکتیکیهای ما

۶- چگونگی ایجاد حزب طبقه کارگر

۷- وظائف حزبی ما و اولویت های آن (بحث سازماندهی داخل)

۸- کلیه مباحث علنی خواهد بود، مگر مواردی که خود نویسنده خواستار غیر علنی شدن نوشته خود باشد.

تبصره: بحث درباره وضعیت سازماندهی حزبی ما در داخل کشور

رقای عزیز کمیته مرکزی  
 نامه شمارا کماحی و تصیحاتشست فوق العاده کمیته مرکزی است ، دریافت کردم .

با کمال تأسف باید بگویم که این نامه نیز رادامه سیاستهای اکثریت رقای د فترسیاسی و مؤید باورهای من نسبت به رهبری فرقه ای - محظلی تشکیلات ماست که قبل ازهر چیز خود راد ر

تقبال د فترسیاسی و نه کل سازمان پاسخگو می بیند .  
 من د رگفتگوی طولانی خود بانمایندگان کمیته مرکزی د رباره تک موضوعات قلب شده د

د رنامه شما به تفصیل سخن گفتم و گزارش منور به اند ازه کافی گویاست .  
 معیند اگر خواهیم این عبارات شمارا جدی تلقی نمائیم که :

" هیچ یک از اعضاء مجبور نیستند د رپایان مباحثات برنامه ای و اساسنامه ای از نظر اکثریت برنامه ای و اساسنامه ای تبعیت کنند ، بلکه حق طبیعی آنهاست که د ر صورت تمایل خود شان از سازمان جدا بشوند " . ( نامه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر ، ۱۰ بهماه ۶۷ ، ص ۵ )  
 د ر آن صورت باید چنین نتیجه گیری کنیم که شما طرح سوال " تبعیت اقلیت از اکثریت د رسائل برنامه ای و اساسنامه ای " از جانب د فترسیاسی راهمنا به معیار حل و فصل اختلاف با من که د رفراخوان مورخ ۱۲ آذر ۶۷ د فترسیاسی به اعضای کمیته مرکزی انعکاس یافته است ( ۱ ) ، نادرست تلقی کرده ام .

باتوجه بهتکه فوق الذکر ، د ر این نامه می خواهم برای آخرین بار شمارا به اجرای تعهدات د رقبال سازمان دعوت نمایم و توجه شمارا به این حقیقت جلب نمایم که اکثریت رقای د فترسیاسی قصد دارند تا د راستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک عینی د رکل تاریخ حیات سازمان ما " اقلیت "

سازمانی را از پیمان کامل نظریات خود محروم نمایند و بجای امکان دادن به مباحثه و اقمه ای و تشریح نقطه نظرات متفاوت بر سر این بیان موضوع مورد مشاجره ، انشعاب راتحمیل کنند -

بهین جهت ، د ر مقابل این روش انشعاب طلبانه و شانه خالی کردن از مباحثه عینی که جنبش مابدان نیازمیرم دارد ، یار د یگرایتانی ترین د رخواستی که یک عضو سازمان می تواند بهنگام مباحثات عینی مطرح نماید ، تکرار می نمایم : " اختای تنها خواهان انتشار کامل نظرات خود است و این را وظیفه د . . . می داند " . ( نامه مورخ ۱۲ آذر ۶۷ برای قراعت د رجلسه کمیته مرکزی ) .

من پیشتر د رنامه مورخ ۲۸ آذر ۶۷ خود پیرامون قضاوت احتمالی کمیته مرکزی د رباره " بانیه وحدت " اظهار داشتیم که : البته این بدان معنا نیست که حتی د ر صورت رای مثبت شما به

تفسیر اکثریت د فترسیاسی از این بانیه ، از حضور فعال خود د رسازمان دستخواهم شستم ، موطوبه اینکه امکان مباحثه عینی واقعی ( و نه فرمایشی ) پیرامون مسائل مورد اختلاف فراهم کرد د . "

از اینرو برای اجتناب از انشعابی که اکثریت د فترسیاسی قصد تحمیل آن رادارد ، پیشنهاده

می نمایم که :

( ۱ ) کمیته مرکزی اصل سانورمقد ماتی بر نظرات مطروحه د ر مقالات مباحثاتی ( چه عینی ، چه د رونی ) رالقول نماید و بد بترتیب مقاله مزاید ون هرگونه سانورمقد ماتی منتشر کند .

( ۲ ) قضاوت کمیته مرکزی سازمان ماد رتأید باصطلاح " تفسیر " اکثریت رقای د فترسیاسی د رباره " جمع بندی مباحثات وحدت " پیرامون مباحثات عینی تاتصوب اساسنامه جد بد سازمان مورد احترام من می باشد ، بی آنکه ذ رهای از حق خود برای مبارزه علیه آن د ر مباحثات عینی چشم پوشی نماید .

( ۳ ) برای خاتمه دادن به فضای " تحمیل انشعاب " که از جانب اکثریت د فترسیاسی د امنزد مشده است ، ضروریست تا بد واکمیته مرکزی نامه حاضر خود را که عملاً " تعلیق عضویت " مرا اعلام داشته است ، پس بگیرد و سپس من نامه هائی را که پس از طرح د رخواست سانورمقد ماتی بر مقاله ام از جانب د فترسیاسی ، ارسال داشته ام - بطیرغم اعتقاد م به صحت تمام مفاد آن - پس می گیرم .

( ۴ ) کمیته مرکزی مرکب از اعضای مورد اعتماد طرفین ( از میان اعضای مرکزیت ) برای رسیدگی به خلافتکاریهای د فترسیاسی و " تاکتیکیهای بگانه " و . . . من شکل میگیرد . این کمیسیون باسند بعنوان مرجعی برای حل و فصل رفیقانه اختلافات عمل کند . واضح است که این کمیسیون می تواند بالعمال نفوذ معنوی خود و نه بمنا به مرجع ویژه انشعابی ، د ر ایجاد فضای تفاهم نقش مثبتی ایفا نماید و قضاوت آن باید مورد احترام طرفین باشد . رای این کمیسیون ، رای اکثریت آن خواهد بود ، اما د ر صورت وجود اختلاف داوری ، اقلیتان نیز می توانند نظر خود را اعلام نمایند .

طرفین نیز ضمن احترام به نظر کمیسیون می توانند توضیحاتی را که د ر باره اعمال خود و نظر کمیسیون لازم می بینند ، ابراز کنند .

( ۵ ) از آنجا که د فترسیاسی د ر " کنفرانس مشورتی " پیرامون مسائل مورد مشاجره به بخشی از کاد رها و اعضای سازمان " توضیحاتی " داده است ، لازم است تا برای ایجاد فضای تفاهم ، با نظر طرفین و بنا به تصمیم کمیته مرکزی ، روشی اتخاذ شود تا د ر همه مواردی که " توضیحاتی " ارائه شده است ، توضیحات لازم برای رفع هرگونه سوء تفاهم صورت گیرد .

باتوجه به فضای ناسالم موجود - که از بدگاه من مسیب آن د فترسیاسی است - و برای جلوگیری از انشعاب تحمیلی اکثریت د فترسیاسی ، ضروریست تا اقامت مذکور د ر اسرع وقت صورت پذیرد . از اینرو تقاضایم آن است که ظرفیک هفته به نامه حاضر تمکین پاسخ داده شود .

د ستان را بگری می فشارم و بر اینان آرزوی موفقیت می کنم .

اختای

مورخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۷

( ۱ ) د رنامه د . س به تاریخ ۲ آذر ۶۷ چنین آمده است : " د . س به این نتیجه رسید که برای حل و فصل این اختلاف باید نظر ر . اختای د رمورد یک مسئله روشن شود و آن اینکه چنانچه ر . اختای د ر اقلیت قرار گیرد وی حاضر به تبعیت از نظر اکثریت سازمان خواهد شد ؟ و یا به بیان دیگر ، نظر موجود د ر کمیسیون اساسنامه ر چهارچوب یکسازمان می گنجد و یا این د ونظر فاقد وحدت حزبی بوده و ناچاراً باید د ر د وسازمان جداگانه متشکل شوند ؟ "

با شماره تلفن زیر  
 با ما تماس بگیرید :  
 فرانسه ۴۰ - ۴۶۶۷۱۶

با کمک مالی خود  
 به ما  
 پیاری رسانید

با نشانی زیر  
 با ما مکاتبه کنید :  
 Rah-e Kargar  
 P. B 12992  
 1100 AZ  
 Amsterdam  
 HOLLAND

این ویزنامه توسط هیئت اجرائی موقت برای تدارک کنفرانس سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر ) انتشار یافته است .  
 تاریخ انتشار : اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۸